

رشد ماده‌فرا

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی برای معلمان و دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir | دوره بیستم، مهر ۱۴۰۲ | شماره پیدرپی ۱۴۹ | صفحه ۴۸



مهدی فرج‌اللهی
سهرابی هنرپیشه نمایش



علیرضا طالبانو
باید خود را ارتقا می‌دادم!



وحید گلستان
شخصیت‌های نمایشی
و هوش مصنوعی



شهرام کریمی
قصه و قصه‌پردازی،
خشت اول نمایش



بی حرف سخن گوی که تا خصم نگوید
کاین گفت کسان است و سخن های کتابی

مولانا





رشد مجله علمی

ماهنامه آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی برای معلمان و
دانشجو معلمان و کارشناسان وزارت آموزش و پرورش
www.roshdmag.ir
دوره بیستم، مهر ۱۴۰۲
شماره پیاپی ۱۴۹
صفحه ۴۸

خانواده مجلات رشد
همه تلاش خود را کرده است
تا این مجله در دسترس عموم
جامعه تربیتی کشور قرار گیرد
و همه مخاطبان در میهن عزیز
اسلامی مان امکان تهیه آن را
داشته باشند.

← ۱۱۰,۰۰۰ ریال

مدیر مسئول: محمد صالح مذنبی
سر دبیر: فریدالدین حداد عادل
مشاور سردبیر: حبیب یوسفزاده
مدیر داخلی: مریم موسوی
مدیر هنری: کوروش پارسا زاده
دبیر عکس: اعظم لاریجانی
ویراستار: کبری محمودی
طراح گرافیک: احمد قائمی مهدوی

نشانی پستی دفتر مجله:
تهران، ایران شهر شمالی، پلاک ۲۷۰
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱-۲۱ / داخلی ۵۰۴
تلفن های امور مشترکین:
۰۲۱-۷۷۶۳۳۲۰۸
صندوق پستی امور مشترکین:
۱۵۸۷۵/۳۳۳۱
وبگاه:
www.roshdmag.ir
رایانامه:
Email:farda@roshdmag.ir

چاپ و توزیع: شرکت افست

- نمایش در مدرسه / دکتر فریدالدین حداد عادل ۲
باید برای نمایش جا باز کنیم! / حبیب یوسفزاده ۴
لزوم ترویج هنرهای نمایشی در مدرسه / گفتگو کننده: ام لیلا صمدی ۸
از قصه تا نمایش / فائزه فیض ۱۱
قصه پردازی، خشت اول نمایش / شهرام کرمی ۱۴
نمایش پروری / فائزه شیخ الاسلام ۱۷
باید خود را ارتقا می دادیم! / تنظیم گفتگو: مریم موسوی ۲۰
نمایش های داستانی / نویسنده: کارل میلر و جولیان ساکستون / مترجم: دکتر یدالله آقاعباسی ۲۲
ترکیب نمایش و فناوری های نوین رسانه ای / امی پترسن جنسن / ترجمه سهند زرشکیان ۲۶
مرکز ملی اسیتز ایران / سمیه نخستین ۳۰
شخصیت های نمایشی و هوش مصنوعی / وحید گلستان ۳۳
از حاشیه تا متن / گفتگو کننده: لیلا جلیلی ۳۶
آموزش مبتنی بر نمایش / نویسنده: کاترین دوسون / ترجمه سهند زرشکیان ۳۸
نمایش و یادگیری فراگیر / تألیف و ترجمه: راضیه دهقان ۴۲
به یاد استاد نیرزاده نوری / داوود عباسی ۴۴
سید کتاب / لیلا جلیلی ۴۶
سهرابی، هنر بی شمه نمایش / مهدی فرج اللهی ۴۷
بیا بحث کنیم! / فاطمه یوسفزاده ۴۸



برای اشتراک
مجلات رشد رزمینه
را پویش کنید

نویسندگان و مترجمان محترم!

- این مجله متعلق به شماست. تجربه های ناب، ایده ها و حاصل پژوهش های خویش را در اختیار دفتر مجله قرار دهید تا با انعکاس آن ها در مجله، علاقه مندان به این حوزه در تجربه های شما شریک شوند. از شما عزیزان تقاضا داریم:
- مقاله هایی را که می فرستید، با موضوع مجله مرتبط باشند و در جای دیگری چاپ نشده باشند.
 - مقالات حاوی مطالب کلی و گردآوری نباشند.
 - مقاله ترجمه شده با متن اصلی هم خوانی داشته باشد و متن اصلی نیز همراه آن باشد. چنانچه مقاله را خلاصه می کنید، این موضوع را قید فرمایید.
 - نثر مقاله روان و از نظر دستور زبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه های علمی و فنی دقت شود.
 - در نگارش مقاله از منابع و مأخذ معتبر استفاده شود و در پایان آن، فهرست منابع بیاید.
- آرای مندرج در مقاله ها و گفت و گوها ضرورتاً مبین نظر دفتر نشریات و فناوری آموزشی نیست و مسئولیت پاسخ گویی به پرسش های خوانندگان با خود نویسنده یا مترجم است.



نمایشی در مدرسه

سید میثم موسوی

دکتر فریدالدین حداد عادل



تصویرگر

هر مفهوم و موضوع بشری است. اگر دانش آموز بتواند با کمک معلمان خود موضوعی علمی یا مفهومی پرورشی را به زیور هنر بیارید، بر ماندگاری ذهنی و عمق و باورپذیری مطلب افزود.

۴. «نمایشی کردن» پدیده‌های موردنظر محصول خلاقیتی پرورش یافته است. معلم و دانش آموزی که به عرصه نمایش پا می‌گذارند، به‌خصوص اگر این اقدام را با خواندن و نوشتن نمایش و سپس نمایشنامه شروع کرده باشند، قدرت بازپروری خلاقانه مفاهیم را به دست می‌آورند. این خلاقیت در متن، بازی و حرکتهای بدن و حتی در گریم و آرایه (دکور) خود را جلوه‌گر می‌کند.

۵. درک مطلب علاقه‌مندان به نویسندگی و خواندن معمولاً بالاست. اگر با هدف ارتقای سطح درک مطلب به نمایش‌نامه‌خوانی و نمایشنامه‌نویسی نگاه کنیم، به‌وضوح درمی‌یابیم که می‌توان با فراگیری به‌نسبت مطلوبی، این مهم را در حوزه کار نمایشی برای دانش‌آموزان مهیا کرد. خواندن و نوشتن و سپس بررسی و نمایشی کردن متن، به ارتقای سطح درک مطلب دانش‌آموزان کمک می‌کند.

۶. نمایش و بازیگری صرفاً به افرادی با قابلیت‌های مخصوص عرصه نمایش، قدرت بروز و ظهور نمی‌دهد. اگر نمایش کمی وسیع و چندضلعی باشد و نیازمند خدمات اجرایی هم باشد، می‌تواند گستره وسیعی از انواع مخاطب دانش‌آموز را در خود به کار بگیرد. می‌توانیم دانش‌آموزان پرچالش و حتی درس‌نخوان مدرسه را گوشه و کنار نمایش به‌کار بگیریم و آن‌ها نوع جدیدی قرارگیری و حضور مؤثر را تجربه کنند.

خیلی از هنرها در مدرسه کاربرد و استفاده دارند. نمایش به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین هنرهای بشری، در مدرسه به‌عنوان پایگاه اصلی آموزش، ارزش سابقه و کاربرد قابل‌توجهی دارد. در این نوشته جنبه‌های متنوع کار نمایشی در محیط آموزشی را با هم مرور می‌کنیم:

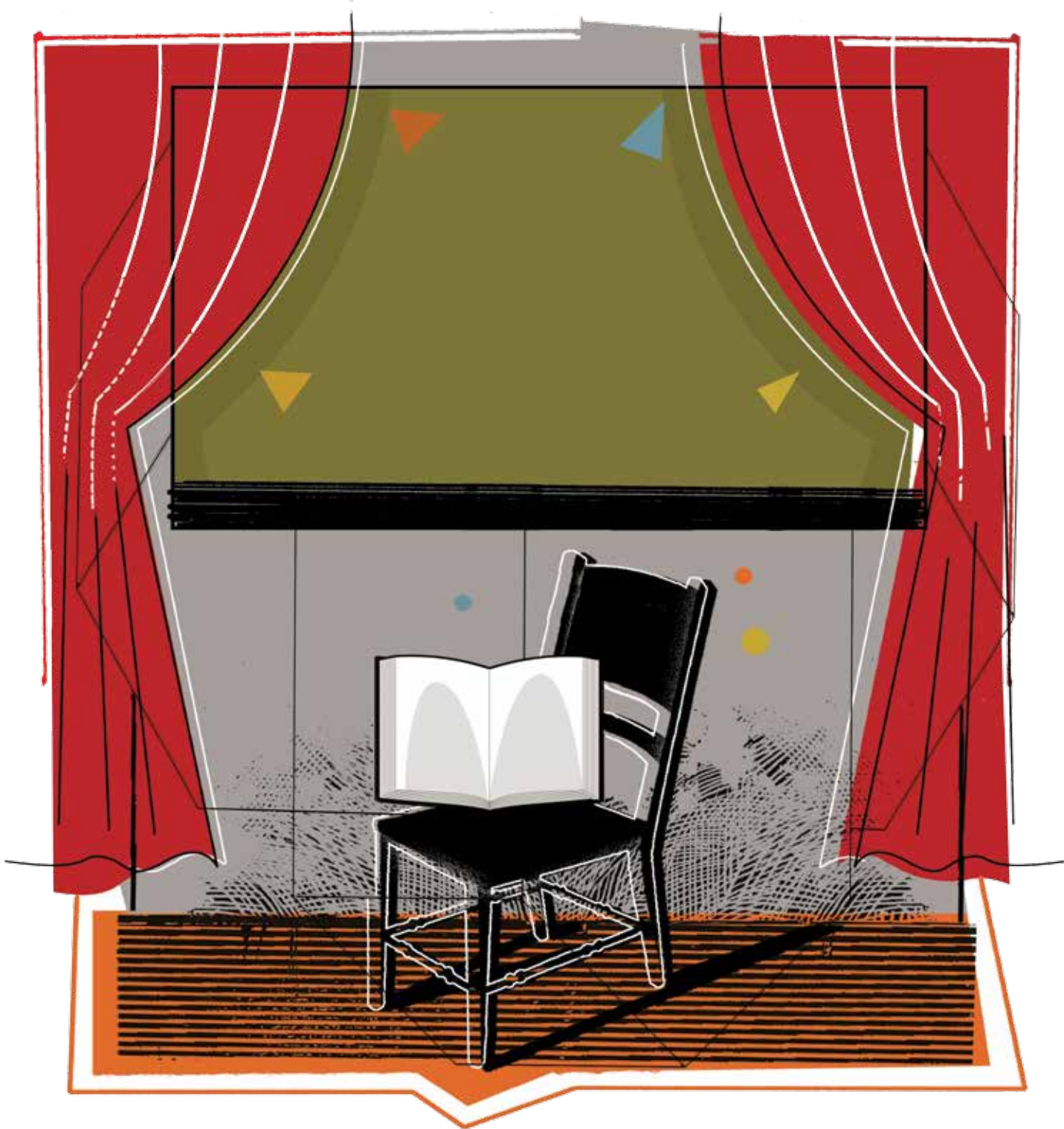
۱. نمایش و هنرهای جنبی آن تنوع بالایی دارند. به‌راحتی می‌توان مسابقه‌های نمایشنامه‌نویسی، نمایشنامه‌خوانی و انواع فعالیت‌های نمایش‌گونه مانند ایمایش (پانتومیم)، یا حرکتهای بازیگران سیلورمن و انواع نمایش‌هایی را که محیط‌ها و ابزارهای متفاوت دارند، نظیر نمایشنامه عروسکی، نمایش سایه‌ای و نمایش خیابانی، در محیط مدرسه به اجرا گذاشت. این تنوع بالا می‌تواند به‌راحتی حیات فکری و اجتماعی مدرسه را رونق بدهد.

۲. در بعد آموزش، صرفاً کافی است معلمان در حوزه کاری خود تنوع و خلاقیت را سرلوحه فعالیتشان قرار دهند. در درس‌های تاریخ و ادبیات، آداب اجتماعی به طرز بسیار مؤثری ظرفیت تبدیل‌شدن به محل فعال نمایش را دارند. دانش‌آموز با بهره‌گیری از اقدامات نمایشی،

نه تنها معلومات و محفوظات خود را ارتقا می‌دهد، بلکه می‌تواند به آن‌ها عمق ببخشد؛ چرا که برای دستیابی به جذابیت در ارائه، محتاج بررسی و عمق‌بخشیدن به کار خود است و نیازمند بررسی هنرمندانه مفاهیم و معلومات خویش است. وقتی متنی علمی به اثری هنری تبدیل می‌شود، ابعاد جدیدی پیدا می‌کند و بروز نوین آن به دانش‌آموزان کمک می‌کند مفاهیم علمی را با شیوه‌های جدید بیاموزند.

۳. «هنری شدن» یا «ارائه هنرمندانه» مزیت بسیار بالایی

همیشه در مدرسه
دانش‌آموزانی
وجود دارند که
دیده نمی‌شوند.
امور نمایشی
فرصت و عرصه‌ای
برای بروز و ظهور
این عزیزان است



۷. همیشه در مدرسه دانش‌آموزانی وجود دارند که دیده نمی‌شوند. امور نمایشی فرصت و عرصه‌ای برای بروز و ظهور این عزیزان است. همه شیپنت‌ها و بازیگوشی در مسیری معلوم و استاندارد بروز می‌یابند و می‌توان همه دانش‌آموزان در سایه مدرسه را از فرصت ابراز وجود بهره‌مند کرد.

۸. مدرسه‌ای که در آن نمایش حضوری پررنگ و چشم‌نواز دارد، حتماً مدرسه‌ای نیست که در آن فقط پرخوانی و درس‌خوانی ملاک ارزش‌گذاری و به این‌گونه درمان‌های مؤثر و ملایم گرایش نشان می‌دهند.

۹. امروزه جنبه‌های درمانی کار نمایشی، به‌عنوان یک بُعد بسیار مهم نمایش مدرسه‌ای شناخته شده‌اند. سطوح گوناگون مشکلات و حتی اختلالات با تمرین‌های نمایش‌گونه و شرکت در فعالیت‌های نمایشی، قابل‌کنترل و مهارند. امروزه مشاوران روان‌شناسی به طرز چشمگیری به این‌گونه درمان‌های مؤثر و ملایم گرایش نشان می‌دهند.



باید برای نمایش **جا** باز کنیم!

گفت‌وگو با دکتر حسن دولت‌آبادی،
نویسنده، کارگردان و پژوهشگر هنر نمایش

گفت‌وگوکننده: حبیب یوسف‌زاده

بیش از پنج دهه حضور درخشان در صحنه‌ها و عرصه‌های گوناگون هنر نمایش و تألیف مجموعه شصت جلدی «نمایشنامه‌های آسان» برای کودکان و نوجوانان، از جمله فعالیت‌های درخشان دکتر دولت‌آبادی است. به علاوه، داشتن رتبه برتر جشنواره‌های معتبر داخلی و بین‌المللی، داوری مسابقات بین‌المللی و ملی تئاتر و قصه‌گویی، تدریس در دانشگاه‌های نمایش کشور، عضویت در شوراهای سیاست‌گذاری و هیئت‌های علمی و انجمن‌های مرتبط با هنر نمایش و فعالیت در تلویزیون، رادیو و سینما، از دیگر نقاط برجسته یک‌عمر تلاش فرهنگی و هنری این معلم هنرمند هستند. در سال ۱۳۳۵ قدم به صحنه زندگی گذاشته و از حدود پنجاه سال پیش آینه‌گردان زندگی در صحنه‌های نمایش بوده است. پس از سی سال تلاش، تولید و تدریس نمایش در تهران، با برگشتن به زادگاهش، ساری، به تولید و آموزش نمایش در آن شهر مشغول است و همچنان به اعتلای هنر نمایش و تأثیر آن در غنی‌سازی فضای آموزش و یادگیری می‌اندیشد. برای بررسی اهمیت هنر نمایش در فرایند تربیت و یادگیری، با این هنرمند پیش‌کسوت به گفت‌وگو نشستیم.

را به امکانی برای یاددهی و یادگیری بدل کند. به دلیل همین عجیب بودن نمایش با زندگی است که تماشاگر از چارچوب‌ها و کلیشه‌های کسالت‌بار روزمره خارج و طوری مجذوب جهان نمایش می‌شود که با کامیابی قهرمان داستان، احساس بهجت و کامیابی می‌کند و برعکس، از شکست او دچار اندوه می‌شود. البته از آنجا که به‌طور معمول در آثار ویژه کودکان باید روی «امیدبخشی» تأکید شود، در اغلب نمایشنامه‌های ویژه این گروه سنی، مخاطب خود را متحد و طرفدار قهرمان داستان تصور می‌کند و نوعی احساس رضایت و گرایش به خیر و دوری از شر و پلیدی در ذهن او شکل می‌گیرد.

■ اگر بخواهیم مقایسه کنیم، تفاوت نمایش زنده و فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، از لحاظ

■ به‌عنوان مقدمه بفرمایید اصولاً نمایش چگونه اثر می‌کند و دلیل تأثیرگذاری آن چیست؟

■ نمایش در واقع داستانی تجسم‌یافته و عینی شده است که روی صحنه در معرض نگاه تماشاگر قرار می‌گیرد و به او فرصت می‌دهد با شخصیت‌های نمایش همدل و همراه شود و به اصطلاح با آنان هم‌ذات‌پنداری کند؛ پدیده‌ای که قدمتی چندهزار ساله دارد و ارسطو هم در رساله «فن شعر» به آن اشاره کرده و مدعی است در این شرایط نوعی تزکیه نفس در مخاطب رخ می‌دهد. به استناد تاریخ نمایش، انسان از زمان اندیشیدن و جست‌وجو برای یافتن علت وقوع پدیده‌های دنیای پیرامون خویش به «نمایش» پرداخته و کوشیده است به مدد آن از فردیت خود خارج شود و ارزش‌ها و اهداف خود را تبیین و آن



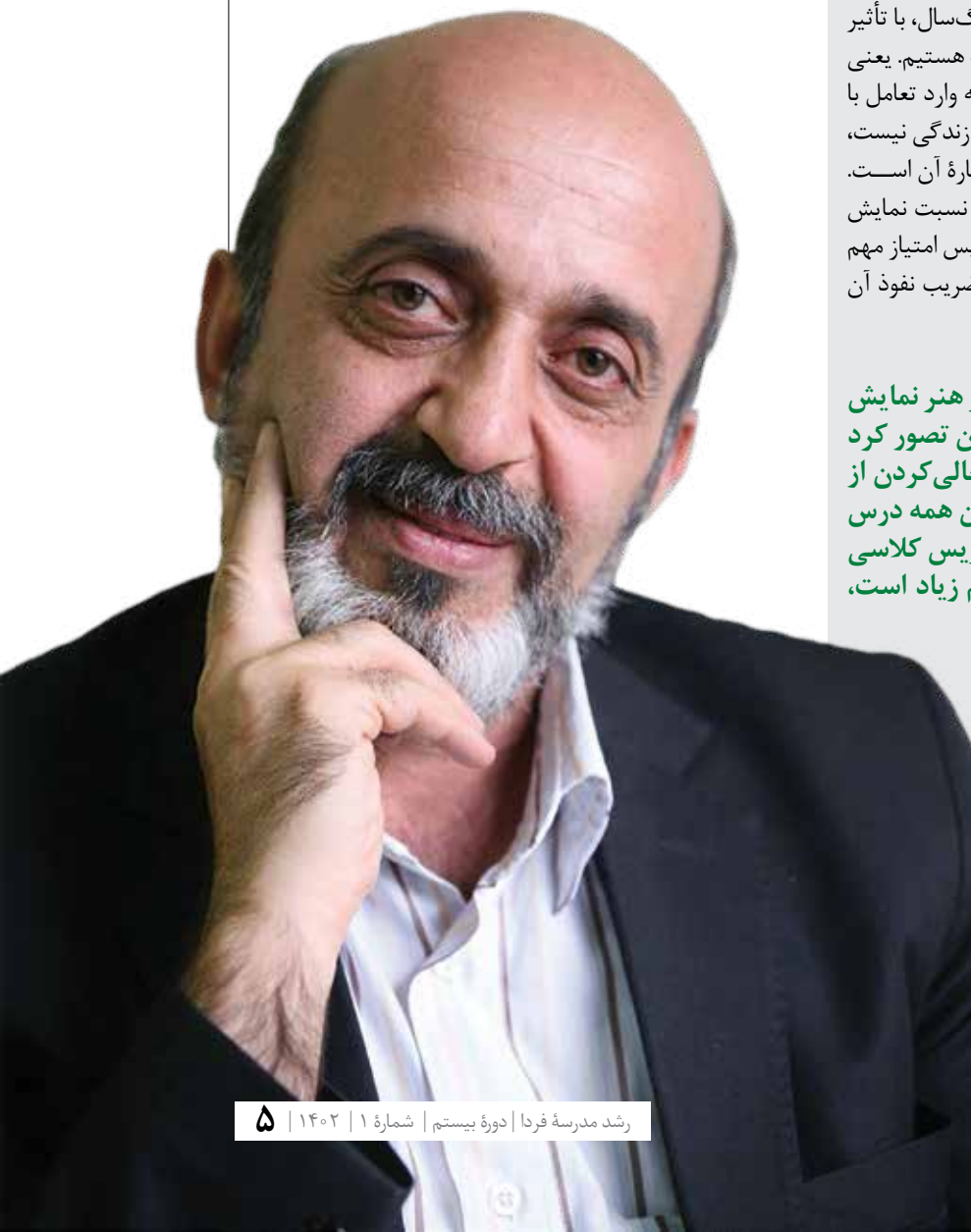
انگشت هنر نمایش
دقیقاً روی نقطه حساس «هوش هیجانی» بچه‌هاست



**گرچه نمایش هرگز
عین زندگی نیست،
اما می توان گفت
شبیه ساز زندگی و
به نوعی عصاره آن
است**

موجب می شود ذهن ما نسبت به آن موضوع قفل شود. برای کمک به گشودن این قفل، من سعی کرده ام پاسخ این قبیل بهانه تراشی های احتمالی را با نوشتن حدود دویست «نمایشنامه آسان» برای اجرا در کلاس و مدرسه، بدهم. لطف خداوند بود که پس از پایان خدمت سربازی این توفیق را داشتم که مدت دو سال در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شاغل باشم و آنجا با بچه ها کار نمایش انجام بدهم و بعد، چهار سال در آموزش و پرورش

به ادامه آن فعالیت ها بپردازم و نشریه هایی هم در این زمینه انتشار دهم که عبارت بودند از: «شکوفه انقلاب» و «جوانه انقلاب»؛ با شمارگانی حدود سی و پنج هزار نسخه، که در ناحیه آموزش و پرورش استان مازندران چاپ و توزیع می شدند. با توجه به این فرصت های پیش آمده،



کیفیت تأثیر گذاری، به چه صورت است؟

در مجموع نباید اهمیت فیلم را دست کم بگیریم، چرا که علاوه بر ابزارهای فناورانه و امکان خلق جلوه های ویژه، آنجا دست کارگردان برای ایجاد تنوع در زاویه دید و حرکت دادن دوربین در جهت های گوناگون باز است؛ چیزی که هر فیلم ساز مجرب و دانا می تواند به خوبی از آن بهره ببرد و روح و ذهن مخاطب را تسخیر کند. حتی در نخستین روزهای پیدایش فیلم و سینما، این نگرانی وجود داشت که دوران نمایش به سر آید و به تاریخ بپیوندد، اما در ادامه مشخص شد، نمایش نه تنها با سینما تعارضی ندارد، بلکه منبع الهام بخش آن است و زمینه بی بدیلی است برای پرورش استعدادهایی که در سینما به اوج درخشش می رسند.

پس در قابلیت های خارق العاده سینما و تلویزیون تردیدی وجود ندارد، اما با وجود مشترکات زیاد، از لحاظ بهره گیری از عناصری داستانی همچون شخصیت پردازی، تعلیق، کشمکش و غیره، در نمایش کودک و بزرگسال، با تأثیر متقابل انسان زنده بر انسان زنده دیگر مواجه هستیم. یعنی تماشاگر نه تنها ناظری منفعل نیست، بلکه وارد تعامل با بازیگر می شود. لذا گرچه نمایش هرگز عین زندگی نیست، اما می توان گفت شبیه ساز زندگی و عصاره آن است. یعنی به تعبیر عامیانه که دقیق هم نیست، نسبت نمایش و زندگی مثل نسبت گلاب و گل است. پس امتیاز مهم نمایش زنده بودن آن است و طبیعی است ضریب نفوذ آن هم بر مخاطب افزون تر است.

فرض کنیم از یک معلم بخواهیم از هنر نمایش در تدریس خود استفاده کند. می توان تصور کرد که بهانه های متعددی را برای شانه خالی کردن از این کار مطرح کند. مثلاً بگوید، با این همه درس و برنامه در مدرسه، من همین تدریس کلاسی خودم را داشته باشم، از سرم هم زیاد است، نمایش و ادابازی در کلاس پیشکش! پاسخ جناب عالی برای این معلم فرضی چیست؟ آیا اجرای نمایش در کلاس درس واقعاً تجملی و دور از دسترس است؟

امکان بهره مندی از هنر نمایش در کلاس، موضوع چندان پیچیده ای نیست و گاهی با ساده ترین ابزارها و روش ها امکان پذیر است. اما گاهی مطلق گرایسی و دورخیزهای خیلی بلند، جرئت پرش را از ما می گیرد و

توانستم هم تولید نمایش کنم و هم برای معلمان پرورشی در زمینه هنر نمایش تدریس داشته باشم و نیاز «مدرسه» را در این خصوص با تمام وجود درک کنم. برای همین در این مجموعه سعی کرده‌ام فرصت نشو و نمای عملی را برای دانش‌آموزان فراهم کنم.

البته معلمان هم حق دارند گله کنند. نظام آموزشی باید در خصوص کاستن از حجم درس‌ها و حرکت به سوی کیفیت و «شخصی‌سازی آموزش» گام‌های مؤثری بردارد. همچنین، از بسترسازی و ایجاد فرصت برای معلمان هم نباید غافل باشیم، چرا که هنر، به‌ویژه هنر نمایش، صرفاً جنبه سرگرمی ندارد.

اگر در کلاس فرصت خودابرازگری سالم را برای بچه‌ها فراهم کنیم، در پرورش هوش عاطفی و هیجانی آن‌ها تأثیر عمده‌ای خواهد داشت. یعنی انگشت هنر نمایش دقیقاً روی نقطه حساس «هوش هیجانی» بچه‌هاست. به این ترتیب هم معلمان راضی‌تر خواهند بود و هم دانش‌آموزان.

معلمانی که در زمینه نمایش مهارت کسب کنند و با کارکرد آن در تسهیل تدریس و انتقال مفاهیم آشنا شوند، به‌طور طبیعی به آن گرایش خواهند داشت

■ **مجموعه نمایشنامه‌هایی که تدارک دیده‌اید، از نظر سهولت اجرا و ارتباط با برنامه درسی چه ویژگی‌هایی دارند؟**

□ در این مجموعه تلاش شده است با حداقل امکانات، بهترین نتیجه ممکن حاصل شود. مثلاً برای ایجاد صدای باران حتماً به دستگاه صوتی آن‌چنانی و پخش صدای باران نیاز نیست. بلکه بچه‌ها می‌توانند با ضربه‌های متناوب انگشت اشاره و میانی یک دست بر

کف دست دیگر، صدای باران را تداعی کنند. همچنین، کل مسیر و فرایندی که معلم باید از داستان اولیه تا نمایش قابل اجرا در کلاس طی کند، در تک‌تک این نمایشنامه‌ها شرح داده شده است؛ طوری که با اقدام به اجرای آن‌ها، می‌توانند با مبانی کارگردانی و صحنه‌آرایی نیز آشنا شوند و صفر تا صد کار را پیش ببرند. حتی کارگردانی عروسکی و غیرعروسکی را شرح و نحوه ایفای نقش بازیگران را توضیح داده‌ام. به‌علاوه، در محتوای آن‌ها به هویت و ارزش‌های دینی و ملی توجه شده و سعی کرده‌ام برخی مفاهیم

اعتقادی همچون معاد و جهان آخرت را از طریق تمثیل و نظریه‌سازی، بدون اشاره‌ای به موضوع مرگ، عینت ببخشیم. در خصوص مسائل علمی، مهارت‌های ارتباطی و حتی مفاهیم ریاضی، مثل ارزش مکانی اعداد، نیز به همین نحو کار شده است. نکته مهم دیگر اینکه استفاده از این نمایشنامه‌ها به اخذ مجوز از نویسندگان نیاز ندارد و معلمان عزیز می‌توانند با آسودگی خاطر از این مجموعه بهره‌مند شوند. ناگفته نماند، اغلب این نمایشنامه‌ها موسیقایی (موزیکال) هستند و خصوصیات روان‌شناختی مخاطبان و گروه‌بندی سنی ابتدایی و متوسطه در تألیف آن‌ها لحاظ شده است.



■ **در ساختار تربیت معلم پرداختن به مقوله نمایش را چقدر ضروری می‌بینید؟ آیا شرایط و برنامه‌های کنونی نیاز معلمان جوان ما را در این حوزه برآورده می‌کنند؟**

□ البته در برنامه درسی معلمان، آشنایی با هنر نمایش گنجانده شده است و برخی مراکز تربیت معلم در این زمینه آموزش‌های ضمن خدمت برگزار می‌کنند. همه این‌ها غنیمت است، اما کافی نیست. امروز در کشورهای توسعه‌یافته بودجه کلانی را صرف بهره‌مندی از نمایش در آموزش و یادگیری می‌کنند. یعنی نهادهای اجتماعی از بستر نمایش برای پیشبرد اهداف و القای آموزه‌های خود بهره می‌برند. نباید تردید کرد، معلمانی که در زمینه نمایش مهارت کسب کنند و با کارکرد آن در تسهیل تدریس و انتقال مفاهیم آشنا شوند، به‌طور طبیعی به آن گرایش خواهند داشت. مهم‌ترین نکته لازم این است که سیاست‌گذاران و مدیران ارشد نظام آموزشی برای هنر نمایش جای بیشتری باز کنند و طوری به آن بها بدهند که از حاشیه به متن بیاید.

■ **با توجه به اینکه داوری جشنواره‌های متعدد نمایش را بر عهده داشته‌اید، بفرمایید معیارهای نمایش خوب برای کودکان و نوجوانان چیست؟**

□ به‌نظر بنده، اولین و پررنگ‌ترین جنبه نمایش مناسب



کرد. نکته اصلی این است که این باور در مسئولان آموزش و پرورش ایجاد شود که نمایش موضوعی تفنی نیست و می‌تواند در متن برنامه درسی ایفای نقش کند. در آن صورت به یقین شاهد اثرگذاری خارق‌العاده آن خواهند بود و اتفاق‌های خوبی رقم خواهد خورد.

بنده بشخصه طرحی در نظر دارم با عنوان «از قصه تا نمایش» که به‌طور آزمایشی در برخی مناطق آموزش و پرورش برای مربیان اجرا شده است. به این ترتیب که یک نمایش برای مربیان، در مقام مخاطب و دانش‌آموز، اجرا می‌شود. آنگاه از آنان خواسته می‌شود همان نمایش را برای مخاطبان واقعی خود (کودکان) اجرا کنند. بازدهی این فرایند فوق‌العاده است. در روند تبدیل قصه به نمایش، روی موضوعاتی مثل تاب‌آوری و استقامت در بحران‌ها و مشکلات نیز کار می‌شود که برای مربیان و مخاطبان جذابیت خاصی دارد.

برای کودکان و نوجوانان، علاوه بر جذابیت، جنبه تعلیمی آن است. پس یک معیار تعیین‌کننده، آموزشی بودن و امکان تأثیرگذاری آن بر دیدگاه و رفتار مخاطب است. اینکه موجب شود مخاطب در برابر بدی‌ها و ناهنجاری‌ها موضع بگیرد. معیار دیگر این است که نمایش‌های دانش‌آموزی نباید بدآموزی یا سوء تأثیر داشته باشند. مثلاً ممکن است یک نمایش در پی انتقال پاره‌ای مفاهیم مهم باشد، اما در عمل اضطراب، ترس و خشونت را در مخاطب القا کند و این می‌تواند نقطه‌ضعف آن نمایش تلقی شود. متأسفانه برخی نمایش‌های عروسکی که از رسانه ملی هم پخش می‌شوند، اشارات بزرگسالانه‌ای دارند که به هر صورت در مخاطب کودک تأثیر منفی دارند. معیار بعدی، استواری و استحکام ساختار نمایش و داستان است که شرح آن در کتاب‌های آموزشی آمده است. البته در شکل اجرا و نکات فنی نیز ضوابطی وجود دارند که تخصصی هستند و شرح آن‌ها از حوصله این گفت‌وگو خارج است.



نکته اصلی این است که در مسئولان آموزش و پرورش این باور ایجاد شود که نمایش امری تفنی نیست و می‌تواند در متن برنامه درسی ایفای نقش کند

■ ختم کلام؟

□ خداوند را شاکرم که توفیق داشته‌ام چند دهه از عمرم را برای درک نیازهای دانش‌آموزان و تألیف و پژوهش و تلاش در این عرصه صرف کنم. از این رو، با اتکا به تجربه زیسته‌ام، به مسئولان محترم آموزش و پرورش عرض می‌کنم، اگر در جست‌وجوی جامعه‌ای سالم و حیات طیبه هستیم، شالوده آن را باید از دوره کودکی فراهم کنیم. یعنی اگر در کودکی کار «ترم» و تربیت‌زیبایی‌شناسانه صورت نگیرد، لاجرم در بزرگسالی برای مواجهه با آنان باید به نیروی قهریه متوسل شویم! یکی از نرم‌ترین و جذاب‌ترین رسانه‌های تربیتی و اقناع مخاطب نیز همین نمایش است، که امیدوارم ظرفیت‌های آن بیش از پیش شناخته و در فضای تعلیم و تربیت ما جدی‌تر از این‌ها تلقی شود. به عبارت دیگر، امروز ترویج نمایش یک ضرورت است نه موضوعی حاشیه‌ای.

■ **سپاس از اینکه دیدگاه‌ها و تجربه‌های ارزشمند خود را در اختیار خوانندگان «رشد مدرسه فردا» گذاشتید.**

■ در گزینش موضوع‌های نمایش چه منابعی را پیشنهاد می‌کنید؟

□ هر آن چیزی که سؤالی در ذهن مخاطب ایجاد کرده باشد و هر رویداد و مسئله‌ای که دغدغه او باشد، می‌تواند موضوع نمایش باشد. اما یکی از منابع غنی ما برای رشد و بالندگی شخصیت مخاطبان، قصه‌ها و افسانه‌های عامیانه و متن‌های کهن ادب فارسی هستند. متن‌هایی مثل حکایت‌های سعدی، قصه‌های مثنوی، شاهنامه فردوسی و آثار نظامی گنجوی. اما همیشه باید تناسب محتوای آن آثار را با درک و فهم مخاطب در نظر داشت تا اثر ضدتربیتی و مفسده در پی نداشته باشند. چنانکه مثلاً برخی اشارت‌های بلند مثنوی مولوی به شکلی بیان شده‌اند که مناسب کودکان نیستند.

■ به نظر شما آموزش مبانی نمایش و بازیگری در مدرسه امکان‌پذیر است؟

□ باید توجه کرد، بازیگری یک مهارت عملی است و مثل شنا و دوچرخه‌سواری نمی‌توان آن را با کتاب به کسی یاد داد. اما می‌توان دوره‌های فشرده و کوتاه‌مدتی را برای این منظور تعریف و جرقه را در ذهن علاقه‌مندان ایجاد



لزوم ترویج هنرهای نمایشی در مدرسه

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام محمدحسین پورثانی

مدیر کل فرهنگی هنری اردوها و فضای پرورشی وزارت آموزش و پرورش

گفت‌وگوکننده: ام لیلا صمدی



حجت‌الاسلام محمدحسین پورثانی از سال ۱۳۸۹ کارش را در آموزش و پرورش آغاز کرده است. پیشتر مشاور مدرسه، معاون پرورشی مدرسه، مدیر مدرسه در دوره‌های متوسطه اول و دوم، رئیس انجمن اولیا و مربیان مدرسه و رئیس اداره، مشاور مدیرکل و معاون پرورشی و فرهنگی اداره کل خراسان رضوی بوده است. از فروردین‌ماه ۱۴۰۲ به‌عنوان مدیرکل فرهنگی هنری اردوها و فضای پرورشی وزارتخانه به ادامه خدمت مشغول است. با توجه به موضوع این شماره از نشریه، با ایشان به گفت‌وگو نشستیم تا با برنامه‌هایشان برای ترویج نمایش و نمایش آموزشی در مدرسه آشنا شویم:

○ «جشنواره فرهنگی هنری فردا» را داریم که از کف مدرسه شروع می‌شود و تا سطح منطقه، استان و کشور ادامه می‌یابد و یکی از بهترین بسترها برای دیده‌شدن دانش‌آموز است. در تشویق دانش‌آموز، مهم‌ترین نکته این است که دانش‌آموز دیده شود. از این رو تلاش می‌کنیم در این جشنواره در سطح ملی بستری فراهم کنیم که خروجی آن یک نمایشگاه دانش‌آموزی باشد. به این صورت که به دانش‌آموز اثری سفارش داده شود که جایزه آن، خرید اثری باشد که دانش‌آموز تولید می‌کند. دانش‌آموز در بستری رشد کند که فردا بتواند به جامعه و محیط فرهنگی کشور خدمت کند. در سال تحصیلی گذشته تقریباً دو میلیون دانش‌آموز در رشته‌های گوناگون جشنواره، همچون هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی و هنرهای آوایی شرکت کردند. یکی از رسالت‌های مربی پرورشی استفاده از این بسترها برای رشد دانش‌آموز است. یکی از این بسترها سامانه جامع نورینو است که همه فعالیت‌های پرورشی در آن تعریف می‌شود. از سیاست‌های تحولی که برای این جشنواره در نظر گرفتیم این است که کارها حتماً باید مدرسه‌ای باشند. هدفمان این است که خروجی با نیازهای مدرسه متناسب باشد. حتماً که نباید مربی حرفه‌ای داشته باشد، مربی پرورشی مدرسه یا مدیر مدرسه هم می‌تواند آن را انجام دهد. ما وزارت ارشاد نیستیم. ما می‌خواهیم فعالیت تربیتی مدرسه را بسنجیم

● اجازه دهید از کارکردهای هنر نمایش در نظام تعلیم و تربیت شروع کنیم.

○ در این خصوص، آنچه برای ما بسیار مهم است، عمل به سند تحول بنیادین است. سند تحول بنیادین رهنامه (دکترین) اصلی رشد و تحول دانش‌آموز و اصلی‌ترین منبع در اجرایی‌سازی تربیت در دانش‌آموز است. سند تحول شش ساحت دارد و استفاده از ابزار هنر برای رشد دانش‌آموز یکی از مواردی است که در آن بسیار دیده شده است. اما در اینکه آیا ذات هنر و فرهنگ مهم است یا اینکه این‌ها وسیله‌ای برای رشد دانش‌آموز است، باید گفت، اعتقاد سند تحول این است که همه این‌ها بستری برای رشد دانش‌آموز هستند. یعنی ما نمی‌خواهیم به هر قیمتی دانش‌آموز هنرمند تربیت کنیم. ما نمی‌خواهیم به هر قیمتی مسابقات فرهنگی هنری برگزار کنیم. آنچه برای ما مهم است، این است که این ابزارها در خدمت تربیت قرار بگیرند. یعنی وقتی دانش‌آموز در بستر نمایش کار جمعی را تمرین می‌کند، این بستر به رشد تربیتی دانش‌آموز کمک کند.

● برای ترویج و توسعه هنرهای نمایشی از چه راهکارهایی استفاده می‌کنید؟

لازم است بین برنامه‌های فرهنگی هنری با برنامه درسی ملی پیوند ایجاد کنیم و زمانی از برنامه درسی را به آن اختصاص دهیم

و مدرسه را به حرکت در آوریم. لذا ناظر به مدرسه فعالیت می‌کنیم. همچنین، دست مدرسه در انتخاب انواع نمایشنامه، سرود و آهنگ باز است و اگر متناسب با موازین تربیتی باشد، محدودیتی وجود ندارد، چرا که قرار است هنر، بستری برای رشد باشد نه ضد رشد.

ما یک نگاه عمومی به بستر نمایش داریم که باید در تمام مدرسه‌ها شکل بگیرد. سال گذشته دانش‌آموزان نمایش «هم‌نشین ماه» را اجرا کردند. در این نمایش ۱۵۰ دانش‌آموز که تا قبل از آن سابقه بازی در نمایش را نداشتند، بعد از یک ماه تمرین نمایش را اجرا کردند و ۲۳ هزار دانش‌آموز اثر آن‌ها را دیدند. نگاه ما به حوزه نمایش یک نگاه تربیتی مدرسه‌شمول عمومی است تا همه دانش‌آموزان زیر یک چتر قرار بگیرند. لذا نوعی نمایش درسی را داریم که معلم از بستر نمایش برای تدریس استفاده می‌کند که ساده است و به سازوکار پیچیده‌ای نیاز ندارد.

● اجرای فعالیت‌های نمایشی در مدرسه به عهدهٔ چه کسانی است؟

۵۰ درصد مدرسه‌های ما مربی پرورشی ندارند، اما معلم دارند. بنابراین، معلم می‌تواند از ظرفیت نمایش که ظرفیت بزرگی است، استفاده کند. در دیداری که با رهبر معظم انقلاب اسلامی داشتیم، یکی از نکات مورد تأکید این بود که فعالیت‌های پرورشی باید جذاب باشند. نمایش درسی این‌گونه است. در کانال‌های فرهنگی هنری در سامانه «شاد»، نمایشنامه‌هایی قرار داده می‌شوند

تا در نمایش درسی مورد استفادهٔ معلمان قرار بگیرند. تجربه‌گردانی هم داریم؛ به این صورت که تجربه‌های نمایش معلمان در سامانهٔ شاد بارگذاری می‌شوند تا سایر معلمان از آن‌ها بهره ببرند.

در کنار این کار عمومی، کار تخصصی هم باید حفظ شود. سرریز کار عمومی به کانون فرهنگی تربیتی می‌آید. ما ۱۱۰۰ کانون در سراسر کشور داریم که آنجا در سالن اجرای نمایش و با مربی متخصص کار تخصصی در حوزهٔ هنرهای نمایشی انجام می‌شود. شاید نشود در ۱۰۰ هزار مدرسه کار تخصصی انجام دهیم، اما در هزار کانون که می‌توانیم کار تخصصی انجام دهیم. شاید نیاز نباشد برای ۱۶ میلیون دانش‌آموز کار تخصصی انجام دهیم، اما برای چند هزار نفر علاقه‌مند که می‌توانیم کار تخصصی انجام دهیم و بستر رشدشان را فراهم کنیم.

در کار تربیتی، در کنار محتوا و فضا، توجه به نیروی انسانی بسیار مهم است. ما برای آماده‌سازی دانشجومعلمان در چندین طرح همچون طرح استقبال که معاونت پرورشی مجری آن است تلاش می‌کنیم تا دانشجویان امور تربیتی در یک کار دلی و داوطلبانه، با روش کارشان در حوزهٔ مهارت‌های پرورشی آشنا شوند تا وقتی وارد مدرسه می‌شوند، کاملاً آماده و تمام‌عیار باشند.

● تأثیر برنامه‌های توسعهٔ هنرهای نمایشی را بر یادگیری و رشد شخصیت دانش‌آموزان چطور می‌بینید؟

○ هنرهای نمایشی بر یادگیری و رشد شخصیت دانش‌آموزان تأثیر مستقیم می‌گذارد. همین الان اگر من یک ساعت برای شما سخنرانی کنم، زود از ذهنتان می‌رود. اما اگر فیلمی ببینید، صحنه‌های آن تا سال‌ها در ذهنتان می‌ماند. گاهی دانش‌آموز شب خوابش نمی‌برد و به این فکر می‌کند که چطور نقش خود را اجرا کند. گاهی می‌بینیم یک نمایش از لحاظ شکلی خوب است، اما محتوایش خوب نیست و ضد تربیت است. کارهای این‌چنینی باعث انحراف می‌شوند. اما کار نمایشی خوب و اثرگذار باعث رشد دانش‌آموز می‌شود.



نگاه ما به حوزهٔ نمایش نوعی نگاه تربیتی مدرسه‌شمول عمومی است تا همهٔ دانش‌آموزان زیر یک چتر قرار بگیرند

باید تلاش کنیم مفاهیمی چون ایثار، از خودگذشتگی و همین‌طور محبت و صداقت را که از بزرگ‌ترین مؤلفه‌های دین اسلام هستند، از طریق بستر هنرهای نمایشی برای بچه‌ها جا بیندازیم.

● در مدیریت و توسعه هنرهای نمایشی با چه چالش‌هایی مواجه هستید و چه پیشنهادی دارید؟

○ ما در ارزش‌گذاری دچار چالش هستیم. لازم است در لایه ارزشیابی مدیر و معاون مدرسه این کارها را ببینیم. یعنی برای کار فرهنگی در مدرسه ارزش قائل شویم. مثلاً اگر مدیر ۱۰ روز در اردو بود، ۱۰۰ امتیاز در ارزشیابی به او بدهیم. اگر از طریق ارزشیابی، مدیر را به سمت کارهای کیفی ببریم، او حرکت می‌کند.

همچنین، به مدیرانی که در این حوزه کمک می‌کنند، خدمات فرهنگی هنری ارائه دهیم. در حال حاضر، متأسفانه بیشتر فعالیت‌های فرهنگی کیفی محور نیست، بلکه کمی‌محور و نتیجه‌محور است. لازم است بین برنامه‌های فرهنگی هنری با برنامه درسی ملی پیوند ایجاد کنیم و در برنامه درسی ساعتی را به آن اختصاص دهیم. اگر به مربی تربیتی مدرسه یا مربی هنری بگوییم شما شش ساعت در هفته وقت دارید با بچه‌ها کار کنید، کتابی هم ندارید و بچه‌ها در اختیارتان هستند، اوضاع نسبت به شرایطی که الان هست، بهتر خواهد شد. نیاز به الزامات برنامه‌ای داریم تا مدیر یا معلم بدانند که این کار اصلی و موظفی اوست، نه کار اضافه و فوق‌برنامه.

روی آوردن به بستر هنر در شکل حرفه‌ای نیز یکی از آفت‌هایی است که امروزه در بستر تربیت برای ما به وجود آمده است. به خاطر دارم که در دوران دانش‌آموزی خودم، هر کلاسی گروه نمایشی داشت که ساده و قابل گسترش بود. به مربی ویژه و سناریو و صحنه خاص هم احتیاج نداشت. حرفه‌ای‌گری مهم نبود. بچه‌ها با هم رشد می‌کردند و رفاقت و صمیمیت بینشان افزایش می‌یافت. اما امروز آن قدر کار را سخت و حرفه‌ای کرده‌ایم که مربی پرورشی می‌گوید من نمی‌توانم این کار حرفه‌ای را انجام دهم و باید مربی نمایش بیاوریم. به همین دلیل، آن گسترشی را که باید انجام شود، نداریم. بنابراین

راهکار ما ساده‌سازی کار است. دنبال کار خیلی حرفه‌ای نیستیم. دنبال کار عمومی و آسان برای بچه‌ها هستیم. همچنین، لازم است بسترهای هنری فرهنگی را زیاد کنیم. مطابق آنچه در سند تحول بنیادین آمده است، مدرسه باید کانون تربیتی محله باشد. مدرسه باید با فضاهای فرهنگی و هنری محله مثل مسجد، سینما و فرهنگسرا ارتباط برقرار کند تا دانش‌آموز در این بسترها نقش‌آفرینی کند.



● در زمینه هنرهای نمایشی چه نوع مشارکتی با سایر نهادهای مرتبط دارید و چگونه مشارکت آنان را جلب می‌کنید؟

○ ما با صداوسیما، وزارت فرهنگ و ارشاد و حوزه هنری جلساتی برگزار کردیم. می‌خواهیم آن‌ها به دانش‌آموزانی که اینجا به پختگی رسیدند، آموزش دهند تا برای کارهای حرفه‌ای آماده شوند. صدا و سیما هم استقبال کرده‌اند و آماده‌اند امسال با همکاری هم این کار را انجام دهیم.

● اگر در سال آینده با شما گفت‌وگویی انجام دهیم، انتظار چه اقداماتی برای توسعه هنرهای نمایشی را داشته باشیم؟

○ یک سال دیگر خودم باید نسبت به نقدهایی که اکنون دارم پاسخ‌گو باشم. باید در مورد گام‌های عملیاتی‌ای که برداشتم تا فرهنگ و هنر به‌عنوان ابزار تربیت دانش‌آموز در اختیار مربی قرار گیرد، صحبت کنیم. برنامه داریم از ظرفیت‌های ویژه‌ای چون صبحگاه، زنگ تفریح، مناسبت‌ها و فرصت نماز جماعت برای بروز فعالیت‌های فرهنگی هنری بچه‌ها استفاده کنیم.

● به افراد علاقه‌مند به فعالیت در حوزه هنرهای نمایشی در آموزش و پرورش چه توصیه‌ای دارید؟

○ برای اینکه بتوانیم بر دانش‌آموز اثر بگذاریم، باید از نقطه‌ای شروع کنیم که نقطه تفاهم با آن دانش‌آموز است. پیدا کردن این نقطه اشتراک و اتصال مهم است. نمی‌شود مربی در حال و هوای بیست سال پیش باشد و دانش‌آموز در فضای بیست سال آینده. ما برای اینکه بر دانش‌آموز اثر بگذاریم، باید روی فرسش بنشینیم. اگر نه، نمی‌توانیم هدایتش کنیم. بچه‌ها بستر نمایش را دوست دارند، چرا که در آن خود را ابراز می‌کنند و دیده می‌شوند. نمایش بستری است که می‌توان با آن روی دانش‌آموز اثر گذاشت و معلم، مربی، مدیر و همه علاقه‌مندان باید به این سمت بروند.



برای اینکه بتوانیم بر دانش‌آموز اثر بگذاریم، باید از نقطه‌ای شروع کنیم که نقطه تفاهم با آن دانش‌آموز است. پیدا کردن این نقطه اشتراک و اتصال مهم است. نمی‌شود مربی در حال و هوای بیست سال پیش باشد و دانش‌آموز در فضای بیست سال آینده

از قصه تا نمایش

شیوه‌های دستیابی به قصه‌های نمایشی در کلاس درس

فائزه فیض

کودکان از شش ماهگی به بعد می‌توانند در مقام مخاطب نمایش قرار گیرند. از سه سالگی به بعد نیز داستان و قصه و نمایش برای آنان معنا پیدا می‌کند و می‌توانند بر روند خلق قصه تمرکز و آن را دنبال کنند. پس از پنج سالگی، کودک از نظر اجرایی قابلیت ساخت قصه و شکل دادن به موقعیت یا شخصیتی را دارد و می‌تواند در فرایند خلق قصه نمایشی^۱ حضوری پررنگ داشته باشد. از این رو، علاوه بر قصه‌گویی، که می‌تواند از همان سال‌های نخستین زندگی کودک نقش بسیار سازنده‌ای داشته باشد، ساخت قصه، به خصوص قصه‌ای برای نمایش دادن^۲، از جمله فعالیت‌هایی است که می‌تواند از پنج سالگی به بعد جزو فعالیت‌های آموزشی کودک قرار گیرد. در این سن، کودک ایرانی به دوره پیش دبستان وارد می‌شود و به نوعی به زندگی اجتماعی پا می‌گذارد. خلق قصه نمایشی در کلاس درس که بر قواعد اجرایی^۳ استوار است، از جمله فعالیت‌هایی است که می‌تواند برای دوره‌های پیش دبستان و ابتدایی برنامه‌ریزی شود.

به همین دلیل، در این مقاله نگارنده می‌کوشد با بهره‌گیری از تحقیقات و تجربه‌های شخصی خویش در کار با دانش‌آموزان ابتدایی و پیش دبستانی، برخی از شیوه‌های خلق گروهی قصه نمایشی و نیز ویژگی‌های نمایشنامه‌خوانی را به این گروه سنی معرفی کند.





**ساخت قصه،
به خصوص قصه‌ای
برای نمایش دادن، از
جمله فعالیت‌هایی
است که می‌تواند از
پنج‌سالگی به بعد جزو
فعالیت‌های آموزشی
کودک قرار گیرد**

خلق قصه‌های نمایشی در کلاس درس

متن‌های اجرایی برای نمایش خلاق معمولاً توسط گروه و در فرآیندی گروهی شکل می‌گیرند؛ به طوری که می‌توان ذائقه و خلق و خوی شرکت‌کنندگان را به‌طور مستقیم در آن‌ها مشاهده کرد. نقش مربی در این خلق گروهی بسیار حساس و کلیدی است. به‌خصوص در کار با دانش‌آموزان پیش‌دبستانی و ابتدایی، علاوه بر آنکه باید مراقب بود در روند ساخت قصه‌های نمایشی احساس استقلال و آزادی از آن‌ها سلب نشود، مربی نقش تسهیلگر و معمولاً جهت‌دهنده را نیز ایفا می‌کند.

در ادامه برخی از محاسن و مشکلات این شیوه را می‌آوریم:

محاسن قصه‌نمایشی در کلاس درس

- چون گروهی و مشارکتی صورت می‌گیرد، دانش‌آموزان در روند خلق یک محصول گروهی قرار می‌گیرند؛
- براساس تحلیلی که دانش‌آموزان از قصه‌ها ارائه می‌دهند، نقاط قوت و ضعف آن‌ها تحلیل و روحیه و حس‌های درونی‌شان پیدا می‌شود؛
- دانش‌آموزان می‌توانند شخصیت‌ها و موقعیت‌های آشنا و حتی فانتزی و تخیلی را تحلیل کنند؛
- دایره لغت دانش‌آموزان گسترش می‌یابد و با مفاهیم زندگی اجتماعی آشنا می‌شوند؛
- ذهن دانش‌آموزان خلاق می‌شود؛
- برنامه آموزشی مدرسه بهتر پیش می‌رود، آموزش ماندگارتر می‌شود، مواد آموزشی و درسی در فرآیندی جذاب و فضایی مفرح و پرنشاط ارائه می‌شوند.
- خاطر نشان می‌کنیم، روند خلق قصه‌های نمایشی باید براساس دایره لغت و توانایی‌های بیانی هر دوره ابتدایی طراحی شود؛ قصه‌های نمایشی باید کوتاه، موجز و در حد حوصله و فهم گروه دبستانی باشند. بالاخره اینکه، پس از خلق هر قصه نمایشی، بهتر است زمانی را به اجرای آن اختصاص داد.

مشکلات خلق قصه‌نمایشی در کلاس

در این بخش برخی مشکلات خلق قصه‌نمایشی در کلاس درس می‌آیند؛ مشکلاتی که باعث شکل‌نگرفتن روندی خلاق در این فرآیند خواهند شد.

۱. نبود زمانی مشخص برای کلاس‌های نمایش خلاق در آموزش و پرورش
متأسفانه از آنجا که در برنامه درسی دانش‌آموزان برای

نمایش خلاق و فعالیت‌های نمایشی زمانی پیش‌بینی نشده است، اگر هم برخی از آموزگاران به اهمیت و روش‌های این حوزه آشنا و به استفاده از آن در آموزش‌های خود علاقه‌مند باشند، برای این کار فرصت کافی نخواهند داشت.

۲. به‌روزی نبودن دانش و شیوه‌های نوین آموزشی

متأسفانه در نظام آموزش و پرورش به‌روزرسانی دانش و آشنا شدن با شیوه‌های جدید آموزشی جای چندانی نداشته و به‌خصوص آموزگاران با سابقه برای گذراندن دوره‌های جدید هیچ الزامی ندارند؛ چه برسد به دوره‌های آموزش نمایش خلاق یا شیوه‌هایی در زمینه دستیابی به یک قصه نمایشی در کلاس درس که متأسفانه کاربردهای آموزشی و پرورشی آن هنوز برای مسئولین و تصمیم‌گیرندگان آموزش و پرورش نیز ناآشنا و ناملموس است چه برسد به آموزگاران.

۳. تعدد دانش‌آموزان در کلاس درس

در دوره پیش‌دبستان و پایه اول ابتدایی دانش‌آموزان با خواندن و نوشتن آشنا نیستند و نمی‌توانند نظر و داستان خود را به‌طور مستقل ثبت کنند و مربی ناچار است با شیوه‌های خلاق شفاهی یا تصویری به خلق قصه‌نمایشی در کلاس درس بپردازد.

در هر کلاس درس (به‌خصوص مدرسه‌های دولتی) بین ۲۰ تا حتی ۴۰ دانش‌آموز حضور دارند. کار کردن با چنین گروهی، آن هم در دوره‌های پیش‌دبستانی و ابتدایی کار ساده‌ای نیست و نمی‌توان هماهنگی، نظم و مهم‌تر از همه ذوق و شوق دانش‌آموزان را تا پایان کار حفظ کرد. از این رو، مربی این گروه سنی باید برای برقرار کردن نظم و آهنگ صحیح خلق گروهی هوشمندی لازم را داشته باشد تا به نتیجه مطلوب برسد. قطعاً تجربه‌های عملی در این زمینه راهکارهایی شخصی را به وجود می‌آورند که راهگشای مربی هستند. طبق تجربه شخصی نگارنده، در دوره پیش‌دبستانی بهتر است در روند کار از موسیقی، شعر و تصویر استفاده شود. در پایه‌های سوم به بالا می‌توان دانش‌آموزان کلاس را به گروه‌های سه تا پنج‌نفره تقسیم کرد و با تعیین یک نفر به‌عنوان سرگروه، در عمل وظایف مربی را تقسیم کرد و مسئولیت حفظ نظم و آرامش را به خود دانش‌آموزان سپرد که بسیار مؤثرتر از حضور مربی عصبی و خسته از بی‌نظمی خواهد بود.

فایده‌های نمایشنامه‌خوانی در کلاس درس

خوانش نمایشنامه با شیوه‌های بیانی و شخصیت‌پردازی صدایی، از مراحل اولیه تمرین نمایش محسوب می‌شود



معمولاً تمامی دانش آموزان، حتی خجالتی ترین آن‌ها، از پس اجرای نمایش برمی آیند و این گامی برای وارد کردن دانش آموزان گوشه گیر به فعالیت گروهی است

پرورشی و تأثیرگذار در آینده، در شناخت شیوه‌های آموزشی نوین بکوشد و در این راه تلاش بیشتری به خرج دهد. به جرئت می‌توان گفت، نمایش خلاق در تمامی سطح‌ها، از خلق قصه‌های نمایشی گرفته تا بازی‌سازی، از مؤثرترین شیوه‌های آموزشی و پرورشی است که آموزشی ماندگار و پرورشی خلاق را به همراه دارد. دنیای کودکی ساده و سرشار از خلاقیت است و با آنکه ساده‌بودن سخت نیست، ولی ساده و خلاق‌ماندن چندان کار ساده‌ای نیست. سادگی‌ها را جدی بگیریم.

پی‌نوشت‌ها

۱. از آنجا که برای گروه دبستانی و پیش‌دبستانی خلق متن نمایشی بیشتر به قصه قابل بازی‌سازی شبیه است، در این متن، به جای نمایشنامه یا متن نمایشی، از عبارت قصه‌های نمایشی استفاده شده است.
۲. با دقت به روان‌شناسی کودکان متوجه می‌شویم، نمایش دادن و بازی کردن تصورات و حتی خاطراتشان از جمله خصوصیات این دوره است.
۳. منظور قابلیت‌های بازی‌سازی و نمایشی کردن یک قصه است.
۴. در مورد دانش‌آموزان دوره‌های متوسطه اول و دوم، مربی می‌تواند در کنار آن‌ها قرار گیرد و گاه برخی اصلاحات را انجام دهد یا به نکات کلیدی اشاره کند. ولی در مورد دانش‌آموزان پیش‌دبستانی، به‌خصوص در سال‌های نخست دبستان (تا کلاس سوم)، مربی نقشی کلیدی‌تر و هدایتگر دارد. او باید کودکان را در جریان خلق قصه نمایشی قرار دهد و با حفظ آزادی و سلیقه‌های شخصی دانش‌آموزان، آن‌ها را برای رسیدن به نتیجه رضایت‌بخش و اجرایی هدایت کند.
۵. مسلم است دایرة لغات دانش‌آموز در کلاس پنجم دبستان با دانش‌آموز کلاس اولی بسیار متفاوت و از آن گسترده‌تر است و این خصوصیات باید مورد توجه قرار گیرند.
۶. قابل ذکر است، شیوه‌های بداهه‌پردازی و خلاقه اجرایی در نمایش خلاق وجود دارند که بازی و اجرا بخش لاینفک خلق متن نمایشی است. در بازی و بداهه‌پردازی است که متن شکل می‌گیرد. در این مقاله، به شیوه‌هایی اشاره شده است که آموزگار بتواند بدون وارد شدن به دنیای بازی‌سازی و بداهه‌پردازی اجرایی، به یک قصه نمایشی دست یابد. امید است به‌زودی بررسی شیوه‌های به اجرا درآوردن قصه‌های نمایشی برای این گروه سنی، چه توسط نگارنده و چه صاحب‌نظران عزیز، بررسی شوند.
۷. در سال‌های اخیر، انتشارات مدرسه و کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، قطره و چند انتشاراتی دیگر، نمایشنامه‌هایی را در زمینه کودک و نوجوان چاپ کرده‌اند که برای این منظور تهیه شده‌اند و می‌توانند از طریق کتابخانه مدرسه در اختیار آموزگاران قرار گیرند.

منابع

1. Knapp Alain, A.K.une Ecole de la Création Théâtrale, Actes sud-Papiers, paris, 1993
2. Rullier Thuret Françoise, Les Genres Narratif, Ellipses, paris, 2006
3. Decourt Nadine, Raynaud Michelle, Contes et diversité des cultures le jeu du même et de l'autre, CRDP de Lyon, 3e trimestre 2003
4. Planson Cyrille, Accompagner l'enfant dans sa découverte du spectacle, La Scène, paris 2008

که امروزه گاه جایگزین اجرا شده است و به‌طور مستقل و با حضور تماشاچی نیز انجام می‌شود. حتی اجرایی از کارگردانان بزرگ دنیا را شاهدیم که خود دلیلی بر جایگاه به‌نسبت حرفه‌ای این نوع سبک اجرایی است. موسیقی، جلوه (افکت)های صدایی، و حتی گاه استفاده از برخی ابزارها و وسایل صحنه یا عروسک در جلسات نمایشنامه‌خوانی، آن را به سمت اجرا سوق می‌دهد و از یک خوانش ساده متفاوت می‌سازد.

از آنجا که برای معلم ابتدایی فرصت زیادی وجود ندارد که نمایشی را به‌طور کامل در ساعت کلاسی تمرین و آماده کند و به این موضوع ساعتی اختصاص داده نشده است، معمولاً آموزگار با ذوق در ساعت اضافی درس‌های دیگر یا ساعت ورزش و هنر، شاید بتواند تمرین‌های نمایش خلاق را با کودکان کار کند که معمولاً متأسفانه با روش‌ها و شیوه اجرایی خلق نمایش خلاق آشنا نیست و آگاهی کافی را نیز در این زمینه ندارد! ولی می‌توان در این ساعت نمایشنامه‌های کوتاهی را که مخصوص کودکان نوشته شده و به چاپ رسیده‌اند^۷ و معمولاً کوتاه، ساده و متناسب با گروه سنی آنان هستند، تهیه کرد و در اختیارشان قرار دهد. به‌نوعی، نمایشنامه مزبور در ساعت اضافی یا حتی در ساعت روان‌خوانی، با شیوه‌های نمایشنامه‌خوانی (مانند شخصیت‌پردازی صدایی، خارج کردن گفت‌وگوها از حالت کتابی، استفاده از موسیقی و جلوه‌های صدایی ویژه، و استفاده از ابزار یا عروسک به‌صورت محدود) به‌صورت گردش در کلاس اجرا شود. هر نمایشنامه می‌تواند دو یا سه هفته در کلاس توسط گروه‌های متفاوتی خوانده شود و حتی بهترین گروه امتیاز هم بگیرد.

در جلسه‌های نمایشنامه‌خوانی می‌توان از همه دانش‌آموزان کلاس استفاده کرد. محدودیت نقش و انتخاب از بهترین‌ها وجود ندارد. معمولاً تمامی دانش‌آموزان، حتی خجالتی‌ترین آن‌ها، از پس اجرای نمایش برمی‌آیند و این گامی برای وارد کردن دانش‌آموزان گوشه‌گیر به فعالیت گروهی است.

این امر، علاوه بر تجربه کار مشارکتی، بالابردن حس همکاری، شخصیت‌پردازی، تسلط بر بیان و شناخت صداها، تمرینی برای روان‌خوانی دانش‌آموزان نیز خواهد بود. در نهایت، کودکان با تمرین و تکرار یک متن نمایشی در کلاس، به‌مرور آن را حفظ می‌کنند و در عین حال خود می‌توانند بهترین‌های هر نقش را انتخاب کنند و در نهایت یک اجرای کلاسی یا حتی مدرسه‌ای ارائه دهند.

مؤخره

امید است که آموزش‌وپرورش به‌عنوان اصلی‌ترین متولی



قصه‌پردازی

خشت اولِ نمایش

شهرام کرمی



موجب حیرت فکر سامع گردد و آن تشخیص داده شده است به: قصص حیرت‌آمیز، فلسفی و آموزگاری. معمولاً به آثاری که در آن‌ها تأکید بر حوادث خارق‌العاده، بیشتر از تحول و تکوین آدم‌ها و شخصیت‌هاست قصه می‌گویند. قصه رشد و تکامل قهرمان در طول زمان است» (رادفر، ۱۳۶۶: ۲۲۰).

قصه‌گویی متداول‌ترین شکل هنر و ادبیات برای بچه‌هاست که در هنر درام و نمایش کاربرد زیادی دارد. حتی هنوز برای بسیاری تلقی از هنر نمایش همان قصه‌گفتن است؛ در صورتی که وجوه امروزی هنر نمایش برای بچه‌ها بسیار متحول و دگرگون شده است.

«حوادث، قصه را به وجود می‌آورند و

هنر و ادبیات کودک و نوجوان همواره با قصه و قصه‌گویی شناخته می‌شود. قصه و قصه‌پردازی در جهان سابقه بسیار طولانی دارد. قصه و داستان در بسیاری موارد به یک معنا به کار برده می‌شوند، ولی با هم تفاوت دارند. قصه مترادف خیلی از واژه‌ها شده است و معنای برخی اصطلاحات چون افسانه، حکایت و اسطوره را با قصه می‌شناسند. در صورتی که این کلمه‌ها و مفاهیم تفاوت آشکار زیادی با هم دارند. قصه میراث ماندگار بشری است. آغاز و شروع قصه‌های کهن به دل تاریخ برمی‌گردد. در فرهنگ کشورهای گوناگون، گاه یک قصه به شکل‌ها و روایت‌های متفاوت وجود دارد.

قصه چیست؟

«قصه» با واژه‌هایی مترادف چون روایت، حکایت، سرگذشت، شرح، افسانه، خیال، وانمود، گزارش و موضوع شناخته می‌شود. قصه در لغت به معنای خبر و داستان و گزارش آمده است. تاریخ شکل‌گیری قصه بسیار پیش از داستان و رویداد بوده و این نوع از روایت همزاد دیرینه بشر بوده است. قدمت قصه به کهن‌سالی خلق زبان است که برای ایجاد ارتباط شکل گرفت. در آغاز قصه‌ها از اسطوره‌ها و افسانه الهام گرفته و بعدها با محور قراردادن شخصیت‌های واقعی و عام انسانی، شکل و نوع روایت قصه کامل شد. در کتاب «فرهنگ‌واره داستان و نمایش» با جمع‌آوری نظر و دیدگاه‌های متفاوت، قصه چنین تعریف شده است:

«قصه در لغت بیان واقعه را گویند و در اصطلاح متأخران عبارت است از بیان مختصر سرگذشت‌های شوخ و مضحک یا مطالبی که





بچه‌ها رؤیایا و آرزوهای خود را با قصه تجسم می‌کنند

نمایش کودک و نوجوان

تا پیش از قرن بیستم، بچه‌ها فقط مخاطب گروه‌ها و نمایش‌های بزرگسالان بوده‌اند و نمایشی که برای کودک و نوجوان تولید و اجرا شده باشد، وجود نداشته است. اجرای نمایش‌های محلی و سنتی در بسیاری از کشورها به شکل هنر بومی و آیینی و برای سرگرمی متداول بوده و بچه‌ها هم بیشتر وقت‌ها مخاطبان فرعی این آثار بوده‌اند. لیکن این روند یک جریان رسمی و منسجم برای تولید و اجرای نمایش بچه‌ها نبوده است.

قرن بیستم را می‌توان یک دوره بزرگ و نهضت فراگیر هنر نمایش در جهان و به‌خصوص نمایش کودک و نوجوان شناخت. وسعت نمایش در این قرن جهانی شد و در کنار بسیاری از وقایع سیاسی و اجتماعی و رویدادهای بزرگ چون جنگ جهانی و قیام و مبارزات انقلابی و تحول فکری و اجتماعی و رواج مراکز علمی و هنری و ظهور علوم متنوع و سبک و شیوه هنری، مکتب‌های نو هم ظهور یافتند.

قصه‌پردازی در نمایش برای بچه‌ها

نمایش کودک و نوجوان شامل چند گروه سنی می‌شود: نوگام، خردسال، کودک و نوجوان.

این رده‌ها چهار گروهی هستند که در گونه نمایش کودک و نوجوان مخاطب خاص و ویژه شناخته می‌شوند. همه این گروه‌های سنی در هر شکل هنری قصه را تجربه کرده‌اند و نمایش‌هایی مبتنی بر

رکن اساسی و بنیادی آن را تشکیل می‌دهند؛ بی‌آنکه در گسترش و رشد قهرمان‌ها و آدم‌های قصه نقشی داشته باشند. به عبارت دیگر، شخصیت‌ها و قهرمان‌ها، در قصه کمتر دگرگونی می‌یابند و بیشتر دستخوش حوادث و ماجراهای گوناگون هستند. دگرگونی آن‌ها کلی و خصلتی است و روان‌شناختی فردی و جزئیات توجیهی در آن‌ها دخالت ندارد. قصه‌ها غالباً پابانی خوش دارند و در آن‌ها خوبی‌ها بر بدی‌ها پیروز می‌شوند. شکل قصه‌های عامیانه غالباً ساده و ابتدایی است و زبانی نقلی و توضیحی دارد. زبان اغلب آن‌ها نزدیک به گفتار و محاوره عامه مردم و پر از اصطلاح‌ها و لغت‌ها و ضرب‌المثل‌های عامیانه است و زبان معمول و رایج زمان در آن‌ها به کار گرفته شده است» (میر صادقی، ۱۳۶: ۲۹).

قصه‌های اخلاقی، تمثیلی، پریان، و پهلوانان و اسطوره‌ای از مهم‌ترین انواع قصه هستند. قصه فقط برای سرگرمی نیست. پند و اندرز اخلاقی و کشف راز و رمز حیات و زندگی و تجسم دنیای خیال و رؤیا خاصیت مهم قصه است که انسان همواره از شنیدن یا دیدن روایت‌هایی مبتنی بر آن لذت می‌برد. جالب است که با وجود تحول روایت و داستان، به‌خصوص ادبیات و هنر معاصر که «رویداد»^۱ جایگزین بسیاری از شیوه‌های داستان‌پردازی شده است، قصه همچنان برای مخاطب جذاب است و شیوه‌ای همیشگی و ذاتی برای ارتباط شناخته می‌شود.

قصه برخلاف داستان بیشتر جنبه غیرواقعی و خیالی دارد و مثل داستان واقعی و محسوس نیست. جهان قصه رؤیایی و آرمانی است، ولی در داستان آنچه باید اتفاق بیفتد، روایت می‌شود.





قصه و قصه‌پردازی در نمایش کودک و نوجوان چند مزیت دارد:

اول: بچه‌ها آنچه را درباره‌ی گذشته برای آن‌ها تجسم می‌شود، به معنای یک اتفاق و روایت بسیار راحت و بهتر درک و باور می‌کنند. در این شکل، نتیجه برای مخاطب یک موضوع قابل فهم و باور و جست‌وجو خواهد بود.

دوم: از عناصر مهم نمایش کودک و نوجوان، تفننی (فانتزی) و خیالی و روایت‌های مبتنی بر قصه و قصه‌پردازی است. بچه‌ها رؤیاها و آرزوهای خود را با قصه تجسم می‌کنند. **سوم:** بچه‌ها عاشق سرگرمی و هیجان و بازی هستند و جهان قصه این امکان را فراهم می‌کند. وقتی جهان قصه برای بچه‌ها شکل می‌گیرد، آن‌ها دنیای خود را با قصه‌ها همراه می‌کنند و با جست‌وجو و هیجان و ترس و شادی قصه‌ها همراه می‌شوند.

چهارم: بچه‌ها با شنیدن قصه با دیدن نمایش‌هایی مبتنی بر آن، علاوه بر آشنایی با آداب و سنت و مهارت کلامی و شنیداری، برای رویارویی با واقعیت‌ها و موقعیت‌های دشوار زندگی آماده می‌شوند. قدرت تحلیل و تصمیم‌ریا یاد می‌گیرند و ارزش‌های جامعه به آن‌ها انتقال پیدا می‌کند.

پنجم: قصه و قصه‌پردازی نوعی آموزش غیرمستقیم زندگی است.

آشنایی با قصه و قصه‌پردازی برای هر یک از عوامل نمایش کودک و نوجوان یک ضرورت است. با اینکه نمایش‌های امروزی و نمایش کودک و نوجوان تنوع زیادی دارد، اما قصه و روایت است که همچنان جهان صحنه را پر از خیال و رؤیا می‌کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. Event. بعد از اسطوره و قصه و داستان، رویداد یک موضوع مهم در ادبیات معاصر است که به شکل و ساختاری به‌عنوان روایت ساده یا حتی ضد قصه به کار می‌رود که جای بحث زیاد دارد.

2. Plot

منابع

۱. کیبل، جورجینا (۱۴۰۰). قصه‌گوی ذاتی. ترجمه رضوان خرمیان. انتشارات مدرسه. تهران.
۲. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۶۶). فرهنگ‌واره داستان و نمایش. انتشارات اطلاعات. تهران.
۳. میر صادقی، جمال (۱۳۶۷). عناصر داستان. انتشارات شفا. تهران.
۴. قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۵. میر صادقی، جمال (۱۳۷۳). ادبیات داستانی. انتشارات ماهور. تهران.
۶. وود، دیوید (۱۳۸۶). نمایش برای بچه‌ها. ترجمه سید حسین فدایی حسین. رکسانا شاهجانی. انتشارات نمایش. تهران.
۷. گاتشال، جانانان (۱۴۰۰). حیوان قصه‌گو. ترجمه عباس مخبر. انتشارات مرکز. تهران.
۸. گریگ، نوتل (۱۳۹۰). نوجوانان و نمایش جدید. ترجمه حسین فدایی حسین. انتشارات نمایش. تهران.

این نوع ادبیات در روایت‌های نمایشی آن‌ها مرسوم است. در رده‌ی نوگام و کودکان شیرخوار، که نمایش خاص خود را تجربه می‌کنند، تجسم شخصیت و محیط و آنچه بچه‌ها درک می‌کنند و باید بشناسند، محور نمایش‌های این گروه است. زبان نمایشی برای این گروه به شکل کامل بر روایت قصه مبتنی است و شیرخواران اولین شکل توصیف و ماجرا یا همان قصه‌گویی را تجربه می‌کنند. این تجربه برای آن‌ها جهان روایت را مجسم و عملی می‌کند. در رده‌ی خردسال و کودک، بچه‌ها با قصه آشنا می‌شوند و از دیدن و شنیدن آن لذت می‌برند.

در شکل و شیوه‌های هنری، این گروه و رده‌ی سنی و قصه‌های نمایشی بسیار کاربرد دارند. در گروه نوجوان، قصه و شکل‌های جادویی آن روایتی برای درک شگفتی‌های جهان و راهی برای کشف رمز و راز حیات می‌شود.

«قصه برای انسان مثل آب است برای ماهی که همه اطراف او را گرفته و تقریباً حس نمی‌شود. در حالی که جسم شما همیشه در نقطه معینی در مکان و زمان ثابت است، ذهن شما همواره آزاد است که در قلمروهای خیالی بچرخد و می‌چرخد» (گاتشال، ۳:۱۴۰۰).

پیرنگ^۲ چارچوب منطقی هر اثر ادبی و هنری است و در نمایشنامه بر قصه یا داستان

و رویداد (شکل نو از روایت) مبتنی است. نمایشنامه‌های کودک و نوجوان در همه رده‌ها از قصه بهره زیادی می‌برند. به زبان ساده، قصه و قصه‌پردازی در ادبیات نمایشی و نمایش، شکل و ساختار و روش مقبول و تجربه‌شده‌ای برای بچه‌ها به حساب می‌آید.

«نقش قصه در زندگی انسان فراتر از نقشی است که رمان‌ها یا فیلم‌های مرسوم بازی می‌کنند. قصه و انواع فعالیت‌های قصه‌وار بر زندگی انسان سیطره دارند» (همان، ص ۱۴).

بهره‌گیری از قصه در نمایشنامه‌های کودک و نوجوان به شکل بنیادی به دو روش اتفاق می‌افتد:

اول: استفاده از قصه‌های شناخته‌شده با پیرنگ و شیوه روایت سنتی؛

دوم: بهره‌گیری از ساختار قصه در خلق و پرداخت آثار جدید.



بچه‌ها با شنیدن قصه یا دیدن نمایش‌هایی مبتنی بر آن، علاوه بر آشنایی با آداب و سنت و مهارت‌های کلامی و شنیداری، برای رویارویی با واقعیت‌ها و موقعیت‌های دشوار زندگی آماده می‌شوند

نمایش پروری

خلق قصه‌های نمایشی با مشارکت دانش‌آموزان

فائزه شیخ‌الاسلام

خلق قصه‌های نمایشی به صورت گروهی، معمولاً در ابتدا به خلق قصه منجر می‌شود و بعد، با هدایت مربی و معرفی ارکان نمایشنامه، دانش‌آموزان قصه را به شکل نمایشی نزدیک و قصه‌ای برای نمایش دادن خلق می‌کنند. بهتر است کودکان در همان ساعت بتوانند قصه خلق شده را بازی و آن را به بازی نمایشی خلاق تبدیل کنند. در غیر این صورت، با توجه به محدودیت زمانی، خود روند خلق قصه‌های نمایشی نیز بخشی از فرایندی خلاقه است. در ادامه نمونه‌هایی از فرایندهای خلق قصه‌های نمایشی را مرور می‌کنیم.

موقعیت‌های متفاوتی وجود دارند. البته موقعیت‌هایی نیز برای هر دو جنس مناسب هستند؛ مانند گم شدن در بازار، خرید کردن، آمادگی نداشتن در روز امتحان، بازپس‌اندادن امانتی و گم کردن کتاب کتابخانه. در این راستا، خلق موقعیت‌هایی سرگرم‌کننده (فانتزی) که دانش‌آموزان در آن‌ها تجربه‌ای ندارند نیز نباید فراموش شود؛ مانند سفر به سرزمین عجایب و سفر به کره ماه یا شهر حیوانات.

خلق قصه‌های نمایشی بر اساس قصه‌گویی: انتخاب یک قصه و نمایشی کردن آن یکی از شیوه‌های خلق قصه‌های نمایشی است. در ادامه به فن‌هایی اشاره می‌کنیم که به بازی‌سازی نیازی ندارند و در آن‌ها برای خلق قصه‌های نمایشی بیشتر از برگه‌های نوشتاری و بحث گروهی استفاده می‌شود. آموزگار قصه‌ای را برای کودکان تعریف می‌کند و با دسته‌بندی آن‌ها به گروه‌های دو یا سه نفره، از آن‌ها می‌خواهد برای شخصیت‌های قصه، گفت‌وگو بنویسند. بهتر است آن‌ها را آزاد بگذارید حتی به اصل قصه نیز وفادار نباشند و بتوانند متناسب سلیقه خود آن را تغییر دهند. برای این بخش، بهتر است از قصه‌های شناخته‌شده، مانند قصه‌های روان‌خوانی کتاب «بنویسم» در دوره دبستان، استفاده شود.

خلق قصه‌های نمایشی بر اساس قصه‌های ناتمام: مربی می‌تواند از قصه‌های آشنا و شناخته‌شده استفاده کند یا با نیمه‌تمام گذاشتن قصه‌ای، از دانش‌آموزان بخواهد پایانی بر اساس سلیقه خود طراحی کنند و با بازی‌سازی آن به صورت پانتومیم، از دیگران بخواهند پایان آن‌ها را حدس بزنند. در زمینه قصه‌های آشنا، این گروه سنی معمولاً به آمیختن و چسباندن قصه‌های گوناگون به یکدیگر علاقه‌مندند!

خلق قصه‌های نمایشی بر اساس یک موقعیت: با ارائه یک موقعیت ملموس به دانش‌آموزان، می‌توانید شاهد قصه‌های خلاقه‌ای باشید که بر اساس روحیه آنان شکل می‌گیرد. این فعالیت می‌تواند به صورت فردی یا گروهی انجام شود. برای کودکان پیش‌دبستانی، نسبت به دختر یا پسر بودن آن‌ها





دانش‌آموزان بخواهید قصه‌ای بسازند. در بسیاری از موارد، قصه‌ای که ساخته می‌شود با قصه کتاب متفاوت است. برای خلاقه‌تر شدن قصه می‌توان تصویرها را به هم ریخت و به ترتیب نشان نداد.

خلق قصه نمایشی براساس نقاشی کودکان: مربی می‌تواند با دادن موضوع‌های مناسب نقاشی، از محصول نهایی نقاشی دانش‌آموزان به صورت فردی یا گروهی، آن‌ها را به خلق قصه نمایشی هدایت کند. برای مثال، با موضوع «روزی که در باغ وحش باز مانده بود»، کودکان را به تفکر وامی‌دارد و در نهایت می‌توان در این نقاشی‌ها قصه‌ای را دید که هر کس آن را با توجه به خصوصیات فردی خود به تصویر کشیده است. سپس با به‌نمایش گذاشتن آن‌ها برای گروه و بحث روی نقاشی‌ها و زاویه دید دانش‌آموزان نسبت به موضوع، آموزگار می‌تواند با دسته‌بندی و قراردادن چند نفر در یک گروه، از آن‌ها بخواهد در رابطه با ایده‌هایشان به قصه‌ای فکر و سپس آن را بازی کنند.^۳

خلق قصه نمایشی بر اساس یک یا چند تصویر: می‌توان با نشان دادن فقط یک یا چند تصویر که گاه از روزنامه یا مجله بریده شده است، سفره‌ای برای خلق یک قصه نمایشی گستراند که هر کس بر اساس ذوق و نظر خود داستانی را خلق کند. می‌توان از تصویرهای انتزاعی، تصویرهای آثار نقاشان معروف، بریده روزنامه‌ها و مجلات و حتی بخشی از یک تصویر که در نگاه اول چندان قابل تشخیص نیست استفاده کرد.^۴

خلق قصه نمایشی براساس مشکلات و مسائل دانش‌آموزان: معمولاً دانش‌آموزان نمی‌توانند به‌طور صریح در رابطه با مشکلاتشان صحبت کنند. در حالی که آموزگار می‌تواند با ارائه چنین موضوعی از آن‌ها بخواهد در رابطه با مشکل خود متن کوتاهی به صورت نمایشی بنویسد. بهترین شیوه آن است که یک شخصیت با یک اسم در نظر گرفته و با این جمله شروع شود: «اون روز مهگل خیلی ناراحت بود، آخه». معمولاً کودکان در چنین موقعیت‌هایی به مواردی که خود آن‌ها را آزار می‌دهد اشاره می‌کنند و چون با نام شخصیت دیگری می‌نویسند، می‌توانند آزادانه حرف بزنند. آموزگار پس از خواندن متن‌ها می‌تواند از آن‌ها بخواهد آن را در کلاس اجرا کنند. صحبت کردن در مورد مشکلات و مواردی که کودکان را آزار می‌دهد، وقتی در قالب نمایش اجرا می‌شود، حتی اگر راهی برای حل آن مشکل پیدا نشود، تسکین‌دهنده است.

خلق قصه نمایشی بر اساس یک حالت (ژست) حرکتی: در این شیوه بهتر است دانش‌آموزان را به دسته‌های پنج تا هفت نفره تقسیم کرد و یک درونمایه (تم) به آن‌ها داد.

خلق قصه نمایشی براساس شخصیت‌های معروف: آموزگار می‌تواند با معرفی و تعریف زندگی‌نامه یا گوشه‌هایی از زندگی شخصیت‌های معروف یا محبوب دانش‌آموزان، از آن‌ها بخواهد شخصیت‌ها را در موقعیت‌های متفاوتی قرار دهند و براساس آن قصه‌ای نمایشی خلق کنند. می‌توان از شخصیت‌های کتاب درسی، فیلم‌های پویانمایی، بازیگران، دانشمندان و ورزشکاران استفاده کرد. به‌طور مثال، خلق قصه نمایشی براساس شخصیت دکتر حساسی، یا پهلوان باستانی ایران، رستم دستان، پاسداران و حماسه‌سازان دفاع مقدس).

خلق قصه نمایشی بر اساس شخصیت‌های تخیلی: می‌توان با کمک دانش‌آموزان و با قراردادن اعضا یا خصوصیت‌های متفاوت در کنار هم، آن‌ها را در فرایندی تفریحی قرار داد و با خلق شخصیتی تخیلی، قصه نمایشی را خلق کرد. به‌طور مثال، می‌توان با تلفیق حیواناتی مثل پلنگ، زرافه و فیل، حیوانی ترکیبی ساخت که پنجه و پوست پلنگ، دماغ و گوش‌های فیل و گردن دراز زرافه را داشته باشد. حتی می‌توان با تکه‌چسبانی (کلاژ) تصویری نیز تصویری از موجود خیالی خود خلق کرد و سپس در مورد شیوه زندگی، راه رفتن یا مشکلاتش به قصه نمایشی رسید. گاه می‌توان چند شیء را با حیوانات و چند خصوصیت اخلاقی مانند شکمو بودن و تنبل بودن نیز تلفیق کرد؛ مثلاً شانه‌ای عصبانی که دندان‌هایی مثل شاخ گوزن داشت و موی همه را می‌کشید.

خلق قصه نمایشی پله پله بر اساس تصویرسازی: این شیوه در مورد کودکان پیش‌دبستانی و دانش‌آموزان پایه اول دبستان که مشکل نگارش دارند، بسیار کاربردی است. برای خلق متن نمایشی بر اساس تصویر شیوه‌های متعددی وجود دارند که در ادامه برخی از نمونه‌ها را می‌آوریم:

خلق قصه نمایشی با تصویرگری‌های کتاب کودک یا کارت نمایش: با نشان دادن تصویرهای یک کتاب، از



با ارائه یک موقعیت ملموس به دانش‌آموزان، می‌توانید شاهد قصه‌های خلاقه‌ای باشید. مانند گم شدن در بازار، خرید کردن، آمادگی نداشتن در روز امتحان

این درونمایه می‌تواند حسی مانند غم، شادی، خشم و ترس یا مکان‌هایی چون کارخانه، بازار، باغ گل و آشپزخانه باشند. توجه داشته باشید، موضوع یا کلمه انتخابی باید قابلیت بازی کردن و به حالت حرکتی تبدیل شدن را داشته باشد.

سپس آن‌ها با توجه به موضوع موردنظر حالت‌هایی را در کنار هم می‌سازند. می‌توانند هم از حالت‌های ثابت و هم از حالت‌های تکرارشونده استفاده کنند. دانش‌آموزان تماشاچی باید موقعیت آن‌ها را حدس بزنند یا بر اساس تصویر ارائه‌شده، یک موقعیت نمایشی خلق کنند.^۵ این شیوه برای پایه‌های سوم دبستان به بالا مناسب‌تر است.

خلق قصه‌نمایشی براساس بازی با کلمات گوناگون:

در دوره دبستان و پیش‌دبستانی آموزگاران معمولاً ساعتی از کلاس را با بازی‌های کلماتی و جمله‌سازی با دانش‌آموزان می‌گذرانند. همین بازی‌ها می‌تواند با هدف خلق یک متن نمایشی انجام شوند. برای مثال، بازی جمله‌سازی که با نگاشتن یک کلمه روی تخته شروع می‌شود و کودکان کلمه‌ای را به آن اضافه می‌کنند تا یک جمله ساخته شود، می‌تواند با هدایت درست آموزگار به یک قصه‌نمایشی کوتاه تبدیل شود. برای کودکان پایه‌های اول تا سوم بهتر است آغاز هر جمله را آموزگار تعیین کند تا بتواند به آن شکل داستانی بدهد. به‌طور مثال، با شروع از کلمه رستم، ممکن است کودکان جمله «رستم پهلوان باستانی ایرانی است» را بسازند. برای جمله بعدی، آموزگار می‌تواند بگوید: «یک روز رستم ...». با چنین عبارتی کودکان را به سمت ساخت یک قصه تخیلی یا واقعی بر اساس داستان شاهنامه هدایت می‌کند. در عین حال، می‌توان این قرار را گذاشت که هر وقت به کلمه «گفت» می‌رسیم، فرد بتواند یک جمله کامل بگوید. این فعالیت می‌تواند روی تخته کلاس توسط آموزگار یا یکی از دانش‌آموزان و نگاشتن هر کلمه و جمله توسط ارائه‌دهنده انجام شود. در دوره پیش‌دبستانی می‌توان به جای نوشتن، با تصویر کار کرد. طبیعی است قصه بسیار کوتاه‌تر و ساده‌تر خواهد بود.

خلق قصه‌نمایشی براساس گفت‌وگونویسی:

این شیوه برگه‌ای کاغذ به دانش‌آموزان می‌دهیم که چند شخصیت مانند رستم و سهراب، کلاهقرمزی و گرگ، مربع و مثلث، کوتاه و بلند، و چاق و لاغر در بالای آن مشخص شده است. بقیه با قراردادن واژه «گفت در ابتدای هر خط»، صفحه را پر می‌کنند و برگه بین دانش‌آموزان پخش می‌شود. از آن‌ها می‌خواهیم یکی از دو شخصیت مشخص شده را انتخاب کنند و گفت‌وگویی را بین آن دو تجسم کنند و بنویسند. در این تمرین، شاهد خلق شخصیت‌ها و فضاسازی‌هایی خواهید بود که گاه به تنهایی موقعیتی نمایشی را خلق کرده‌اند. در

عین حال، علاوه بر بالابردن قدرت خلاقه کودکان در نگارش گفت‌وگو، آن‌ها برای انشانویسی و نگارش نیز آماده می‌شوند.

خلق قصه‌نمایشی به شیوه بارش فکری: در این شیوه که یکی از شیوه‌های خلاق ایده‌یابی در همه زمینه‌های تحقیقی و نگارشی است، روی تخته کلاس واژه‌های نوشته و از دانش‌آموزان درخواست می‌شود اولین کلماتی را که به ذهنشان می‌رسد، در یک برگه بنویسند و بعد براساس آن کلمات قصه‌ای خلق کنند.^۶ در این شیوه، انتخاب اتفاقی و لحظه‌ای کلمات خلاقیت دانش‌آموزان را پرورش می‌دهد و قاعده‌های مرسوم و معمول در ساخت قصه‌نمایشی را می‌شکند.

پی‌نوشت‌ها

۱. دانش‌آموزی در پایه چهارم داشتم که قصه کلاهقرمزی و بزبز قندی را بسیار هنرمندانه با هم تلفیق کرده بود. گرگ هر دو قصه یک شخصیت داشت و هفت بزغاله نزد مادر بزرگ کلاهقرمزی بودند که گرگ همه آن‌ها را خورده بود. در نهایت کلاهقرمزی با همکاری بزبز قندی و شکارچی گرگ را می‌گرفتند.

۲. دانش‌آموزی در پایه پنجم رستم را در موقعیت‌های امروزی مانند ایستادن در صف نان و درس خواندن در مدرسه تصور کرده بود که در نهایت رستم از همه آن موقعیت‌ها، که تجربه شخصی دانش‌آموز بود، خسته می‌شد و می‌خواست به زمان خود برگردد. در این بازگشت با یک مهره جادویی دانش‌آموز نیز به همراه او به دوران باستان منتقل و به قول خودش از درس خواندن خلاص می‌شد.

۳. به یاد دارم، با قراردادن دانش‌آموزی (که در نقاشی‌اش ترس خود را از حمله حیوانات وحشی به شهر بیان کرده بود) در کنار کودکی (که سوار بر آن‌ها در شهر گردش می‌کرد) تعادل زیبایی بین نظرات آن‌ها به وجود آمد. در نهایت روزی را دیدند که می‌توانستند با حیوانات اهلی بازی کنند و حیوانات وحشی را پلیس می‌گرفت.

۴. یک بار با نشان دادن نمای نزدیک پوست یک ببر، از دانش‌آموزان خواستم درباره آن فکر کنند و موضوعی را خلق کنند. اکثر آن‌ها متوجه نقش مایه (موتیف) پوست ببر نشده بودند و یکی آن را رده‌های شنی یک کویر را دیده بود که آبی در آن پیدا نمی‌کند و سراب می‌بیند. فرد دیگری هم آن را جاده‌های مخصوص اتومبیل‌رانی دیده بود که با یک ماشین قرمز برنده مسابقه می‌شود.

۵. در پایه پنجم، یک بار با ارائه موقعیت کارخانه، دانش‌آموزان شروع به انجام کارهای تکرارشونده ماشینی در ارتباط با یکدیگر کردند. دانش‌آموزی که مدام در حرکت خود (به‌طور غیر عمدی) اشتباه می‌کرد، باعث شد قصه کارخانه‌ای ساخته شود که می‌خواست قطعه خراب خود را نگه دارد که در نهایت منجر به خراب شدن کل دستگاه‌ها شد.

۶. البته معمولاً نمی‌توان با این شیوه به داستانی مستند در شاهنامه رسید، چون کودکان به‌صورت دسته‌جمعی در خلق این داستان مشارکت دارند و معمولاً همه آن‌ها نمی‌خواهند به اصل داستان وفادار باشند.

۷. نمونه‌ای از قصه‌نمایشی یک کودک ۹ ساله (پایه دوم) با کلمات «آدامس، دندان، موز و دندان‌پزشک»: یکی بود یکی نبود. دخترک یک روز داشت آدامس می‌خورد که یک‌دفعه پاش به موزی خورد و زمین خورد و دندانش شکست و آدامسش را قورت داد. آقای دندان‌پزشک دندان دخترک را با آدامس چسباند و همه‌چی خوب شد.



صحبت کردن درباره مشکلات و مواردی که کودکان را آزار می‌دهد، وقتی در قالب نمایش اجرا می‌شود، حتی اگر راهی برای حل آن مشکل پیدا نشود، تسکین‌دهنده است



باید خود را ارتقا می‌دادم!

پای صحبت‌های علیرضا طالب‌لو، معلم، بازیگر نمایش و فیلم‌ساز

مریم موسوی



عبارت دیگر، می‌خواستم بازیگری یاد بگیرم تا معلم بهتری باشم، و چون تجربه معلمی داشتم، بازیگر بهتری شدم. کم‌کم فنون و مهارت‌های نمایشی را در کلاس‌هایم به کار می‌گرفتم. مثلاً موقع درس دادن سعی می‌کردم در زاویه‌ای قرار بگیرم که بیشترین تعداد بچه‌ها را پوشش دهم. یا وقتی پای تخته بودم، لازم نمی‌دیدم به بهانه بهتر شنیدن سؤال دانش‌آموز، بیش از حد به او نزدیک شوم و ... مدتی بعد، حس کردم می‌توانم تجربه‌ها و فن‌های نمایشی را با سایر همکارانم هم به اشتراک بگذارم.

به‌طور مثال، موقع زنگ تفریح، در دفتر معلمان نشسته بودیم که یکی از همکاران، در حالی که سرش را میان دو دست گرفته بود، خودش را ولو کرد روی صندلی و گفت: «وای از دست این بچه‌ها! سردرد گرفتم!» من با کمی پرس‌وجو متوجه شدم ایشان به اصطلاح با «صدای سر» صحبت می‌کند. یعنی همان چیزی که در نمایش جزو خطاهاست و نباید انجام شود. به او توضیح دادم، اگر هنگام ادای کلمات تنفس درستی داشته باشد، به حنجره و تارهای صوتی فشار کمتری خواهد آمد. به این ترتیب، تجربه‌های نمایشی خودم را به همکاران و رفقا منتقل می‌کردم و چیزهایی مثل نحوه تنفس صحیح، ایستادن درست و استفاده بهتر از زبان بدن را یادشان می‌دادم. تا اینکه شروع کردم به برگزاری دوره‌هایی با عنوان «زبان اصلی». چرا که معتقدم، زبان اصلی ما همین قدرت بیان بدنی ماست و کلمات فقط حکم «زیرنویس» را دارند. نکته دیگر اینکه، طبق حدیثی از امام موسی کاظم (ع)، «هر کس که دو روزش یکنواخت باشد، مغبون است و هر که فردایش بدتر از امروزش باشد، فریب خورده است.» (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۲۷) با این نگاه، یکی از مسئولیت‌های معلم این است که هر روز دو لحظه مهم را تجربه کند و لذت این تجربه‌ها را به شاگردان خود نیز بچشاند:

۱. لحظه شگفت‌انگیز «وای!»

۲. لحظه شیرین «آهان!»

بعد از سال‌ها معلمی، یک روز احساس کردم زمان آن رسیده است که خودم را ارتقا بدهم. به این نتیجه رسیدم که برای این کار باید «زبان بدن» مؤثرتری داشته باشم. برای همین رفتم سراغ بازیگری. می‌خواستم معلم بهتری شوم. چرا؟ برای اینکه آدم تأثیرگذارتری باشم و در این دنیای پیچیده و شلوغ، بتوانم چرخ‌دنده‌های بزرگ‌تری را به حرکت درآورم. وقتی دوره آموزش بازیگری را شروع کردم، سی سالم بود و راستش از هم‌کلاسی‌های جوان خجالت می‌کشیدم و نسبت به ادامه راه تردید داشتم. وقتی استاد پرسید اهل کجایی؟ گفتم اهل تهران. استاد دوباره پرسید، پس این لهجات مال کجاست؟ با تعجب گفتم، چه لهجه‌ای؟! اما خیلی زود متوجه شدم از شدت اضطراب طوری دندان‌هایم را به هم فشار می‌دهم که حرف‌زدنم از حالت عادی خارج شده است.

با این حال، اگر حمل بر خودستایی نباشد، باید بگویم خیلی زود بر اوضاع مسلط شدم و از هم‌کلاسی‌ها پیشی گرفتم. نیمسال (ترم) دوم، یک نمایشنامه‌خوانی را روی صحنه بردم. نیمسال (ترم) سوم، یک اجرای نمایشی کامل داشتم. نیمسال (ترم) چهارم رسیدم به اجرای روی صحنه و کارگردانی. البته این پیشرفت چشمگیر به استعداد خاص من ربط چندانی نداشت، بلکه بیشتر حاصل دوازده سال سابقه معلمی‌ام بود. من این تجربه را داشتم که هر روز در سه کلاس متفاوت سی نفر حاضر شوم و سعی کنم آن‌ها را درگیر درس و بحث کنم. یعنی همان کاری که بازیگران روی صحنه نمایش انجام می‌دهند و توجه تماشاگران را جلب می‌کنند. قبل از هر چیز باید کاری می‌کردم حوصله‌شان سر نرود. بعد باید به آن‌ها می‌فهماندم که آدمی دوست‌داشتنی هستم و حس مثبت آن‌ها را نسبت به خودم برمی‌انگیختم. آن وقت تازه باید درس را شروع می‌کردم. به



**فعالیت‌ها باید
آن قدر متنوع
باشند که
دانش‌آموزانی با
نیازها، سلیقه‌ها،
توانایی‌ها و
سبک‌های
متفاوت یادگیری
بتوانند از آن‌ها
بهره بگیرند و
احساس رضایت و
موفقیت کنند**

معلم از راه‌های گوناگون می‌تواند چنین لحظه‌هایی را تجربه کند؛ با خواندن کتاب، دیدن فیلم و هم‌نشینی با اهل فضل. آنگاه همین تجربه‌ها می‌توانند فعالیت‌های جذاب نمایشی او را در صحنه کلاس غنی‌تر کنند.

نکته بعدی اینکه درس هنر در مدرسه‌های ما بیشتر با نقاشی و خوش‌نویسی همراه است. در حالی که به نظر بنده، در دنیای امروز، نمایش از هر دوی آن‌ها مهم‌تر و بستری است برای «خودابرازگری» و «خودشناسی». یعنی همان‌طور که دانش‌آموزان طی تحصیلات عمومی حداقل با چهار عمل اصلی در ریاضیات آشنا می‌شوند و استفاده از آن‌ها را تمرین می‌کنند، هنر نمایش و زبان بدن نیز باید جزو درس‌های عمومی گنجانده شود تا دانش‌آموزان فرصت کنند حداقل‌هایی را در این زمینه

فرا بگیرند و بتوانند آن‌ها را در زندگی خود به کار بندند. اصولاً چرا کودکان به عروسک‌های خود دل می‌بندند یا به سرگرمی‌هایی مثل «خاله‌بازی» علاقه نشان می‌دهند؟ چون این کارها به آن‌ها امکان می‌دهد از چارچوب‌های معمول روزمره خارج شوند و در خیال خود زندگی و جهان دیگری را تجربه کنند. به بیان دیگر، هنر نمایش، جان و روح ما را وسعت می‌دهد و غنی‌تر می‌کند. شک نباید کرد که هنرمند مطرحی همچون زنده‌یاد عزت‌الله انتظامی، عمرش بسی طولانی‌تر از هشتاد سال و اندی بوده است و به جرئت می‌توان گفت آن بزرگوار در واقع بیش از هشتادصد سال زیسته است. ما به‌عنوان متولیان تعلیم و تربیت وظیفه داریم زمینه چنین عمری غنی و طولانی را برای مخاطبان خود فراهم کنیم.

با این حال، به نظر می‌رسد هنر نمایش در فرهنگ ما آن‌طور که باید جدی گرفته نشده و نمی‌شود. مثلاً حرفه‌ای را که در خیلی از کشورها به‌عنوان «عملگر» (آکتور) شناخته می‌شود، در زبان ما «بازیگر» نامیده می‌شود. یعنی گویا در پس ذهن خود حاضر نیستیم جایگاهی فراتر از بازی برای آن قائل شویم. همچنین، در خیلی از خانواده‌ها هنوز به نمایش و بازیگری روی خوش نشان نمی‌دهند و آن را نوعی ادابازی تلقی می‌کنند. خوب، نظام آموزشی هم لاجرم از همین فرهنگ عامه متأثر است. در حالی که آموزش و پرورش باید پیشران فرهنگ عمومی باشد، نه طفیلی آن.

تمرین‌هایی برای کلاس

۱. یادم هست، وقتی بچه بودم، اگر مادرم موقع نماز خواندن متوجه می‌شد دارم دست به کار خطرناکی می‌زنم، مثلاً کبریت می‌کشم یا پریز برق را دست‌کاری می‌کنم، یک‌دفعه ذکرهای نماز را با لحن شدیدتری ادا می‌کرد و تقریباً داد می‌زد: «الله اکبر!!!» یا «سبحاً آن الله!!». با الهام از همین نوع خاطرات و برای اینکه بچه‌ها یاد بگیرند لحن بیان در رساندن منظور، نقشی فراتر از واژه‌ها ایفا می‌کند، با بچه‌ها قرار می‌گذاریم منظور خود را فقط با تکرار یک حرف الفبا-مثلاً حرف ج- برسانیم. سپس به یکی از دانش‌آموزان چشم‌پند می‌زنیم. دوستان او باید با تکرار همان یک حرف او را در جهت صحیح هدایت کنند تا مثلاً برود و چیزی را که روی نیمکت ردیف آخر کلاس گذاشته‌ایم، پیدا کند.



۲. موقعیت‌هایی را برای دانش‌آموزان توضیح می‌دهم و از آن‌ها می‌خواهم در آن موقعیت ایفای نقش کنند. مثلاً کسی که توی خیابان یک کیف پول پیدا کرده است. یا کسی که در کلاس خوابش برده و پس از بیداری متوجه می‌شود، همه رفته‌اند و در مدرسه را هم قفل کرده‌اند...

۳. فرصت لطیفه‌گویی ایجاد می‌کنم. بچه‌ها معمولاً از تعریف کردن لطیفه لذت می‌برند. اما عده‌ای هم هستند که از بیم «بی‌مزه بودن»، از این کار هراس دارند. استفاده از فن «شوخی‌پرداز روی صحنه» (استندآپ کمدی) یا طنز سرپایی می‌تواند در ایجاد اعتماد به نفس و نشاط در کلاس تأثیر فوق‌العاده‌ای داشته باشد. در مراحل بعد می‌توانند داستان‌هایی مانند چوپان دروغ‌گو را به‌طور صامت و بدون حرف‌زدن بازی کنند.

۴. در صحنه قاب‌سازی می‌کنیم. تعدادی از دانش‌آموزان مانند مجسمه در حالت‌های متفاوتی قرار می‌گیرند و از بقیه خواسته می‌شود بر اساس نحوه قرارگیری افراد در صحنه، داستان یا ماجرای را روایت کنند. این روش تا حدی شبیه روش «لکه و جوهر» رورشاخ است که برای آزمون شخصیت استفاده می‌شود.

البته به فراخور حال و هوای کلاس می‌توانیم فعالیت‌های متنوع دیگری را نیز ترتیب دهیم و با این ترفندها کلاس را به فضای بانشاط یادگیری بدل کنیم.



نمایش‌های داستانی

فرصتی برای تحلیل و تفکر

سید میثم موسوی

تصویرگر

نویسنده: کارل میلر و جولیان ساکستون^۱

مترجم: دکتر یدالله آقاعباسی



داستانی و دنیای واقعی تجربه‌های روزمره هنرجویان، از طریق انواع تدبیرها بنا می‌شود. خود آن‌ها دسترسی‌ها را برقرار می‌کنند. انگار وقتی دارند تجربه می‌کنند، دارند کار می‌کنند و این کار را تمام کلاس به‌طور مشترک انجام می‌دهند.

به عقیده دیوید بوت، نمایش داستانی «بازی نقش بداهه‌سازی شده‌ای است که داستانی آن را به کار انداخته است» (Booth, 2005:8). ساختارهای نمایشی به روایتی اشاره دارند که در آن ممکن است «کل» به بخش‌هایی تقسیم شود (میلر و ساکستون، ۲۰۰۴). ما در ساختارهای نمایش داستانی از سرشت فی‌البداهگی کلاس درس که شبیه روایت است استفاده می‌کنیم. این روایت، برای کار ما، از کتاب‌های تصویری کودکان گرفته می‌شود که در آن‌ها تصویرها غالباً مفاهیم ویژه متن را بازی می‌کنند.

کتاب‌های تصویری کودکان از نخستین سال‌های تربیت مربی بخشی از برنامه هنرهای زبانی بوده‌اند. از این‌رو، مربیان جوان با استفاده مناسب از آن‌ها در کلاس درس آشنا هستند. از سوی دیگر، نمایش جزئی اساسی از برنامه درسی است، اما حوزه‌ای نیست که خیلی از آموزگاران در آن تجربه داشته باشند. آمیختن هنر سهل و ممتنع نمایش با درس شناخته‌شده دیگری از برنامه درسی، رویکردی طبیعی بود. ساختارها به‌عنوان چارچوب‌های سازمانی کاملی به آموزگاران کمک می‌کنند و به‌عنوان مجموعه‌هایی از بخش‌هایی (یا فعالیت‌هایی) طراحی شده‌اند، که با دستورالعمل‌های خاصی به یاری مربیان می‌آیند.

پرسش و تأمل در هر فعالیتی نقش کلیدی دارد. پرسش‌ها تفکر گسترده‌ای برمی‌انگیزند و همین‌طور فرصت‌هایی برای کاربرد شخصی و عمومی ایجاد می‌کنند و تأمل، مایه در نظر گرفتن کاری است که در عمل روی داده است. آن‌ها در سطح معنا نشان می‌دهند که احتمالات بعدی چیست.

کلیدواژه‌ها: نمایش کلاس درس، تعلیم و تربیت، هنرهای زبانی، یادگیری نمایش، روایت

گاوین بولتون (۱۹۸۴)، نوآور نمایشی، بیست‌وپنج سال پیش، زمانی که مشغول بحث در مورد جایگاه نمایش در کانون برنامه درسی بود، قدرت نمایش را تشخیص داد. او به‌جای اینکه تکلیف‌های درسی را صرفاً به چشم ظرفیت‌هایی بنگرد که هیچ ربطی به زندگی خارج از مدرسه دانش‌آموزان ندارند، با همراهی **دوروتی هیت کوت** (۲۰۰۳)، نمایش را برای پیوند زدن رشته‌ها و موضوع‌های گوناگون به کار برد. آن‌ها متن‌هایی آموزشی نوشتند که در آن‌ها دانش‌آموزان مهارت‌های مربوط به سواد خود را در حالت‌های گوناگون موقعیت‌هایی به کار بگیرند که مشارکت آن‌ها را می‌طلبد. این به‌نوعی «کارورزی در صورت‌های خیلی ویژه زبان‌ها و سواد

اجتماعی است که در خارج از کلاس درس ارائه می‌شود» (Hawkins, 2004). چیزی که نمایش را به آموزشی سرشار تبدیل می‌کند. کار خود ما در آموزش نمایش پر از گفت‌وگو درباره تعلیم و تربیت و چگونگی کمک ما به رشد مربیان و هنرجویان است. مهم نیست ما چه چیزی یا به چه کسی می‌آموزیم. نمایش همیشه جزئی جدانشدنی از کار کلاسی ماست. ساختارهای نمایش داستانی از نیاز برای کمک به آمادگی مربیان شکل گرفته است تا اعتماد به نفس پیدا کنند و در طول دوره به کاربران لایق نمایش تبدیل شوند. در ساختارهای نمایش داستانی دو جهان ساختگی وجود دارد: یکی را آنکه متن داستان فراهم کرده و دیگری را آن‌ها که در متن داستان بازی می‌کنند و جهان‌ها را برای بازتاب اندیشه‌ها و اعمال خود از نو چارچوب‌بندی می‌کنند، می‌آفرینند. پل بین جهان



**داستان خوب
تخیل کودکان را
گسترش می‌دهد
و «به آن‌ها
کمک می‌کند از
زندگی‌های خود
معنا بسازند»**



باید به نحوی برنامه درسی را به برنامه درسی «پنهان» یادگیری اجتماعی و فرهنگی که **هوارد گاردنر** (۱۹۹۹) به عنوان مهم ترین بخش برنامه به آن استناد می کند، ربط دهند. **کاترین پاترسن**^۲ می نویسد، داستان خوب تخیل کودکان را گسترش می دهد و «به آن ها کمک می کند از زندگی های خود معنا بسازند». درعین حال، آن ها را ترغیب می کند به کسانی بیندیشند که زندگی شان کاملاً از زندگی آن ها متفاوت است (Ewing, Miller & Saxton, 2008:122).

برای مثال، این ها یادداشتهای اولیه و سه تا از فعالیت های مقدماتی از کتاب «حالا بنویس» در نگارش

یکی از چالش های نمایش مؤثر، ایجاد انسجام از طریق ربط دادن تدبیرهاست. در ساختارهای نمایش داستانی، ارتباطات به روشنی اعلام شده اند و داستان غالباً از طریق روایت مربی، همچنان که معنا عمق پیدا می کند، پیش می رود.

مربیان کارآموز ما با استفاده از نمایش و کتاب های تصویری کم کم می فهمند که این ساختارها چگونه ابزاری قوی از برنامه های یکپارچه فراهم می کنند و هر داستان مثل ذره بینی عمل می کند که شرایط بشر، اعم از شرایط تاریخی، اجتماعی یا فردی را نشان می دهد. داستان هایی که متنی برای ساختارهای نمایش هستند،

نمایش‌نامه داستانی بر اساس داستان «انشأ» اثر آنتونیو سکارمتا^۵ و با تصویرگری آلفونسو روانو^۶ است:

چرا این داستان را برگزیده‌ایم؟

- این یک داستان بزرگسالانه است که از دیدگاه یک کودک نوشته شده است.
- داستان کشمکش‌های را به تصویر می‌کشد که مردم در یک حکومت استبدادی تجربه می‌کنند.
- با بردن داستان به فضای کشور و فرهنگی دیگر، فاصله‌ای ایجاد می‌شود که بررسی موضوع‌های خطرناک امکان‌پذیر می‌شود.

- این داستان رویکردی بین‌رشته‌ای برای مطالعات اجتماعی و درس ضمنی رفتار اخلاقی فراهم می‌کند.

- این تصویرها موقعیت‌هایی بسیار مناسب برای تفسیر و موضع‌گیری هستند. بخش بزرگی از متنی غیرگفتاری دارد که باید خواند و فضاهای زیادی برای جولان تخیل ایجاد می‌کند.

- داستان «انشأ» برنده جایزه کتاب «امریکوس»^۷ و جایزه «جین آدامز»^۸ برای بهترین کتاب تصویری شده که صلح و عدالت اجتماعی را ارتقا می‌دهند.
نکته‌ها و پرسش‌های مهم داستان:
- راه‌های زیادی برای اعمال قدرت و کنترل وجود دارند.

- چه زمانی ضرورت درگیر شدن پیش می‌آید؟

- استبدادها چگونه می‌توانند رشد کنند؟

- چه انگیزه‌ای باعث تصمیم برای موضع‌گیری می‌شود؟

- چه علت‌هایی باعث می‌شود شخص، تماشاچی بماند؟

۱. آنچه پدر و نوشت (دو دقیقه)

گروه‌بندی: کل کلاس

شیوه: بلندخوانی

راه‌نما: نسخه‌ای از نوشته پدر و

تمرکز: بر ورود به داستان

معلم: داستانی که می‌خواهیم کار کنیم، ماجرای است که امروزه در جایی هزاران فرسنگ دور از ما و زندگی ما رخ می‌دهد. با این حال، در مورد چیزی است که همه ما با آن آشنایییم. دوست دارم با دقت به این قطعه انتخابی گوش بدهید. ما از میان این واژگان کار خود را آغاز می‌کنیم: (معلم دو صفحه آخر نوشته پدر و را می‌خواند.)

معلم: آیا لازم است دوباره آن را بخوانم؟
(پاسخ‌ها مثبت است)

۲. دیدن جهانی که پدر و در آن زندگی می‌کند (دو دقیقه).

گروه‌بندی: اندازه گروه به مهارت‌های گروهی دانش‌آموزان شما بستگی دارد. دانش‌آموزان بزرگ‌تر را به چهار گروه و کوچک‌ترها را به شش گروه تقسیم کنید.

شیوه: استفاده از تابلوها

راه‌نما: نسخه‌ای از نوشته برای هر گروه

تمرکز: بر دیدن جهانی که پدر و در آن زندگی می‌کند.

معلم: لطفاً به گروه‌های مساوی تقسیم شوید. دوتا گروه الف و دوتا گروه ب (و دوتا گروه ج). هر گروه بر اساس نوشته پدر و تابلویی درست می‌کند. هر گروه گروه دیگری را در کنار دارد که همان دستورها را اجرا می‌کند. کارها تخیل زیادی را می‌طلبند، چون شما دارید مهارت‌های برداشت را به کار می‌برید. هر گروه برداشت خود را به صورت تصویری ثابت (تابلو) عرضه می‌کند. همه باید در این تابلو باشند و تا آنجا که می‌شود اندیشه‌های شما را مجسم کنند. بعضی از آن اندیشه‌ها ممکن است متناقض به نظر برسند. در نمایش غالباً بیشترین چیزها را از همین جا می‌آموزیم.

معلم: هر دو گروه الف لطفاً بایستند. از نوشته‌های پدر و در مورد زندگی خانوادگی او چه می‌فهمید؟ از نحوه گذران خانواده او با هم تابلویی درست کنید.

هر دو گروه ب لطفاً بایستید. از نوشته پدر و در مورد مدرسه او و راه و رسم آن چه می‌فهمید؟ تابلوی شما نوع کلاسی را که ما باید ببینیم، به ما نشان خواهد داد.

هر دو گروه ج لطفاً بایستید. نوشته پدر و در مورد معلم‌هایی که چنین تکلیفی به او می‌دهند، چه می‌گویید؟ آیا تابلوی شما چیزی در این مورد به ما می‌گوید؟

برای دانش‌آموزان بزرگ‌تر یا کلاس‌های وسیع‌تر خیلی کارهای دیگر هم می‌توان کرد. مثلاً:

معلم: هر دو گروه ه لطفاً بایستید. داستان پدر و در چه جامعه‌ای ممکن است روی دهد؟ از چه واژگانی برای توصیف این جامعه استفاده می‌کنید و چگونه آن را در یک تابلو نشان می‌دهید؟

معلم: برای تولید اندیشه‌های خود و جست‌وجو در آن‌ها سه دقیقه وقت دارید. خیلی برای حرف زدن وقت نگذارید. هر چه می‌توانید زودتر از جا برخیزید. چون این راه خوبی برای انگیزش اندیشیدن است.

هلن نیکلسون (۲۰۰۸) می‌گوید: «ترکیب کنش و واکنش که ویژگی نوآورانه‌ترین شکل آموزش است،



فعالیت‌ها باید آن قدر متنوع باشند که دانش‌آموزانی با نیازها، سلیقه‌ها، توانایی‌ها و سبک‌های متفاوت یادگیری بتوانند از آن‌ها بهره بگیرند و احساس رضایت و موفقیت کنند



دانشگاه ویکتوریاست که در سطح جهان به‌عنوان پژوهشگر، کنشگر و نویسنده شهرت دارد.

2. key question and statement
3. Kathrine Paterson
4. Antonio Skarmeta
5. Alfonso ruano
6. Composition
7. Americus Book Award
8. Jane Adams

منابع

1. Bolton, G. (1984). *Drama as education: An argument for placing drama at the centre of the curriculum*. Essex, UK: Longman.
2. Bolton, G. (2003). *Dorothy Heathcote's story: The biography of a remarkable drama teacher*. Staffordshire, UK: Trentham Books.
3. Booth, D. (2005). *Story drama: Creating stories through role-playing, improvising and reading aloud*. Markham, ON: Pembroke.
4. Ewing, R., Miller, C., & Saxton, J. (2008). Drama and contemporary picture books in the middle years. In M. Anderson, J. Hughes, & J. Manuel (Eds.), *Drama and English teaching: Imagination, action and engagement* (pp. 121–135). Sydney, NSW: Oxford.
5. Gardner, H. (1999). *The disciplined mind: What all students should understand*. New York: Simon & Schuster.
6. Hawkins, M. R. (2004). Researching English language and literacy development in schools. *Educational Researcher*, 33(3), 14–25.
7. Holden, J. (1994). Fear of flying. *Broadsheet: The Journal for Drama in Education*, 10(3), 2–12.
8. Miller, C., & Saxton, J. (2004). *Into the story: Language in action through drama*. Portsmouth, NH: Heinemann.
9. Nicholson, H. (2008). Narrative, drama and the English classroom. In M. Anderson, J. Hughes, & J. Manuel (Eds.), *Drama and English teaching: Imagination, action and engagement* (pp. 104–120). Sydney, NSW, Australia: Oxford.
10. Carole Miller, Associate Professor in the Department of Curriculum & Instruction, Faculty of Education, University of Victoria; internationally recognized scholar/practitioner and writer.
11. Juliana Saxton, Professor Emeritus, Department of Theatre, University of Victoria; scholar/practitioner; author of *Applied Theatre: International Case Studies and Challenges for Practice*.

بچه‌ها را به کشف معناهایی تشویق می‌کند که در روند فرح‌انگیزی نمایش ایجاد می‌شوند» (ص ۱۰۸)، اما این فرح‌انگیزی گاهی برای مریبان تازه‌کار به تهدید تبدیل می‌شود. پس چگونه باید تجربه این کار را پیدا کرد؟ از زمانی که کتاب‌های آشپزی منتشر شده‌اند، مورد استقبال آشپزهای تازه‌کار بوده‌اند. این کتاب‌ها برای عروسان جوان نیز هدیه‌ای ارزشمند بودند. این کتاب‌ها به ما امکان می‌دهند بدانیم که غذا چگونه خواهد شد و چه چیزهایی را باید از بقالی بخریم و چقدر وقت نیاز داریم و امثال آن. آن‌ها به ما اعتمادبه‌نفس می‌دهند تا از پختن فراتر برویم. همچنین به ما اعتمادبه‌نفس می‌دهند که وقتی در موقعیتی قرار می‌گیریم، بر اساس آنچه قبلاً پخته‌ایم و در آن تجربه داریم، چیز جدیدی ابداع کنیم و این مهم است. در هر حرفه‌ای ما بر دستورالعمل‌های واضح تکیه می‌کنیم تا به‌نحوه شروع آن کار پی ببریم. در تجربه‌ها هم، چه آن‌ها که مربی تربیت می‌کنند و چه سایر آموزگاران، نیازمند نوعی پشتیبانی از جنس دستورالعملی هستند.

ما در نمایش فرصت داریم توجه هنرجویان را به چیزی جلب کنیم که آن‌ها با چشم‌های خود به آن گوش می‌دهند و با گوش‌های خود آن را می‌بینند و آن کنش نمایشی است. مجموعه‌ای از حرکت و معنا؛ عملی که زیر کلمات و حرکات است. هنرجویانی که برانگیخته از احساس درگیری و سرگرمی، از سر کنجکاوی، در ساختار نمایش داستانی کار می‌کنند، درمی‌یابند که با «خود»های متفاوتشان در نقش‌های نوین و در روشنایی‌های جهانی ممکن، خودشان را تمرین می‌کنند؛ جهانی که داستان آن را پیشنهاد کرده، اما متعلق به آن‌هاست.

پی‌نوشت‌ها

1. Carole Miller and Juliana Saxton

جولیاناساکستون استاد بازنشسته بخش نمایش دانشگاه ویکتوریا، پژوهشگر، کنشگر و نویسنده کتاب «نمایش کاربردی: مطالعات موردی بین‌المللی و چالش‌های عملی» است. کارل میلر دانشیار برنامه‌ریزی بخش علوم تربیتی



ترکیب نمایش و

فناوری‌های نوین رسانه‌ای

امی پترسن جنسن



ترجمه سهند زرشکیان

(دیکسون، ۲۰۰۷: ۱۵-۱۴). فناوری‌های دیجیتال بر اجرای غیرخطی نمایش، تکه‌تکه کردن زمان و مکان، و گسترش چشمگیر نمایش زنده تأثیر زیادی گذاشته‌اند (آوسلاندر، ۱۹۹۹).

استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای خلق و اجرای نمایش‌هایی که برای مخاطبان نوجوان تهیه می‌شوند، مزیت‌های زیادی در پی دارد. مثلاً برخی شرکت‌های بین‌المللی که در حوزه سرگرمی‌های آموزشی فعالیت می‌کنند، برنامه‌های تلویزیونی مشهوری همچون «دورای کاشف» یا «گلوله‌های آبی» را بازتولید کرده‌اند تا با بهره‌گیری از آثار مشهور و پرفرمدار، از همراهی مخاطبان جدید در نقاط گوناگون برخوردار شوند. از سوی دیگر، برخی مؤسسات برگزارکننده نمایش برای نوجوانان، آثاری خلق می‌کنند که با کمک آن‌ها مخاطبان را در تجربه‌های فناورانه جدید با خود همراه می‌کنند. همچنین، شرایطی فراهم می‌کنند که شخصیت‌های داستانی را در موقعیت‌های برخط یا دیجیتال قرار دهند تا بدین صورت درون‌مایه‌های نوین و مسائلی را که به واسطه فناوری‌های جدید خلق می‌شوند، کشف و بررسی کنند.

در قرن بیست‌ویکم در سرتاسر جهان علاقه‌های مشترک جدیدی برای استفاده از رسانه‌های نوین

نمایش و فناوری‌های دیجیتال

نقش فناوری‌های دیجیتال در دوران معاصر غیرقابل چشم‌پوشی است. فناوری‌های دیجیتال فراگیر شده‌اند و در جامعه‌های امروزی نقش مهمی بازی می‌کنند. امروزه استفاده از تلفن همراه، حضور و فعالیت در شبکه‌های اجتماعی و بهره‌گیری از فناوری‌های برخط بر تعامل و مراوده‌های اجتماعی روزمره اکثر افراد تأثیر بسزایی می‌گذارد. فناوری‌های نوین شرایطی فراهم کرده‌اند که افراد هر زمان که اراده کنند، به اطلاعات موردنیازشان دسترسی داشته باشند، از توان ارسال و دریافت محتوا برخوردار شوند و همه‌جا و همه‌وقت با افراد دیگر ارتباط برقرار کنند.

فناوری‌های دیجیتال در عرصه نمایش نیز بسیار تأثیرگذارند. امروزه با استفاده از فناوری‌های دیجیتال نمایش‌های پرشماری تهیه و پخش می‌شوند. فعالان عرصه نمایش به راه‌های گوناگون از فناوری‌های ارتباطی استفاده می‌کنند و با کمک آن‌ها درک و دریافت از مفاهیم مربوط به زمان، مکان و نمایش را ارتقا می‌دهند. محققان بر این باورند، تولید فیلم در اواخر دهه ۱۹۰۰ و تبعات ناشی از فراگیری این فناوری شرایطی فراهم ساخت که نمایش در ابعاد گوناگون رشد و گسترش پیدا کند



استفاده می‌کنند تا با هویت‌های گوناگون آشنا شوند، روش‌های جدید ایجاد ارتباط را فراگیرند و محدودیت‌های زمانی و مکانی در تعاملات شخصی‌شان را کشف و بررسی کنند.



این سواد نوین (نمایش)، برای هدایت و پیشبرد فرهنگ معاصر ضرورت دارد

رسانه‌های جدید و سواد نوین در عرصه نمایش آموزشی

با توجه به پدیده جهانی شدن و نقش ابزارهای نوین دیجیتال که بر تسهیل آموزش و یادگیری کارآمد تأثیر می‌گذارند، لازم است معلمان با قابلیت‌ها و امکانات ارتباطی چندوجهی معاصر آشنا شوند (کالانتزیس، ۲۰۰۵).

در عرصه هنرهای زیبا و هنرهای نمایشی نیز آموزگاران شروع به استفاده از فناوری‌های نوین کرده‌اند. آموزگاران در پی استفاده از روش‌های نوینی هستند که ترکیبی از رسانه‌های جدید و قالب‌های هنری را شامل می‌شوند و می‌توانند کارایی و بازده کلاس‌های درس را ارتقا دهند. هنر برای کمک به کودکان به‌منظور مقابله با چالش‌های جهان دیجیتال، نقش مهمی ایفا می‌کنند و آموزش سواد دیجیتال باید یکی از عناصر اصلی تحصیلات هنری معاصر محسوب شود. به خاطر استفاده روزمره افراد

و فناوری‌های رسانه‌ای برای تولید و اجرای نمایش ایجاد شده‌اند. **هنری جنگینز**، محقق حوزه رسانه، ترکیب رسانه‌های متنوع در دوران معاصر را نشانی از این واقعیت می‌داند که افراد در کشورهای گوناگون در عصر معاصر در یک جامعه بین‌المللی فرهنگی همگرا زندگی می‌کنند. جنگینز معتقد است، در این عرصه ذهنی و فرهنگی جدید، تهیه‌کنندگان و مخاطبان در معرض گستره وسیعی از فناوری‌های نوین قرار گرفته‌اند که آن‌ها را توانمند می‌کند تا محتویات رسانه‌های متعدد را بایگانی، تفسیر، ضبط و بازنشر کنند. همچنین، فناوری‌های نوین روش‌هایی را که مخاطبان می‌توانند از طریق آن‌ها با نهادهای دولتی و آموزشی و تجاری تعامل داشته باشند، تغییر داده‌اند. شکل‌گیری جامعه فرهنگی همگرا فرصتی فراهم ساخته است تا ساختارهای فرهنگی به‌صورت قابل توجهی تغییر کنند؛ به‌گونه‌ای که جوانان بتوانند در عرصه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تجربه‌های مشارکتی بیشتری داشته باشند

جوانان در جامعه فرهنگی همگرا مشارکت فعال دارند و در آن با ابزارها و مفاهیم فناورانه‌ای که به ایجاد همگرایی در محیط‌های بیرون مدرسه منجر می‌شوند، آشنا می‌شوند. آن‌ها از ابزارهای دیجیتال



تعاملات جدید و گسترش سواد نوین، علاقه‌های دانش‌آموزان را برانگیزند.

حال سؤال این است که منظور از سواد نوین چیست؟ می‌توان گفت، سواد نوین مهارت‌هایی است که به دانش‌آموزان در خصوص نحوه مشارکت فعال در اجتماع کمک کنند. به نظر جنکینز، مهارت‌های مذکور عبارت‌اند از:

- توان آزمودن محیط اطراف و تجربه‌ورزی در آن، به‌مثابه روشی برای حل مسئله؛
- توان مطابقت با هویت‌های دیگر، به‌منظور بروز ابتکار و اکتشاف؛
- توان ایجاد مدل‌هایی پویا از فرایندهای زندگی واقعی و تفسیر آن‌ها؛

از رسانه‌های جدید، توسعه برنامه‌های آموزشی و شناخت روش‌های نوین آموزش و یادگیری در عرصه آموزش هنر، باید مدنظر قرار بگیرند.

از آنجا که فناوری‌های نوین بر جامعه ما تأثیر بسزایی می‌گذارند و غالباً از توان افراد برای ارزیابی و فهم مناسب کارکردهایشان پیش می‌افتند، جوانان باید در تعامل با شکل‌های رسانه‌ای جدید هوشیار و فعال باشند. آموزش هنر، به‌خصوص آموزش نمایش، برای ارتقا و گسترش تعاملات معلمان و دانش‌آموزان از موقعیت ویژه‌ای برخوردار است و فراگیری این سواد نوین برای هدایت و پیشبرد فرهنگ معاصر ضرورت دارد. آموزگاران عرصه هنر باید به‌گونه‌ای مؤثر، از طریق ایجاد و گسترش

سواد دیجیتال در کلاس‌های آموزش نمایش

شخصیت‌پردازی و قرار دادن شخصیت‌ها در موقعیت‌های گوناگون، از دیرباز از ویژگی‌های اساسی هنر نمایش بوده است. در حالی که پیرامون اثرات مثبت و منفی فناوری‌های دیجیتال و رسانه‌ای کردن نمایش کماکان بحث و جدل‌های متعددی مطرح است، شکی نیست که استفاده از فناوری‌های نوین و ایجاد ساختارهای اجتماعی جدیدی که توسط آن‌ها ایجاد می‌شوند، رو به افزایش است و در سرتاسر جهان بسیار گسترش یافته است. باید در نظر داشت، تعاملات و ارتباطات دیجیتال، جهان ما را یکسره متأثر ساخته و تغییر داده‌اند. در عین حال، برگزارکنندگان برنامه‌های آموزش نمایش و درام تمایل دارند از محیط‌ها و قابلیت‌های دیجیتال بهره‌مند شوند. زیرا این فناوری‌ها و ابزارها به صورت مستقیم بر درک و شناخت دانش‌آموزان از زمان و مکان تأثیر می‌گذارند. فناوری‌های نوین فرصت‌های متعددی فراهم می‌کنند تا آثاری خلق شوند که مخاطبان جوان بتوانند با آن‌ها ارتباط برقرار کنند.

در عصر حاضر، بخش زیادی از زندگی دانش‌آموزان دیجیتال شده است و بسیاری از جامعه‌ها و گروه‌هایی که دانش‌آموزان به آن‌ها تعلق دارند، واجد ماهیت رسانه‌ای هستند. داستان‌های دیجیتال داستان‌هایی هستند که مخاطبان جوان خوش دارند بشنوند و هنرمندان جوان علاقه دارند روایت کنند. داستان‌های دیجیتال از زندگی، جهان، جامعه‌ها و گروه‌هایی برآمده‌اند که جوانان در آن‌ها و با آن‌ها زندگی می‌کنند. از این رو، باید بیش از پیش به کسب و ارتقای سواد دیجیتال در کلاس‌های آموزش نمایش اهمیت داد و اسباب رشد و گسترش آن را میسر کرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. از جمله شرکت Nickelodeon

2. play

3. performance

۴. روشی برای آموزش و یادگیری که در آن دانش‌آموزان و معلمان گاهی حین انجام وظایفشان، به منظور تحقق اهداف از پیش تعیین شده، نقش بازی می‌کنند.

منبع

1. Key Concepts in theatre/Drama education. shifra Schonmann. Seme publishers. 2011.

• توان نمونه‌برداری (الگوبرداری و آزمایش) محتویات رسانه‌ای و ترکیب مجدد آن‌ها؛
• توان استفاده مؤثر از ابزارهایی که ظرفیت‌های ذهنی را گسترش می‌دهند؛
• توان ذخیره دانش و مقایسه دانسته‌ها با دیگران، به منظور تحقق یک هدف مشترک؛
• توان ارزیابی اعتبار منابع اطلاعاتی گوناگون؛
• توان پیگیری جریان داستان‌ها و اطلاعات در میان ابزارهای گوناگون؛
• توان جست‌وجو، ترکیب و انتشار اطلاعات؛
• توان آمد و شد بین گروه‌های متعدد و اطلاع از هنجارهای جدید.

همان‌طور که جنکینز اشاره کرده است، سواد رسانه‌ای نوین، با بسیاری از اهداف نمایش فرایندی^۴ و نمایش کاربردی هم‌راستا است. طوری که می‌توانند به گونه‌ای مؤثر و کارآمد به دانش‌آموزان کمک کنند مهارت‌های اجتماعی‌شان را از طریق همکاری و شبکه‌سازی بهبود بخشند. همچنین مهارت‌های تحقیقاتی و فنی کسب کنند و توان ارزیابی و تفکرشان را گسترش دهند. این دو، در ترکیب با هم، برای آموزگاران فرصتی فراهم می‌کنند تا با دانش‌آموزانی ارتباط برقرار کنند که هر روز بیش از پیش به نقشی که فناوری در زندگی روزمره‌شان بازی می‌کند، علاقه‌مند شوند.

فناوری‌های دیجیتال و نمایش دراماتیک

نمونه‌ای که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود، نظریات جنکینز را درباره نحوه ارتباط تعاملات مشارکتی و استفاده از رسانه‌های جدید (که به گونه‌ای مؤثر بر عرصه نمایش (درام) تأثیر می‌گذارند)، تأیید می‌کنند.

این نمونه نشان می‌دهد، چگونه اصول نمایش، اجرا، هوش جمعی و مذاکره می‌توانند در ساختاری به کار گرفته شوند که در آن رسانه و نمایش با هم ترکیب می‌شوند. سال ۲۰۰۰ بخش نمایش دانشگاه آریزونا، پیرو برنامه تصویر و صدا در ایالات متحده آمریکا، یک نمایش نوین جمع‌محور تولید کرد و به اجرا درآورد. برنامه تصویر و صدا در پی آن طراحی می‌شود و به اجرا درمی‌آید تا نمایش و ابزارهای رسانه‌ای جدید را با هم ترکیب کند و بدین طریق شرایطی برای ایجاد و ادامه گفت‌وگو بین دانشجویان و گروه‌هایی اجتماعی که به آن‌ها تعلق دارند، فراهم کند.

مرکز ملی اسیتز ایران

۱۳۵۲-۱۴۰۲

سمیه نخستین

کارشناس امور بین الملل



تاریخچه اسیتز بین الملل

انجمن بین المللی تئاتر و هنرهای نمایشی کودک و نوجوان با نام اختصاری ASSITEJ در سال ۱۹۶۵ میلادی (۱۳۴۴ خورشیدی) در پاریس و با حضور ۲۵ کشور تأسیس شد. در حال حاضر بیش از ۱۰۰ کشور عضو فعال این سازمان هستند که پس از پذیرفتن شرایط و پرداخت حق عضویت سالانه، و ارائه سوابق فعالیت‌ها، به شکل حقیقی یا حقوقی به عضویت این سازمان درآمده‌اند. مقر فعلی این سازمان در دانمارک است و در حال حاضر خانم سو گیلز از کشور استرالیا ریاست سازمان بین المللی اسیتز را به عهده دارد.

هدف‌های سازمان

از آنجا که هنر نمایش همیشه بیانگر احساسات عمومی بشر بوده و از چنان توانایی و تأثیرگذاری برخوردار است که می‌تواند گروه‌های بزرگی از مردم جهان را برای خدمت به صلح به یکدیگر پیوند دهد، این سازمان نیز با هدف اصلی متحد کردن مراکز و شخصیت‌های نمایشی که در سراسر دنیا زندگی خود را وقف رشد و توسعه نمایش کودک و نوجوان کرده‌اند، برپا شده است که اهداف آن عبارتند از:

- شناسایی و به رسمیت شناختن نمایش کودک و نوجوان؛
- ایجاد زمینه مساعد برای آشنایی هنرمندان فرهنگ‌ها،

ملیت‌ها و قومیت‌های گوناگون با یکدیگر، به منظور غنی‌سازی نمایش کودک و نوجوان کشورشان؛

- کمک به تشکیل مراکز ملی اسیتز کشورها؛
- حفظ حقوق کودک و نوجوان در ارتباط با تجارب هنری که ویژه آن‌ها طراحی و خلق شده است؛
- بهبود موقعیت‌های نمایشی خاص کودک و نوجوان.

فعالیت‌ها

این سازمان برای دستیابی به اهداف مورد نظر، از واسطه‌هایی همچون برگزاری کنگره‌ها، کنفرانس‌ها، جشنواره‌ها، کلاس‌های آموزشی و نمایشگاه‌ها بهره می‌جوید. سایر فعالیت‌های بین المللی این سازمان، شرکت در پروژه‌ها، طبع و نشر مجله‌ها و کتاب‌های مرتبط با نمایش برای کودکان و نوجوانان، تشویق به ترجمه و تبادل نمایش متن نمایشی یا سایر آثار ادبی مرتبط با نمایش کودکان، تأسیس مراکزهای تحقیقاتی و مرکزی نظیر کتابخانه‌ها، موزه‌ها و غیره است که موضوع‌های آن‌ها نمایش برای کودکان باشد و شرایط توسعه و تبادل اطلاعات و تجربه‌ها را فراهم آورند.

مرکز ملی اسیتز ایران

مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۵۱ تقاضای عضویت خود را به سازمان بین المللی اسیتز ارائه کرد و در سال ۱۳۵۲ به طور رسمی به عضویت



- واسطه‌ای تربیتی به نام تئاتر؛
۵. تثبیت جایگاه تئاتر کودک و نوجوان به‌عنوان یک شاخه تخصصی و کاربردی؛
 ۶. ایجاد شبکه‌ای علمی پژوهشی در حوزه تئاتر کودک و نوجوان با حضور دست‌اندرکاران این شاخه؛
 ۷. آموزش دست‌اندرکاران متخصص در حوزه تئاتر کودک و نوجوان (درون سازمانی و برون سازمانی)؛
 ۸. تهیه، تدوین و گردآوری منابع کاربردی آموزشی در حوزه تئاتر کودک و نوجوان؛
 ۹. شناسایی دست‌اندرکاران تئاتر کودک و نوجوان و جلب مشارکت‌های ایشان در سطوح و شاخه‌های متفاوت؛
 ۱۰. توسعه و تعمیق تئاتر کودک و نوجوان و ترویج فعالیت‌های نمایشی در ابعاد کاربردی؛
 ۱۱. تثبیت جایگاه اسیتز به‌عنوان مرجع فعالیت‌های نمایشی برای کودک و نوجوان؛
 ۱۲. معرفی و تبادل دستاوردهای نمایشی ایران در حوزه آموزشی و پژوهشی با سایر کشورها؛
 ۱۳. شناسایی و معرفی شخصیت‌های متخصص و منابع مرجع در حوزه تئاتر کودک و نوجوان کشور به سراسر جهان.

فعالیت‌ها

۱. توسعه و ترویج تئاتر کودک و نوجوان از طریق برگزاری نشست، هم‌اندیشی علمی، پروژه‌های تخصصی، کارگاه‌های

این سازمان بین‌المللی در آمد. از آن سال تاکنون، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان با پرداخت حق عضویت سالانه، نماینده رسمی سازمان بین‌المللی اسیتز در ایران است. مرکز ملی اسیتز ایران پل ارتباطی اعضای اسیتز بین‌الملل و سازمان‌های فرهنگی و هنری و مجامع علمی پژوهشی کشورمان است که به واسطه بودجه یا سیاست‌هایی که آن سازمان‌ها دارند، نسبت به انجام فعالیت‌های نمایشی در حوزه کودک و نوجوان اقدام می‌کنند. لذا این پل ارتباطی می‌تواند در توسعه و ترویج نمایش کودک و نوجوان نقش بسزایی ایفا کند.

در حال حاضر، اسیتز ایران بیش از ۲۵۰ عضو دارد. متقاضیان و علاقه‌مندان به عضویت در آن، پس از تکمیل فرم و ارائه مدارک و مستندات، به‌طور رسمی به عضویت این مرکز در می‌آیند.

هدف‌ها و چشم‌اندازها

۱. متحد کردن سازمان‌های هنری و فرهنگی، مؤسسه‌ها و فعالان تئاتر کودک و نوجوان در ایران؛
۲. معرفی تئاتر کودک و نوجوان ایران به جهان و برعکس؛
۳. ایجاد زمینه و فرصت ارتباط و تبادل تجربه با گرایش‌های گوناگون برای فعالان تئاتر کودک و نوجوان در سطح ملی و بین‌المللی؛
۴. ارتقای آموزش‌های پایه و مهارت زندگی از طریق

- انتشار شماره‌های ۱ تا ۴ نشریه تخصصی نمایش کودک و نوجوان تجیر؛
 - برگزاری اولین بازار تئاتر کودک و نوجوان با حضور نمایندگان خارجی هفت کشور؛
 - حضور بیش از ۵۰ گروه نمایشی ایرانی در جشنواره‌های معتبر و متعدد خارجی و دریافت دیپلم افتخار؛
 - عضوگیری ۲۵۰ هنرمند برای انجمن اسیتز ایران؛
 - حضور فعال اسیتز ایران در همایش‌های جهانی اسیتز بین‌الملل (همایش جهانی که هر سه سال یکبار برای تعیین رئیس، دبیرکل، نایبرئیس، کمیته اجرایی یا همان هیئت مدیره، خزانه‌دار و... بر اساس رأی‌گیری اعضای این انجمن بین‌المللی نمایش کودک و نوجوان در کشورهای گوناگون برگزار می‌شود)؛

- انتخاب عضو فعال مرکز ملی اسیتز ایران به‌عنوان یکی از اعضای اصلی هیئت مدیره اسیتز بین‌الملل (سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴).

- حضور بیش از ۴۰ پژوهشگر و محقق ایرانی در هم‌اندیشی‌ها، همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی معتبر و متعدد خارجی؛

- حضور ۵ نماینده از اعضای اسیتز در پروژه‌های نسل بعدی اسیتز بین‌الملل کشورهای گوناگون (نامزدها از میان ۱۵۰ شرکت‌کننده از سراسر جهان انتخاب می‌شوند)، در کشورهایی مانند سوئد، آلمان، هند، پاکستان، ژاپن و...؛

- برگزاری چهار پروژه مشترک اسیتز ایران و کشورهای عضو اسیتز بین‌الملل؛

- کسب رتبه نخست پروژه نمایشنامه‌نویسی یک‌روزه اسیتز فرانسه توسط یکی از اعضای مرکز؛

- حضور در چهار دوره جشنواره نمایش کودک و نوجوان همدان (داوری، اهدای جوایز و همکاری در بخش بین‌الملل جشنواره)؛

- حضور در یک دوره جشنواره تئاتر کودک و نوجوان جیگی جیگی مشهد (همکاری در بخش بین‌الملل)؛

- حضور در دو دوره جشنواره تئاتر خیابانی میروان (داوری و اهدای جوایز)؛

- حضور در یک دوره جشنواره نمایش عروسکی کانون (بخش بین‌الملل جشنواره)؛

- دعوت از ۳۰ هنرمند و پژوهشگر خارجی برای حضور در جشنواره‌ها و برگزاری کارگاه‌های آموزشی؛

- حضور فعال در نشست‌های مجازی اسیتز بین‌الملل در حوزه آسیا و خاورمیانه.

علاقه‌مندان می‌توانند جهت دسترسی به آخرین اخبار مرکز ملی اسیتز ایران به وبگاه (سایت) www.assitejiran.ir مراجعه نمایند.



آموزشی عملی و نظری، همایش، ویژه‌برنامه‌های مناسبی یا هر فعالیتی در سطح ملی و بین‌المللی؛

۲. معرفی تئاتر کودک و نوجوان از طریق ترجمه و انتشار کتاب و مقاله، و حمایت از تولیدات ملی به‌منظور حضور در جشنواره‌های ملی و بین‌المللی؛

۳. معرفی و حمایت پژوهشگران و گروه‌های نمایشی برای حضور در مجامع علمی ملی و بین‌المللی، پروژه‌های مشترک با اعضای مراکز ملی عضو اسیتز بین‌الملل؛

۴. ایجاد شبکه ارتباطی برای فعالان تئاتر کودک از طریق تأسیس دفتر اسیتز در استان‌ها، عضوگیری، وبگاه اطلاع‌رسان، انتشار فراخوان در سطح ملی و بین‌المللی، خیرنامه‌ها، نشریه و...؛

۵. بهره‌مندی از ظرفیت‌های موجود در دستگاه‌های فرهنگی، مجمع‌های علمی برای تغذیه فکری و علمی گروه‌های نمایشی در قالب برگزاری ویژه‌برنامه‌های مشترک؛

۶. شرکت نمایندگان ایران در همایش‌های جهانی و مجمع‌های اسیتز بین‌الملل.

فعالیت‌های شاخص مرکز ملی اسیتز ایران از سال ۱۳۵۲ تا ۱۴۰۱

- برگزاری ۳۰ نشست تخصصی؛
- برگزاری حدود ۲۵ کارگاه آموزشی تخصصی ملی و بین‌المللی؛
- برگزاری چهار هم‌اندیشی تخصصی تئاتر کودک و نوجوان؛
- تولید کتاب‌های نمایش (درام) کاربردی ۱ و ۲ و ۳؛



سازمان بین‌المللی اسیتز با هدف اصلی متحد کردن مراکز و شخصیت‌های نمایشی که در سراسر دنیا زندگی خود را وقف رشد و توسعه تئاتر کودک و نوجوان کرده‌اند، برپا شده است



شخصیت‌های نمایشی و

هوش مصنوعی

ترکیبی شوق انگیز برای بهبود یادگیری

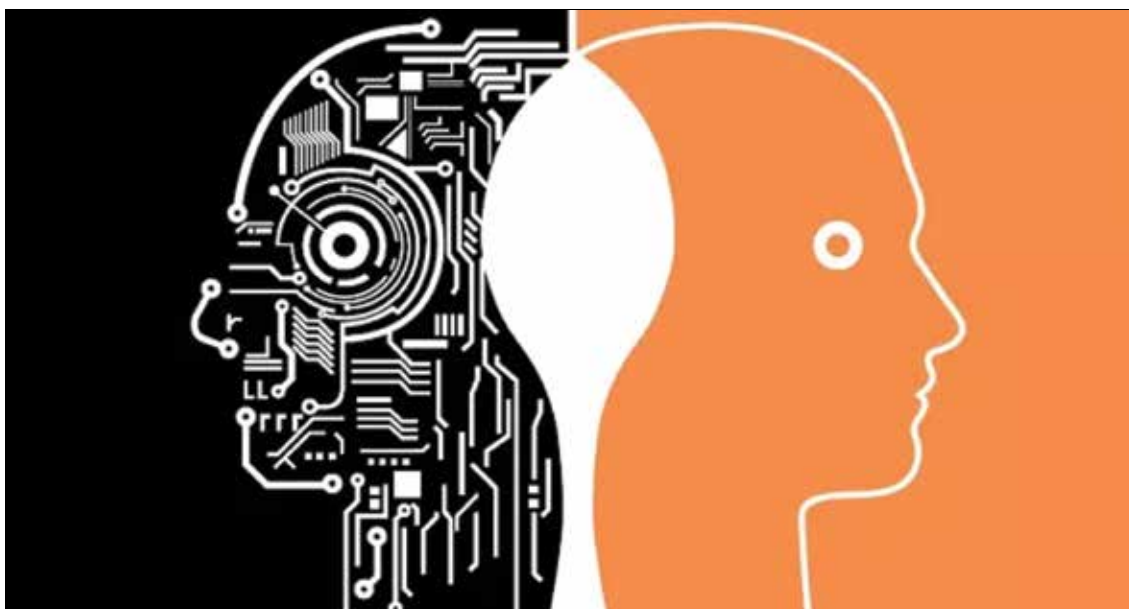
وحید گلستان



نامزد دکترای تکنولوژی آموزشی از دانشگاه علامه طباطبائی

اشاره

تعاملات نمایشی، علاوه بر ارائه محتوای آموزشی، قابلیت جلب توجه و ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان را دارند. از طرف دیگر، پیشرفت فناوری و به‌ویژه هوش مصنوعی، امکاناتی برای بهبود فرایند یادگیری و آموزش به وجود آورده است. در این مقاله نسبت هوش مصنوعی با نمایش، در فرایند یادگیری، بررسی می‌شود. به نظر می‌رسد، دانش‌آموزان با استفاده از هوش مصنوعی و شخصیت‌های نمایشی عملکرد بهتری خواهند داشت. معلمان هم می‌توانند با بهبود طرح‌های درسی خود، کیفیت تدریسشان را ارتقا دهند.



مرور چند پژوهش

مقاله «استفاده از شخصیت‌های مجازی برای آموزش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی به کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم» در این مقاله، ساخت شخصیت‌های مجازی با استفاده از هوش مصنوعی آمده و مشخص شده است که استفاده از شخصیت‌های مجازی

ساخته‌شده با هوش مصنوعی، در آموزش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی به کودکان دارای اختلال طیف اوتیسم، در عملکرد این کودکان بهبود قابل توجهی داشته است (Blanca, 2015).

مقاله «هوش مصنوعی در آموزش: وعده‌ها و پیامدهای آن برای آموزش و یادگیری» رویکردهای استفاده از هوش

می توان در ساخت و توسعه شخصیت‌های نمایشی به صورت دقیق تر به نیازهای دانش‌آموزان پاسخ داد و فرایند آموزش و یادگیری را بهبود بخشید. این تأثیر حتی در کودکان مبتلا به درخودماندگی هم مطالعه و تأیید شده است (Blanca, 2015).

تأثیر بر مهارت حل مسئله

با استفاده از شخصیت‌های نمایشی ساخته‌شده با هوش مصنوعی، دانش‌آموزان می‌توانند با یک شخصیت مجازی تعامل داشته باشند و در فرایند حل مسئله، با استفاده از نکات و راهکارهایی که از شخصیت‌های نمایشی دریافت می‌کنند، بهبود قابل توجهی را در مهارت‌های حل مسئله خود تجربه کنند (Zhang, 2020).

تأثیر بر رشد تفکر خلاقه و تفکر انتقادی

این شخصیت‌ها می‌توانند با ارائه چالش‌های متنوع و جذاب، دانش‌آموزان را به تفکر انتقادی و خلاقیت ترغیب کنند و آن‌ها را در فرایند حل مسئله و تصمیم‌گیری هوشمندانه یاری دهند. یک مطالعه در سال ۲۰۱۸ با عنوان «تأثیر شخصیت‌های نمایشی ساخته‌شده با هوش مصنوعی بر توانایی تفکر خلاق دانش‌آموزان» نشان داد، استفاده از این شخصیت‌ها می‌تواند توانایی تفکر خلاق دانش‌آموزان را بهبود بخشد. در این مطالعه، دانش‌آموزانی که با شخصیت‌های نمایشی هوش مصنوعی در فرایند یادگیری خود روبه‌رو شده بودند، در مقایسه با دانش‌آموزانی که از این شخصیت‌ها استفاده نکرده بودند، توانایی تفکر خلاق بیشتری داشتند (Gao et al. 2018).

تأثیر بر آموزش بازیگری و نمایش

بر اساس مطالعه‌ای که در سال ۲۰۱۹ با عنوان «استفاده از شخصیت‌های نمایشی ساخته‌شده با هوش مصنوعی در آموزش بازیگری» صورت گرفت، دانش‌آموزان مرتبط با این شخصیت‌ها، تعامل بهتری با محیط آموزشی و اعتمادبه‌نفس بیشتری در فرایند بازیگری داشتند (Osman, 2019). طبق مطالعه دیگری نیز که در سال ۲۰۲۰ انجام شد، استفاده از شخصیت‌های نمایشی می‌تواند به بهبود تمرکز و توجه دانش‌آموزان کمک کند (Sari, 2020).

طراحی آموزشی با هوش مصنوعی

هوش مصنوعی با توسعه نوعی ارزشیابی جدید، دسترسی به محتواهای الکترونیکی و به‌خصوص شخصی‌سازی محتوا، استفاده از فناوری‌های تعاملی و تحلیل داده‌های آموزشی، بسیار مستعد به کار گرفته شدن در طراحی‌های آموزشی جدید



مصنوعی در آموزش و پرورش را بررسی می‌کند و با توجه به رویکردهای متفاوت هوش مصنوعی، برای بهبود فرایند آموزش و یادگیری راهکارهایی را ارائه می‌دهد. همچنین اثرات مثبت و منفی استفاده از هوش مصنوعی در آموزش و پرورش و نیز چالش‌هایی را که با استفاده از هوش مصنوعی در این حوزه برای متخصصان آموزشی پیش می‌آیند، بررسی کرده است (Baker et al. 2014).

مقاله «نقش شخصیت‌ها در فرایند یادگیری با استفاده از فناوری‌های واقعیت مجازی و افزوده». در این مقاله اثرات مثبت و منفی استفاده از شخصیت‌های نمایشی در فرایند یادگیری بررسی شده‌اند و راهکارهای بهینه‌سازی استفاده از شخصیت‌های نمایشی در فرایند یادگیری با استفاده از فناوری‌های واقعیت مجازی و افزوده ارائه شده‌اند (Fox, 2018).

تأثیر بر خودشناسی

خودشناسی یکی از ساحت‌های پراهمیت تربیتی است. استفاده از شخصیت‌های نمایشی ساخته‌شده با هوش مصنوعی می‌تواند در این زمینه تأثیرگذار باشد. به این ترتیب که دانش‌آموزان می‌توانند با یک شخصیت مجازی تعامل داشته باشند و در فرایند آموزش و یادگیری، با استفاده از نکات و راهکارهایی که از شخصیت‌های نمایشی دریافت می‌کنند، به خودشناسی بهتری دست یابند (Mavridi, 2019; Zhang, 2020).

تأثیر بر مهارت‌های ارتباط اجتماعی، عاطفی و فردی شدن یادگیری

با استفاده از شخصیت‌های نمایشی، دانش‌آموزان می‌توانند در آموزش مهارت‌های اجتماعی و عاطفی با یک شخصیت مجازی تعامل داشته باشند و با توجه به نیازهای خود، بهبود حالت عاطفی و اجتماعی‌شان را تجربه کنند. به این ترتیب



دانش‌آموزان می‌توانند با یک شخصیت مجازی تعامل داشته باشند و در فرایند آموزش و یادگیری، با استفاده از نکات و راهکارهایی که از شخصیت‌های نمایشی دریافت می‌کنند، به خودشناسی بهتری دست یابند

است. برای نمونه، یک طراحی آموزشی با استفاده از ظرفیت چت بات «کاراکتر.آی» انجام شده است که با استفاده از الگوریتم‌های هوش مصنوعی، تجربه کاربری منحصر به فردی ایجاد می‌کند. به گونه‌ای که فرد را در مقابل شخصیت‌های آشنای فیلم‌ها و مجموعه‌های تلویزیونی محبوب او قرار می‌دهد و در حین ایجاد تعامل با شخصیت‌های مورد علاقه و دارای مختصات روان‌شناختی و فلسفی خاص، تجربه‌های ارتباط اجتماعی و عاطفی را توسعه می‌دهد و مهارت حل مسئله و تفکر خلاق را تقویت می‌کند.

«روش تو برای حل مسئله، که علاوه بر یافتن پاسخ، به احساس خوبی هم دست پیدا کنی، چیست؟»
این از جمله سؤال‌هایی بود که دانش‌آموزان با کمک دستیار هوش مصنوعی کاراکتر.آی از قهرمانان منتخب خودشان پرسیده بودند. پاسخ‌های شخصیت‌های نمایشی بسیار جالب و هیجان‌انگیز بود:

هری پاتر (در ۱۱ سالگی): من فکر می‌کنم شجاعت و روبه‌رو شدن با ترس‌های خود و مغلوب کردن آن‌ها بزرگ‌ترین احساس قهرمانی را در انسان‌ها به وجود می‌آورد...

شرلوک هولمز: حسم برای خود من خیلی مهم نیست، احساس قهرمانی همیشه از راه حل مسئله به وجود می‌آید...
هملت: برای به نتیجه رسیدن در یک موضوع و رسیدن به احساس قهرمانی، من معمولاً به دنبال راه‌هایی هستم که من دیگران را با هم به درک و فهم بهتر و عمیق‌تری برساند...
هری پاتر (در ۲۵ سالگی): ...استفاده از رویکردهای خلاقانه برای رسیدن به نتایج منفرد، در کنار تلاش و مصمم بودن برای نبرد با چالش‌های پیش رو، بزرگ‌ترین احساس قهرمانی را در من به وجود می‌آورد.

ای تی: برای حل مشکلات، این مهم است که مطمئن شوید تمام اطلاعات لازم را دارید، به‌طور منظم راه‌حل‌های ممکن را در نظر بگیرید و تا زمان نتیجه‌گیری ادامه دهید...
بت من: ... داوطلب انجام کار نیک برای همگان شوید... هدف‌هایی برای خود تعریف کنید...

جک اسپارو (دزدان دریایی کارائیب): من همیشه و در هر موقعیتی و به هر روشی فقط می‌خواهم که برنده باشم و هیچ‌کس رو بالاتر از خودم نمی‌بینم...
در پایان، سه نفر از بچه‌های کلاس که قبلاً ساعت‌های طولانی با شخصیت مورد علاقه‌شان گفت‌وگو کرده بودند، با نام و کلمه عبور خود وارد محیط هوش مصنوعی کاراکتر.آی شدند و دوباره همان سؤال را پرسیدند. با اینکه اصالت پاسخ‌ها عوض نشده بود، اما گفت‌وگوها کاملاً متفاوت و از جزئیات تازه‌ای خبر می‌داد که حاصل ارتباط شخصی‌شده قبلی این سه دانش‌آموز با شخصیت‌های مجازی بود.

گفت‌وگوی دانش‌آموز ۱ با شرلوک هولمز ۲: تنها راه

حل جرم این است که به عواقب، روش‌ها و شواهد فکر کرد...
من به تفکر منطقی اعتقاد دارم...

گفت‌وگوی دانش‌آموز ۲ با هری پاتر (۱۱ ساله):
روش من برای حل مشکل این است که ابتدا یک قدم به عقب برگردم و از دیدگاه‌های مختلف به مسئله نگاه کنم تا درک بهتری از آن به دست آوریم. سپس راه‌حل‌های ممکن را ارائه می‌کنم و مزایا و معایب هر کدام را می‌سنجیم...

گفت‌وگوی دانش‌آموز ۳ با جک اسپارو ۲:
اگر می‌خواهم یک مسئله را حل کنم، اولین چیز که باید بگذارم کنار، احساساتم است. اگر با احساساتم حرف بزنم، بازده خوبی نخواهم گرفت...
این صرفاً یک نمونه طراحی آموزشی استفاده از شخصیت‌های نمایشی با دستیار هوش مصنوعی در فرایند یادگیری بود. طبعاً می‌توان به شیوه‌های خلاقه و متناسب با نیاز کلاس، طراحی‌های آموزشی بهینه‌ای اجرا کرد.

نتیجه‌گیری

ترکیب هوش مصنوعی با شخصیت‌های نمایشی در فرایند یادگیری، راهکاری عملی و جذاب برای بهبود فرایند یادگیری است. با استفاده از این رویکرد، می‌توان به دانش‌آموزان کمک کرد با شخصیت‌های نمایشی و شخصیت‌های منحصر به فرد همکاری یا گفت‌وگو کنند و بهترین نتیجه را در فرایند یادگیری به دست آورند. همچنین، این روش می‌تواند به معلمان کمک کند طرح‌های درسی خود را بهبود دهند و دانش‌آموزان را در فرایند یادگیری تشویق کنند.

منابع

1. Ayres, P., & Sweller, J. (2014). The Split-Attention Principle in Multimedia Learning. In R. E. Mayer (Ed.), The Cambridge Handbook of Multimedia Learning (2nd ed., pp. 206-226). Cambridge, UK: Cambridge University Press. doi: 10.1017/CBO9781139547369.013
2. Baker, S., Margolis, E., & Smith, T. (2014). Artificial Intelligence in Education: Promises and Implications for Teaching and Learning. Educational Researcher, 43(2), 97-115. doi: 10.3102/0013189X14511566
3. Blanca, T. M., Alcantud, F., Anolli, L., & Vescovelli, F. (2015). Using Virtual Characters to Teach Social-Emotional Skills to Children with Autism Spectrum Disorder. Procedia - Social and Behavioral Sciences, 191, 2187-2191. doi: 10.1016/j.sbspro.2015.04.660
4. Chen, C. H., & Chang, C. F. (2018). The effectiveness of using AI-based avatars to support high school students' mathematical problem-solving. Interactive Learning Environments, 26(3), 320-332.
5. Fox, M. (2018). The Role of Characters in VR and AR Learning. TechTrends, 62(4), 363-368. doi: 10.1007/s11528-018-0317-4

سایر منابع در دفتر مجله موجودند.



هوش مصنوعی
نوعی فناوری بسیار
مستعد است برای
به‌کار گرفته شدن
در طراحی‌های
جدید آموزشی



از حاشیه تا متن

کارکردهای هنر نمایش در نظام تعلیم و تربیت

گفت و گوکننده: لیلا جلیلی

سعید زین العابدینی؛ کارشناس ارشد تئاتر و ادبیات نمایشی،
معاون تئاتر اداره کل سینمایی و تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

گویا ناچار است دانش‌آموزان را با نمره مدرج کند. یعنی حتی در همان ارزشیابی توصیفی هم نوعی درجه‌بندی کمی-البته به شیوه‌ای متفاوت- صورت می‌گیرد. بچه‌ها در مدرسه قبل از هر چیز باید مهارت‌های اساسی زندگی را تمرین کنند؛ چیزهایی مثل مهارت گفت‌وگو و تعامل با دیگران، مهارت انجام کارهای گروهی و رسیدن به اهداف مشترک، مهارت رقابت سالم و بدون تنش. اما در عمل شاهدیم، غیر از برخی مدرسه‌های خاص، دانش‌آموزان با اشتیاق وارد مدرسه نمی‌شوند، از حضور در آن لذت نمی‌برند و برای شنیدن صدای زنگ آخر لحظه‌شماری می‌کنند. پس لازم است مدرسه‌ها برای ارتقای جذابیت خود کاری کنند و یکی از عواملی که می‌تواند فضا را تلطیف کند، استفاده از انواع هنر، به‌ویژه هنر نمایش است.

● **کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌عنوان فضایی متفاوت و تا حدی غیررسمی، به ترویج هنر نمایش در مدرسه‌ها و تربیت زیبایی‌شناختی چه کمکی می‌کند؟**

فضای حاکم بر کانون- به‌عنوان نهاد هم‌دوش و حامی تعلیم و تربیت رسمی- خوشبختانه هنوز برای بچه‌ها دل‌چسب و خواستنی است. چون اجباری در کار نیست و مخاطبان به خاطر قصور در انجام تکلیف، تنبیه نمی‌شوند و کسی نمره منفی نمی‌گیرد. یکی از کارهایی که در کانون دنبال می‌شود، اجرای طرح «تئاتر، کتاب، مدرسه» است. در این طرح، از کتاب‌های موجود در مراکز کانون- که قابلیت تبدیل به نمایشنامه را داشته باشند- اقتباس نمایشی صورت می‌گیرد و متن همراه با دستورالعمل اجرا و صحنه‌آرایی، برای اجرا در اختیار مراکز کانون یا مدرسه‌ها قرار می‌گیرد. گاهی بعد از اجرای چنین نمایش‌هایی

ایشان غیر از مسئولیت‌های اجرایی و سال‌ها مدیریت فرهنگی، نمایشنامه‌های متعددی را نیز کارگردانی کرده است. «قیچی‌ای که دنبال کار می‌گشت» از آخرین کارگردانی‌های زین العابدینی است که پس از درخشش در جشنواره تئاتر «شهرزاد»، سال گذشته به «جشنواره بین‌المللی تئاتر تفریس» در گرجستان راه یافت و توانست عنوان بهترین کارگردانی را برای وی و بهترین آرایه (دکور) صحنه و عروسک‌سازی ارمغان بیاورد.

● **درباره استفاده از هنر نمایش در فرایند تعلیم و تربیت نظر تان چیست؟**

به اعتقاد من، تعلیم و تربیت تا حد امکان باید غیرمستقیم و آمیخته با لذت و سرگرمی باشد؛ چیزی که هنوز عموم مدرسه‌های ما با آن فاصله چشمگیری دارند. البته مدرسه‌هایی هم هستند که در این زمینه گام‌های خوبی برداشته‌اند، اما مقصود من فراگیر شدن این رویکرد در کل ساختار آموزش و پرورش است. هنوز نمایش در بسیاری از مدرسه‌ها تفریحی و حاشیه‌ای تلقی می‌شود. سیاست‌گذاران فرهنگی جامعه باید تدبیرهایی اتخاذ کنند که این موضوع از حاشیه به متن بیاید.

● **کلید حل این مسئله را در چه چیزی می‌بینید؟**

قبل از پاسخ به این سؤال باید بگوییم، خوشبختانه نظام تعلیم و تربیت ما چند دهه است در جهت تحول و روزآمد کردن خود تلاش می‌کند، اما باید نوعی آسیب‌شناسی صورت گیرد که چرا بهره‌وری و بازدهی این تلاش‌ها کافی نیست؟ چرا با وجود برنامه‌های متعدد پرورشی و ترویج آموزه‌های دینی، رشد فراوانی را در مخاطبان خود شاهد نیستیم؟ من یکی از ضعف‌ها را در این می‌بینم که آموزش و پرورش





موضوع را در قالب شعر مطرح کنید، یا دیگری نوعی بازی نمایشی را پیشنهاد کند که بچه‌ها با اجرای آن بتوانند مفهوم انبساط مولکولی را بهتر درک کنند. در کل باید رویکرد ما این باشد که آدم‌هایی موفق با تفکر خلاق تربیت کنیم که قدرت تصمیم‌گیری در مواقع بحران را داشته باشند و بتوانند برای یک مسئله چندین راه‌حل ارائه کنند، نه اینکه صرفاً محفوظات خود را فراخوانی کنند و شاگرد اول باشند.

● موافق هستید به اهمیت و کارکرد عروسک‌ها هم اشاره کنید؟

- زبان عروسک، یک زبان جهانی است. در همه جای دنیا عروسک‌ها با هم حرف می‌زنند، بدون آنکه در بند کلمات باشند. حتی عروسک قابلیت‌هایی دارد که بازیگر زنده ندارد. مثلاً بازیگر نمی‌تواند در صحنه پرواز کند، اما پرندۀ عروسکی به راحتی می‌تواند این کار را بکند. کتاب‌هایی هم در بازار موجودند که همراه با عروسک عرضه می‌شوند تا مخاطب بتواند با اجرای نمایش خانگی، از داستان کتاب موردنظر بیشتر لذت ببرد. گاهی ممکن است فرزند شما پذیرای پند و اندرزتان نباشد، اما اگر همان پند از زبان یک عروسک جذاب بیان شود، کودک شما با آن ارتباط بهتری برقرار کند.

● کمی هم از تماشاخانه کانون و تربیلی‌های سیار نمایش برایمان بگویید. در حال حاضر چه تعداد از این تماشاخانه‌های سیار موجودند و کارشان به چه صورتی است؟

- الان حدود هفت دستگاه از این تماشاخانه‌های سیار داریم که البته کافی نیستند. هر استان باید تعدادی از این‌ها را در اختیار داشته باشد. اما همین‌ها به همکاران کانون امکان می‌دهند، شیرینی کارهای نمایشی را به صورت مویرگی در همه جای کشور، به ویژه مناطق کم‌برخوردار، در کام کودکان و نوجوانان بچشانیم. به طور مثال، سال گذشته، در دهۀ کرامت، به همت **علی یداللهی** طرحی اجرا شد با عنوان «مسیر هشتم». طی آن تربیلی‌های سیار نمایش در مسیر حرکت امام رضا (ع) - از مرز شلمچه تا مشهد- به اجرای نمایش‌هایی با هدف آشنایی با شخصیت و حکمت و معرفت رضوی اقدام کردند. عنوان نمایش هم «کلاغ بلا، توپ طلا» انتخاب شده بود. در این حرکت باشکوه شاهد صحنه‌هایی جذاب از واکنش کودکان و بزرگ‌ترها بودیم و خاطرات زیبایی برای همکاران ما رقم خوردند که سرشار از معنویت و صفا بودند.

● کلام آخر؟

- نکته آخر اینکه، اجرای نمایش باید تا جای ممکن در مدرسه‌ها ساده‌سازی شود و معلمان ما فکر نکنند این کار پیچیده و دست‌نیافتنی است. از فرصتی که در اختیار مخاطبان مجله قرار دادید تشکر می‌کنیم.

شاهد بودیم که بچه‌ها به پیشخوان امانت کتاب هجوم می‌آوردند تا کتابی را که مرجع آن نمایش بود، امانت بگیرند. همین رویه را در خصوص محتوای کتاب‌های درسی هم اجرا کردیم. حاصل آن تدوین حدود صد عنوان نمایشنامه مرتبط با برنامه درسی بوده است. مثلاً نمایشی داریم که به بچه‌ها جدول ضرب یاد می‌دهد، یا آن‌ها را با کارکرد اعضای بدن آشنا می‌کند. در گام بعدی تلاش می‌کنیم این نمایش‌ها را با کیفیت مطلوبی به صورت نمایش تلویزیونی (تله‌تئاتر) ضبط و با استفاده از امکان محتوای افزوده (رمزینه) آن‌ها را به متن کتاب‌های درسی ضمیمه کنیم. البته این طرح هنوز در ابتدای راه است و برای تکمیل و اجرای فراگیر لازم است همه نهاد‌های مرتبط با فرهنگ و تعلیم و تربیت پای کار بیایند.

● با توجه به محدود بودن تعداد مراکز کانون، چطور می‌توان تمام مدرسه‌ها را پوشش داد؟

- به نظر بنده لازم نیست کانون به نهادی موازی آموزش و پرورش تبدیل شود، بلکه باید روح و فضای آن در نظام تعلیم و تربیت تسری یابد و بتواند به عنوان الگویی قابل تعمیم، جریان‌سازی کند. اکثر مربیان کاربلد کانون آمادگی دارند تجربه‌های خود را در اختیار معلمان علاقه‌مند بگذارند.

● فرض کنیم من یک معلم علوم هستم و می‌خواهم انبساط طولی فلزات در اثر گرما را درس بدهم. در ضمن دنبال نمایشی هستم که با اجرای آن، تفهیم مطلب آسان‌تر شود. چه باید بکنم و به کجا مراجعه کنم؟

- شما اگر به یکی از مراکز کانون مراجعه کنید، می‌توانید به مربیان زیادی در رشته‌های گوناگونی همچون نقاشی، سفال، خلاقیت ادبی، سرود، خوش‌نویسی، نمایش و غیره دسترسی داشته باشید. ممکن است یک مربی به شما پیشنهاد کند



برای آشنایی بیشتر با گفت‌وگوشونده، رمز پهنه را پویش کنید.



آموزش مبتنی بر نمایش

سید میثم موسوی

تصویرگر

نویسنده: کاترین داوسون
ترجمه سهند زرشکیان

که زیرش سوراخ شده، چه مسئله‌ای را می‌توان حل کرد؟» در مورد اینکه چه کسی صاحب چنین پاکتی است و چگونه می‌توان از آن برای حل یک مسئله استفاده کرد، نظرات گوناگونی مطرح می‌شوند. مربی روی تخته می‌نویسد: «چگونه می‌توانیم مشکلات اساسی‌مان را حل کنیم؟»

بعد، یک نسخه از کتاب «شاهزاده

ساک کاغذی» اثر رابرت مانس را در دست

می‌گیرد. جلد کتاب را به بچه‌ها نشان می‌دهد.

روی جلد کتاب تصویر دختر تاج به سر کم‌سن و سالی نقش بسته است که یک پاکت کاغذی در دست دارد و مقابل اژدهای غول‌پیکری ایستاده است. مربی می‌پرسد: «در این تصویر شاهزاده با چه مشکلاتی روبه‌رو شده است؟ شاهزاده چگونه می‌تواند مشکلاتش را حل کند؟» بعد از اینکه بچه‌ها درباره پاکت و اژدها صحبت کردند، مربی می‌پرسد: «با کمک بدن‌تان نشان دهید اگر فقط یک پاکت کاغذی همراه داشته باشید و با یک اژدها رودرو شوید، چه احساسی خواهید داشت؟» بچه‌ها بدنشان را بی‌حرکت نگه می‌دارند؛ چنان‌که گویی از ترس خشکشان زده است. همچنین، زبان بدنشان از نوعی شجاعت و زیرکی نشان دارد. مربی درباره حالت بدن بچه‌ها نظر می‌دهد: «چشم‌های بزرگ و دهان‌های باز می‌بینم. بازوها و پاهای

ابتدا موقعیتی را تصور کنید که در آن معلم می‌خواهد دانش‌آموزان را نسبت به حل مسئله‌ای کنجکاو کند؛ از بچه‌ها می‌خواهد گرداگرد کلاس روی قالیچه بنشینند و دایره‌ای تشکیل دهند. یکی از بچه‌ها به دوستش سقلمه می‌زند و دیگری در گوش نفر بغل‌دستی‌اش چیزی زمزمه می‌کند. مربی آرام بلند می‌شود و یک پاکت کاغذی بزرگ و پهن در مرکز دایره‌ای می‌گذارد که بچه‌ها تشکیل داده‌اند. می‌پرسد: «کسی می‌تواند در مورد شیئی که در مرکز دایره گذاشته‌ام توضیحی دهد؟» چند کودک دستشان را بالا می‌گیرند. یکی از بچه‌ها می‌گوید: «این یک پاکت است.» مربی می‌پرسد: «چه چیز باعث می‌شود فکر کنید این یک پاکت است؟» یکی دیگر از بچه‌ها پاسخ می‌دهد: «قهوه‌ای و کاغذی است. می‌توانیم چیزهایی داخلش بگذاریم.» مربی به سؤال پرسیدن از بچه‌ها درباره آن شیء ادامه می‌دهد. سرانجام می‌پرسد: «بر اساس مشاهدات‌تان حدس می‌زنید چه کسی صاحب این پاکت باشد؟» بچه‌ها در این باره با هم گفت‌وگو می‌کنند و تلاش می‌کنند بین شناختشان از پاکت و اینکه افراد چگونه برای کارها و وظایف گوناگون از آن استفاده می‌کنند، ارتباط ایجاد کنند. مربی همه ایده‌ها و پاسخ‌های ممکن در مورد این موضوع را گرد می‌آورد.

در ادامه، مربی دوباره به طرف مرکز دایره می‌رود، پاکت را برمی‌دارد و آن را به پهلو نگه می‌دارد. همراه با بچه‌ها متوجه می‌شود یک سوراخ بزرگ گرد زیر پاکت درست شده است. مربی از سوراخ بزرگ به بچه‌ها نگاه می‌کند. بچه‌ها با هم حرف می‌زنند. مربی می‌گوید: «حالا چه می‌شود اگر به شما بگویم کسی یک سوراخ در این پاکت ایجاد کرده است تا به حل یک مسئله کمک کند؟ با استفاده از پاکتی



در این نمونه، مربی از یک راهبرد بهره برده است که آن را راهبرد ساختگی می‌نامند. مربی با استفاده از این راهبرد بچه‌ها را با جهان «داستان» آشنا کرده است. همچنین، مشاهدات و توضیحات دانش‌آموزان ارتباط برقرار کرده و توجه بچه‌ها را به موضوع موردنظر جلب و آن‌ها را به موضوع علاقه‌مند نموده است. به‌علاوه، از طریق تخیل و داستان بچه‌ها را به تفکر گروهی دعوت کرده است. مربی از بچه‌ها پرسیده است: «با استفاده از پاکتی که زیرش سوراخ شده، چه مسئله‌ای را می‌توان حل کرد؟» سپس از بچه‌ها خواسته است فهم و درکشان از موضوع موردبحث را تجسم

قوی می‌بینم. دست‌هایتان را می‌بینم که صورتتان را پوشانده‌اند؛ چنان‌که انگار می‌خواهید خود را پنهان کنید. حالا می‌توانید به حالت عادی برگردید. فکر می‌کنید دختر کوچک روی جلد کتاب چه احساسی دارد؟» مربی به جواب‌های بچه‌ها گوش می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد به پاسخ‌های یکدیگر بیندیشند. بعد، می‌گوید: «از تفکر خلاقانه شما متشکرم. امروز در این باره گفت‌وگو می‌کنیم که یک کودک چگونه می‌تواند بر مشکلات بزرگی که با آن‌ها مواجه می‌شود غلبه کند. وقت آن رسیده که سراغ شاهزاده برویم...»

بیخشند: «با کمک بدن‌تان به ما نشان دهید اگر فقط یک پاکت کاغذی همراه داشته باشید و با یک اژدها رودررو شوید، چه احساسی خواهید داشت؟» طی روند مذکور، مربی رویه میناسازی^۱ را نزد بچه‌ها فعال کرده تا بدین طریق آن‌ها را برای شرکت در گفت‌وگویی گروهی دربارهٔ یک کتاب کودک آماده کند.

لزوم آموزش و پرورش مبتنی بر نمایش

در آموزش و پرورش مبتنی بر نمایش، از راهبردهایی استفاده می‌شود که ذهن و بدن را به واسطهٔ هنر نمایش پیوند می‌دهند و به هم نزدیک می‌کنند. در آموزش و پرورش مبتنی بر نمایش، دانش‌آموزان به فعالیت‌های گروهی مشغول می‌شوند تا بتوانند امکان‌های جدید را تخیل کنند و تجسم و میناسازی را در ارتباط با داستان به کار گیرند و رشد بدهند.

فعالیت گروهی: آموزش و پرورش مبتنی بر نمایش روشی است که از طریق آن می‌توان دانش‌آموزان را به‌عنوان یک گروه فراگیر به گفت‌وگو و فعالیت با یکدیگر مشغول کرد. **جاناتان نیلندز**، محقق حوزهٔ نمایش در آموزش، بر این باور است که دانش‌آموزان در گروه از این فرصت برخوردار می‌شوند که با تنش‌های مربوط به خودمدیریتی، خودمختاری و خودگردانی گروه اجتماعی مواجه شوند.

ایجاد اعتماد، یافتن روش‌های جدید از طریق مقابله با تنش‌ها و فراگرفتن شیوهٔ خلق مشترک به‌عنوان عضوی از یک گروه از فراگیرندگان، مهارت‌های هنری اساسی در آموزش و پرورش مبتنی بر نمایش محسوب می‌شوند که دانش‌آموزان را قادر می‌سازند از تخیلات و زبان بدنشان در ایجاد ارتباط با داستان استفاده کنند.

تخیل: در آموزش و پرورش مبتنی بر نمایش غالباً از دانش‌آموزان خواسته می‌شود معنایی جدید را بر اساس آنچه درباره‌اش آگاهی دارند، در یک وضعیت مشخص، ایجاد کنند. **لو ویگوتسکی**، روان‌شناس و محقق روس، بر این باور است که وقتی نوجوانان از تخیلاتشان استفاده می‌کنند، از خویشتن خویش فراتر می‌روند. به کار انداختن تخیل در روند یادگیری (هنگامی که دانش‌آموزان با یک شخصیت، داستان یا مفهوم ارتباط برقرار می‌کنند)، به ایجاد شناخت و آگاهی از منظرهای گوناگون نسبت به ایده‌های مختلف منجر می‌شود. تخیل فعالیت فکری سختی است و زمانی محقق می‌شود که دو یا چند ایده با هم ترکیب می‌شوند تا تصویرها یا کنش‌های جدیدی شکل بگیرند که پیشتر در خودآگاه دانش‌آموزان وجود نداشته‌اند.

تجسم: در آموزش و پرورش مبتنی بر نمایش، دانش‌آموزان غالباً نقطه‌نظرات واقعی یا خیالی‌شان را از طریق بدنشان نشان می‌دهند. نمایش اساساً یک اقدام تجسمی است و با ایجاد تجربه‌های فرهنگی و تعاملات اجتماعی که به وسیلهٔ بدن اجرایی می‌شوند، ارتباط دارد. به عبارت دیگر، افراد از طریق نمایش، هویت اجتماعی و فرهنگی‌شان را بروز می‌دهند.





از میناسازی گفت‌وگومحور است. میناسازی روندی را توصیف می‌کند که طی آن ایده‌ها و مفاهیم با ثبات بیشتری شناخته و درک می‌شوند. هرچند افراد همیشه تلاش می‌کنند روند میناسازی تعاملات را به‌صورت درونی و فردی محقق سازند، تسهیلگران آموزش‌وپرورش مبتنی بر نمایش در پی آن هستند که میناسازی گفت‌وگومحور را به روندی مشترک و آگاهانه و آشکار بدل کنند. میناسازی گفت‌وگومحور بر این فرض استوار است که برای یافتن پاسخ درست، صرفاً یک راه وجود ندارد. از این رو، میناسازی گفت‌وگومحور بر روندی تمرکز می‌کند که به راه‌های متفاوت یافتن پاسخ صحیح و مناسب منتهی می‌شود. تحقیقاتی که اخیراً در موضوع رشد و توسعهٔ زبانی صورت گرفته‌اند، نشان می‌دهند افراد به راه‌های گوناگون با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. میناسازی گفت‌وگومحور و چندوجهی این واقعیت را مد نظر قرار می‌دهد که افراد از طریق زبان‌های گفتاری و نوشتاری و همچنین از طریق تعامل با محیط (از جمله نقاشی و زبان بدن و صورت) با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. از این رو، توجه به میناسازی گفت‌وگومحور و چندوجهی در فرایند یادگیری، فرصت‌های دانش‌آموزان برای مشارکت با یکدیگر را افزایش می‌دهد.

نکاتی که به‌اختصار به آن‌ها اشاره شد، از اهمیت آموزش‌وپرورش مبتنی بر نمایش پرده برمی‌دارند و نشان از آن دارند که توجه به نمایش در روند یادگیری دانش‌آموزان تأثیرات بسزایی دارد. از این رو، شایسته است که ضمن کسب شناخت از ابعاد گوناگون آموزش‌وپرورش مبتنی بر نمایش، به‌صورت هدفمند و برنامه‌ریزی‌شده از چنین آموزش‌وپرورشی بهره برد تا به رشد همه‌جانبه و عمیق توانایی‌های متنوع دانش‌آموزان کمک شود.

پی‌نوشت

۱. میناسازی فرایندی است که در آن افراد نسبت به رویدادهای زندگی، روابط و خودشان شناخت کسب می‌کنند و آن‌ها را معنی و تفسیر می‌کنند.

منبع

- Drama-Based Pedagogy, Kathryn Dawson and Bridget Kiger Lee, 2018

داستان: در آموزش‌وپرورش مبتنی بر نمایش، معلم شرایطی فراهم می‌کند که در آن دانش‌آموزان با هم همکاری و از تخیل و بدنشان استفاده کنند تا دربارهٔ یک داستان کنش‌هایی صورت دهند. در این زمینه، مربی غالباً از داستان استفاده می‌کند تا کنش تخیلی را برای شرکت‌کنندگان و با کمک آن‌ها ایجاد کند. از طریق بازگویی و تألیف داستان، با بهره‌گیری از نمایش، شرکت‌کنندگان در کلاس درس می‌توانند در این مورد بیندیشند که داستان‌های چه کسانی روایت شده و به‌عنوان واقعیت پذیرفته شده است. سپس تلاش می‌کنند این داستان‌ها را در جهت‌های دیگر تعمیم دهند. به عبارت دیگر، داستان‌ها را از طریق تخیل گروهی، تجسم ببخشند، بررسی کنند و ابعاد آن‌ها را کشف کنند.

آموزش‌وپرورش مبتنی بر نمایش، چگونه از یادگیری زیبایی‌شناختی پشتیبانی می‌کند؟

هنگامی که از فعالیت‌های آموزشی سخن به میان می‌آید، بسیاری از افراد صرفاً به برنامه‌های آموزشی علمی و آنچه یاد داده و آزمایش می‌شود، می‌اندیشند. بدین‌سان ممکن است تصور کاملی از آنچه در کلاس درس رخ می‌دهد، شکل نگیرد. باید در نظر داشت، بخش خودآگاه ذهن انسان از دو بُعد مجزا تشکیل شده است: عقل و عاطفه. عقل می‌تواند به‌عنوان حوزهٔ منطقی و علمی مد نظر قرار بگیرد. در نمونه‌ای که در آغاز به آن اشاره شد، هنگامی که از بچه‌ها تقاضا شد یکی از چیزهایی را که می‌بینند توصیف کنند، تفکر شناختی و انتقادی آن‌ها به‌واسطهٔ مشاهدهٔ موضوع برانگیخته شد. سپس شرایطی فراهم شد تا بچه‌ها نشانه‌ها یا ویژگی‌های موضوع موردنظر را تحلیل و ارزیابی کنند. طی این روند، بچه‌ها تشویق شدند تفسیرهای متعددی از مبحث مربوطه ارائه کنند و دریابند که معانی موردنظر آن‌ها چگونه با تجربه‌های فردی یا مشترک ارتباط پیدا می‌کند. در نمونهٔ مذکور، مربی تصمیم گرفت میناسازی اولیهٔ بچه‌ها را از طریق ارائهٔ اطلاعات جدید (سوراخ ایجادشده زیر پاکت) که مسئله جدیدی ایجاد کرد، به چالش بکشد.

از یادگیری عاطفی، غالباً به‌عنوان برنامهٔ آموزشی پنهان یاد می‌شود و باید پا به پای یادگیری عقلی و منطقی پیش برود. زیرا هنگامی که تدریس به‌گونه‌ای صورت بگیرد که بُعد عقلی و خودآگاه ذهن از بُعد عاطفی‌اش جدا شود، تمامیت زندگی واقعی و منافع و جذابیت‌های نحوهٔ تفکر انسانی، چنان‌که باید، مد نظر قرار نمی‌گیرند.

چرا آموزش‌وپرورش مبتنی بر نمایش بر میناسازی گفت‌وگومحور متمرکز است؟

ویژگی اصلی آموزش‌وپرورش مبتنی بر نمایش استفاده



نمایش

ویادگیری فراگیر

تألیف و ترجمه راضیه دهقان

کارشناس ارشد مدیریت تکنولوژی



اتصالات عصبی جدید و درهم تنیده می شود و قابلیت مغز را برای یادگیری، به طور تصاعدی، افزایش می دهد (لاوسون)^۱ یک تصور غلط رایج این است که مغز مانند یک واحد ذخیره سازی، در هر لحظه اطلاعات را ذخیره و بازبازی می کند. در صورتی که مغز یک دستگاه فوق العاده پیچیده برقراری ارتباطات و ایجاد اطلاعات جدید است. به قول دیکنسون^۲ «پیچیده ترین دستگاه روی زمین است که اغلب در مدرسه ها به عنوان وسیله ای ساده برای ذخیره و بازبازی اطلاعات به کار می رود.»

پس می توان گفت، نمایش راه بسیار مطلوبی برای ترکیب و هم افزایی کانال های یادگیری است. مریبان به جای تقسیم مغز به دو نیمکره مجزا، باید بدانند هر دو به یک اندازه برای یادگیری مهم هستند. دو نیمکره چپ و راست با هم کار می کنند. دانش آموزان هنگامی که مشغول یک فعالیت نمایشی هستند، با تمام وجود درگیر موضوع می شوند و این تجربه ناب به آن ها کمک می کند به یادگیرندگانی مادام العمر تبدیل شوند.

نمایش، از راه های متفاوت در برانگیختن علاقه، انتقال دانش و درک و به خاطر سپاری مفاهیم سودمند است. برخی از آن ها عبارتند از:

ایجاد موقعیت های ایفای نقش برای الگوسازی، یاددهی مهارت ها یا القای رفتارهای جدید؛

ایجاد ماجراهایی برای آشنایی با مفاهیم جدید؛

تجسم شخصیت های تاریخی یا مشهور؛

بازسازی رویدادهای واقعی؛

شکل دهی ایده های خلاق ادبی؛

در بررسی تأثیر استفاده از نمایشنامه در توسعه مهارت زبانی دانش آموزان لازم به ذکر است:

نمایش فرصتی است برای تمرین و ارتقای مهارت های زبانی دانش آموزان. از این رو، طراحان برنامه های درسی باید دقت کنند، محتوای کتاب های درسی دانش آموزان را در معرض موقعیت های ایفای نقش و گفت و گو قرار دهند

یک ضرب المثل معروف، می گوید: «اگر بگویی، فراموش خواهیم کرد. اگر نشانم بدهی، شاید یادم بیاید. اگر درگیرم کنی، متوجه خواهیم شد.»

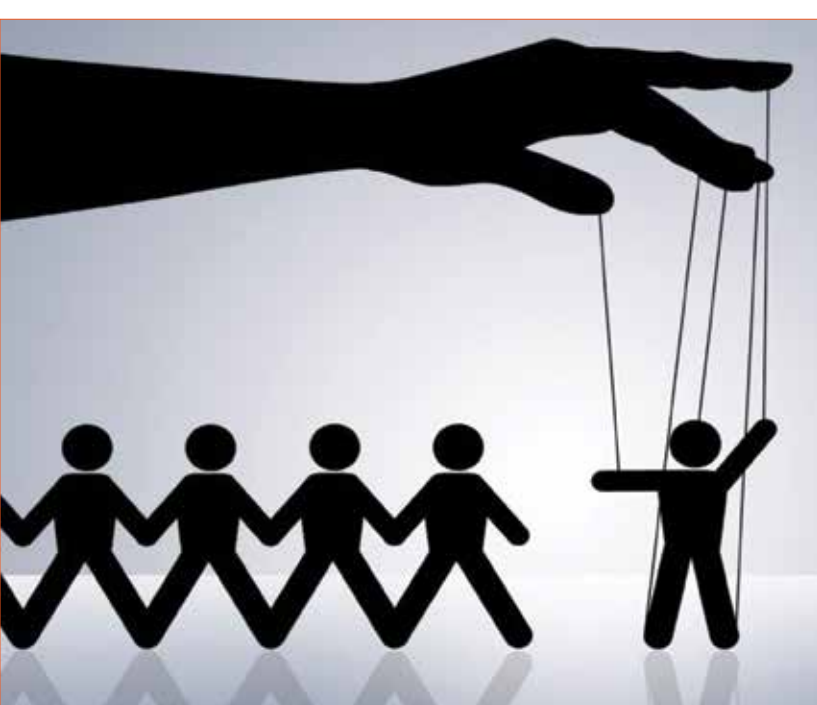
سال هاست روان شناسانی که به مطالعه رشد شناختی انسان مشغول بوده اند، دریافته اند، نمایش در ایجاد زمینه مساعد برای رشد مؤثر است. به عبارت دیگر، نمایش به دانش آموزان کمک می کند توانایی عینیت بخشیدن به افکار خود را تقویت کنند؛ چیزی که برای مواجهه با موقعیت های گوناگون زندگی روزمره و حل مسائل پیرامون فرد ضروری است. حال برای اینکه تأثیر نمایش بر یادگیری را بهتر درک کنیم، لازم است نکته ای را درباره نحوه یادگیری انسان یادآور شویم:

هر فردی در یکی از شیوه ها یا راه های یادگیری عملکرد بهتری دارد: برخی با مشاهده بهتر یاد می گیرند، برخی با تجسم و برخی با انجام عملی یک کار؛ گرچه افراد به این دسته بندی ها محدود نیستند و بسیاری از آن ها ترکیبی از روش ها را ترجیح می دهند. به همین دلیل است که معلمان در هنگام تدریس باید به تمام هوش های دخیل در یادگیری توجه داشته باشند. در این میان، چه چیزی بهتر از نمایش، که تمام هوش های چندگانه را به کار می گیرد تا یادگیری به بهترین نحو اتفاق بیفتد.

اگر بخواهیم کمی علمی تر به قضیه نگاه کنیم، باید بگوییم: مغز از میلیاردها یاخته (سلول) عصبی به نام «پی یاخته» (نرون) تشکیل شده است. از طرف دیگر، محرک های درونی و بیرونی در شکل گیری مسیرها و الگوهای ارتباطی یاخته های عصبی «پی یاخته» ها (نرون) مؤثرند. بنابراین، هر چه بیشتر از مسیرها و اتصالات خاص این یاخته های عصبی ها استفاده شود، رابطه آن ها در آن مسیر به خصوص محکم تر می شود. حال اگر این تحریک هم زمان از چند مجرای متعدد صورت گیرد، باعث رشد



چه چیزی بهتر از نمایش، که تمام هوش های چندگانه را به کار می گیرد تا یادگیری به بهترین نحو اتفاق بیفتد



و با بهره‌گیری از داستان‌های کوتاه و جذاب، آن‌ها را به نمایش و بازیگری سوق دهند. به بیان دیگر، فرایند آموزش و یادگیری می‌تواند لذت‌بخش باشد، به شرط اینکه معلمان با مشارکت دادن دانش‌آموزان در فعالیت‌های نمایشی، فرایند آموزش و یادگیری را جذاب و انگیزه‌دهنده دانش‌آموزان را برای ادامه تحصیل تقویت کنند. همچنین، معلمان باید از نمایش برای ایجاد اعتمادبه‌نفس و تمرکز دانش‌آموزان و کاهش اضطراب آن‌ها در فرایند تدریس و یادگیری استفاده کنند.

دو تحقیق درباره اثر بخشی نمایش

مقاله‌ای در ژاپن، این موضوع را بررسی کرده است که: «آیا فعالیت‌های فوق برنامه در هنر و نمرات مربوطه در کلاس‌های هنر با عملکرد تحصیلی عمومی ارتباط مثبت دارند یا خیر.» داده‌ها از ۴۸۸ کودک کلاس هفتمی (۲۵۹ پسر و ۲۲۹ دختر) ژاپنی طی بیش از دو سال جمع‌آوری شده‌اند. اطلاعات مربوط به شرکت آن‌ها در فعالیت‌های فوق برنامه در زمینه موسیقی و هنرهای تجسمی، نمره عملکرد تحصیلی عمومی (یعنی مطالعات اجتماعی، ریاضیات، علوم، انگلیسی و...)، موسیقی و هنر در پایان پایه‌های هفتم و نهم به دست آمده است. در پایان نشان داده شده است، مشارکت در فعالیت‌های فوق درسی هنر با بهبود عملکرد تحصیلی عمومی ارتباط مثبت دارد و این ارتباط با تغییرات در نمرات هنر مرتبط بوده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهند آموزش هنر می‌تواند به بهبود عملکرد تحصیلی عمومی کمک کند.

مقاله‌ای دیگر در کشور ترکیه با موضوع «استفاده از نمایش در آموزش و پرورش» در مدرسه‌های ابتدایی از دیدگاه معلمان کلاس درس انجام شده است. جامعه پژوهش متشکل از ۴۴۱ معلم است که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شده‌اند. در این تحقیق مشخص شده است، معلمان در استفاده از نمایش در آموزش از حس کارآمدی بالایی برخوردارند و مایل به استفاده از این روش هستند. همچنین، آن‌ها روشی مؤثر و قدرتمند می‌دانند، اما به دلیل کمبود اطلاعات به خود اعتماد نمی‌کنند و به دلیل محیط نامناسب از آن استفاده نمی‌کنند. با بررسی نظرات معلمان کلاس در مورد کاربرد نمایش در تعلیم و تربیت، مشخص می‌شود که نمایش با فراهم کردن امکان یادگیری از طریق عمل و تجربه، به رشد فردی دانش‌آموز کمک می‌کند.

باید در نظر داشته باشیم، اغلب نظام‌های آموزشی، کودکان را در معرض فشارهای روانی غیرضروری قرار می‌دهند که بخش عمده آن به نگرش منفی دانش‌آموزان

نسبت به مدرسه و یادگیری مربوط است. یادگیری تا زمانی که کودک انگیزه نداشته باشد و از طریق فعالیت‌های جذاب تحریک نشود، نمی‌تواند اتفاق بیفتد. نمایش است که به مربیان فرصت می‌دهد به روشی به دانش‌آموزان خود آموزش دهند که شوق یادگیری و تخیل و احساسات کودک را برانگیزد.

لذا اگر مربیان بخواهند مؤثرترین روش ممکن را برای آموزش انتخاب کنند، باید کلاس درس خود را با نمایش و هنر عجین کنند. مهارت‌های شناختی، عاطفی و روانی که با استفاده از نمایش آموزش داده می‌شوند، باعث می‌شوند دانش‌آموزان به یادگیرندگانی با انگیزه، باهوش و مادام‌العمر تبدیل شوند.

به امید اینکه در آینده نزدیک کلاس‌های ما مملو از درس‌های نمایشی باشند و معلمان با استقبال از این هنر خلاق، به دانش‌آموزان خود فرصت یادگیری در محیطی سرگرم‌کننده و مطلوب را بدهند.

پی‌نوشت‌ها

1. Lawson
2. Dickinson

منابع

1. Eastern Michigan University. Senior Honors Theses & Projects Honors College 2004
Using drama as an effective method to teach elementary students to teach elementary students
Mandie M. Moore
2. International Journal of Novel Research in Education and Learning
Vol. 8, Issue 6, pp: (35-54), Month: November - December 2021,
3. Sudan University of Science and Technology. Extracurricular music and visual arts activities are related to academic performance improvement in school-aged children



نمایش راه بسیار مطلوبی برای ترکیب و هم‌افزایی کانال‌های یادگیری است



برای مطالعه متن اصلی مقاله، رزمینه را پویا کنید.

عمو زنجیرباف

به یاد

حسن نیرزاده نوری

استاد نمایش الفبا



سید میثم موسوی
تصویرگر

داوود عباسی



کلاس درس به‌مثابه صحنه نمایش

پیرمرد با آنکه سن و سالی از او گذشته بود و گرد سفید پیری بر سر و رویش نشسته بود، اما ایده‌های نو و افکار جدیدش همه را شیفته و دل‌باخته خود کرده بود. با ظاهر و لباس ساده و روستایی، با آن کلاه و عصای همیشگی‌اش، در آن روزها و روزگار چنان طرحی نو در آموزش و پرورش کشور در انداخته بود که کمتر جوان تحصیلکرده مدرنی همچون او می‌اندیشید و ایده‌های نو می‌پروراند!

آنچه او را از معلمان و نظام آموزشی آن زمان متمایز و متفاوت می‌کرد، استفاده درست و ماهرانه‌اش از هنر نمایش بود. او ساده‌ترین تعریف نمایش را، یعنی «الف» در نقش «ب» در صورتی که «ج» آن را تماشا کند، با کمترین امکانات در کلاس درس اجرا می‌کرد و در ایجاد شرایط و عوامل نمایشی و استفاده بجا و ماهرانه از هنر نمایش استاد بود.

استاد حسن نیرزاده نوری با ذوق و شوق هنرمندانه‌ای هنر نمایش را به‌مثابه ظرف برای محتوای آموزشی خود (آموزش الفبا و ادب و ادبیات فارسی)، در نظر گرفته بود و با ظرف نمایش جان و دل دانش‌آموزان تشنه خود را

سیراب می‌کرد.

در دورانی که دانش‌آموزان شوقی برای درس و میلی برای مشق نداشتند و از معلم و مدرسه ترسان و گریزان بودند و تنبیه بدنی و خودکار لای انگشت و کشیدن گوش، بخشی از ابزار کمک‌آموزشی به حساب می‌آمد، «عمو زنجیرباف» با مهربانی و محبت بی‌دریغ خود چنان ذوق و شوقی در دانش‌آموزان ایجاد کرده بود که بعد از پایان کلاس و اتمام درس، دانش‌آموزان میلی برای خروج از کلاس و ترک محضر استاد نداشتند و همچنان تشنه یادگیری و بهره‌بردن از کلاس درس بودند.

ایشان در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت خرق عادت کرده و شیوه‌های دور و کهن مرسوم را با شیوه ابداعی خود به چالش کشیده و طرحی نو، جذاب و البته مؤثر در انداخته بود. استاد نیرزاده در کلاس (صحنه نمایش) خود از عناصر و عوامل نمایش به‌خوبی بهره می‌برد. در ساده‌ترین حالت ممکن، استادانه همه عوامل نمایش و صحنه نمایش خود، از جمله کارگردان و بازیگر و متن نمایشنامه و تماشایی و حتی ابزار و وسایل صحنه را با دقت و هنرمندانه کنار هم می‌چید و پرده را کنار می‌زد!

به نام خدا

بابا آب داد.
بابا نان داد.



نسل ما و نسل قبل تر از ما که سال‌های ابتدای دهه ۱۳۶۰ شمسی را به خاطر دارند، یا جوانانی که آن دوران در دوره ابتدایی درس می‌خواندند، به‌خوبی به یاد دارند که هر غروب چهارشنبه، شبکه یک تلویزیون برنامه‌ای پخش می‌کرد که در آن پیرمردی روستایی با صداقت و مهربانی و تواضعی وصف‌ناشدنی، با قصه‌گویی و روایت داستان‌های اخلاقی و تربیتی، دانش‌آموزان ایرانی را با خود تا آخر داستان می‌برد و در پایان داستان هر روزش، کسی دوست نداشت داستان و قصه شیرین استاد تمام شود؛ آنجا که آخر درس هر روز، کلاس را با این شعر سعدی به پایان می‌رساند: «مجلس تمام گشت و به آخر رسید...»، بچه‌ها یک‌صدا طنین نه! نه! نه! به راه می‌انداختند و دوست نداشتند کلاس استاد تمام شود.

ای برتر از خیال و قیاس و گمان و وهم وز هر چه گفته‌اند و شنیدیم و خوانده‌ایم
مجلس تمام گشت و به آخر رسید عمر ما همچنان در
اول وصف تو مانده‌ایم

سعدی (علیه‌الرحمه)

کارگردان و بازیگر خودش بود و درس کلاس، متن نمایشنامه‌اش. دانش‌آموزان و بیننده‌های بی‌شمار تلویزیونی، تماشاچیانش و میز و نیمکت و کلاه و عصای ساده‌اش ابزار و وسایل صحنه.

شاید پر بیراه نباشد که استاد حسن نیرزاده را پدر نمایش مشارکتی ایران بدانیم. حتی اگر در مورد این اطلاق اختلاف نظر وجود داشته باشد، بی‌شک استاد نیرزاده از بهترین‌الگوها و مثال‌های استفاده از هنر نمایش برای آموزش مفاهیم درسی و تربیتی به دانش‌آموزان است.

استاد برای انتقال مفاهیم درسی و اخلاقی در کلاس یا همان صحنه جذاب نمایشی‌اش، به‌تنهایی نقش‌های متعدد و متفاوتی از جمله کدخدا، شعبان‌علی، اکبر آقا، کمال و دیگران را با جابه‌جاشدن در کلاس و تغییر حالت کلاه و لحن صدای خود بازی می‌کرد.

تنوع نقش‌ها و بازی‌ها و استفاده از هنر نقالی و خواندن شعرهای بزرگان ادبیات کشورمان به جذابیت کلاس او می‌افزود و شیرینی طعم درسش را دوچندان می‌کرد.

ایشان معتقد بود، «درس برای دانش‌آموزان شربت تلخی است که معلم با هنر خود آن را برایشان شیرین می‌کند.»



برای دیدن فیلمی از کلاس استاد نیرزاده، رمزینه را پویش کنید.

**تکنیک‌های نمایش خلاق**

- نویسنده: منوچهر اکبرلو
- نشر حوا
- چاپ چهارم: ۱۳۹۴

نویسنده این کتاب که سال‌ها روش‌های نمایش خلاق را در نهادهای گوناگون تدریس کرده است، این کتاب را اساساً به عنوان منبع آموزشی مختصر و مفیدی برای آموزش هنرجویان و مربیان نمایش خلاق تدارک دیده است. محتوای کتاب ترکیبی است از بحث‌های نظری و تجربه‌های نگارنده. در هر مورد نویسنده سعی کرده است دیدگاه‌های نظری را با مصداق‌هایی از تجربه‌های زیسته خود بیامیزد و با تبیین مجموعه‌ای از نکات کاربردی، مخاطب را به عمل و تجربه ترغیب کند.

برخی از مباحث جذاب کتاب عبارت‌اند از:

- تخیل، خلاقیت و نمایش
- بازی کردن قصه
- الگوهای روان‌شناختی و رفتاری در نمایش خلاق.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم:

خلاقیت در هر زمینه به سه چیز بستگی دارد: مهارت در آن زمینه، تفکر خلاق و انگیزه درونی. با ترغیب کودک

به انجام فعالیت‌های متنوع، می‌توان به او یاری داد عمیق‌ترین علاقه‌های خود را کشف کند. بدون آنکه خودش متوجه شود، می‌توان فرصت‌هایی برای ابداع کرد و سپس از دور شاهد به حرکت درآمدن او بود. کودک غالباً فعالیت‌های جدیدش را خودش تدبیر می‌کند. کودکان با آفرینش اثر (ترانه، داستان‌سرایی و بازی‌های نمایشی) در پی بیان خود هستند. با شکافتن رموزها و نمادها و توجه به ژرفای آن‌ها می‌توان به آرزوها و امیدها و روزه‌هایی که به کامکاری خود یافته‌اند- یا سراغ دارند- راه یافت.

در پایان هر فصل، پرسش‌هایی نیز مطرح شده‌اند تا مخاطب حین اندیشیدن و یافتن پاسخ آن‌ها، به درک عمیق‌تری از محتوای کتاب دست یابد. مثلاً: زمانی که برای نخستین بار افراد کلاس را بررسی می‌کنید، چگونه به آزادی خلاق گروه پی می‌برید؟

آموزش از طریق تئاتر

- گردآورنده و ویراستار: تونی جکسون
- ترجمه: سیدحسین فدایی حسین (با همکاری فاطمه حسینی و احمد کولی‌وند)
- ناشر: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی استان قم
- چاپ اول: ۱۳۸۹

کتاب آموزش از طریق تئاتر شامل ۱۵ مقاله از صاحب‌نظران تئاتر است که مطالب مشروحی در باب کارکردهای تئاتر در تعلیم و تربیت بیان می‌کنند. برخی بحث‌های مطرح‌شده در کتاب عبارت‌اند از:

- تئاتر تعلیمی به چه معناست؟
- نمایشنامه‌نویسی برای تئاتر تعلیمی
- بازیگر تئاتر تعلیمی

آموزش از طریق تئاتر

- تئاتر تعلیمی و مشارکت مخاطب
- چالش‌های آینده تئاتر تعلیمی
- استفاده از تئاتر در آموزش بهداشت
- ارزشیابی تئاتر تعلیمی
- مهم‌ترین چالش پیش روی تئاتر تعلیمی

به‌زعم گردآورنده کتاب، تئاتر تعلیمی و تربیتی به معنی ابداع تجربه‌ای جذاب، شوق‌انگیز و مؤثر برای کودکان و نوجوانان، پیرامون موضوعی مشخص است و موضوعات گوناگونی همچون محیط‌زیست، نژادپرستی، تاریخ محلی و منطقه‌ای، یادگیری زبان، علوم و بهداشت، می‌توانند موضوع این نوع تئاتر باشند.

به اعتقاد تونی جکسون، حضور تئاتر در تعلیم و تربیت نشانگر یکی از مهم‌ترین پیشرفت‌های این هنر در نیمه دوم قرن اخیر شمرده می‌شود. تئاتر تعلیمی و تربیتی به عنوان یک جنبش قابل‌تعریف، در اواسط دهه ۱۹۸۰ در بریتانیا و در پاسخ مستقیم به نیازی که در مدرسه‌ها و مراکز آموزشی به تئاتر احساس می‌شد، آغاز شد. این کتاب، ضمن کنکاش در زمینه تاریخچه تئاتر تعلیمی، ابعاد و تهدیدها و فرصت‌های موجود در این نوع خاص از تئاتر را برمی‌شمارد.

سهرابی، هنرپیشه نمایش

مهدی فرج‌اللهی



تفریح خورده بود که پدر سهرابی به مدرسه آمد. بعد از سلام و احوالپرسی خواست که پسرش را صدا کنیم دفتر. ظاهراً دیروز کلاه شاپو و عصای پدر بزرگش را بدون اجازه برداشسته و با خودش به مدرسه آورده بود تا در تمرین‌ها از آن‌ها استفاده کند. صداب‌ر (میکروفون) را برداشتم و برگشتم به سمت پنجره تا سهرابی را صدا کنم. دیدم یک کلاه شاپو عین فریزی دارد در هوا پرواز می‌کند. بچه‌ها در حیاط دنبال کلاه می‌دوند و سهرابی هم با عصای پدر بزرگش دنبال بچه‌ها گذاشته است.

روز اجرای نمایش رسید. دانش‌آموزان و اولیاد در سالن نشسته بودند. نمایش عالی پیش رفت و به لحظات پایانی خود رسید؛ همان جایی که سهرابی باید از روی نیمکت بلند می‌شد و سرش را به نشانه تأسف تکان می‌داد و از صحنه خارج می‌شد. سهرابی بلند شد. سرش را تکان داد، اما از صحنه بیرون نرفت و شروع کرد به نصیحت کردن شخصیت‌های دیگر نمایش. بچه‌ها چشم‌هایشان از تعجب گرد شده بود. سهرابی گفت و گویی (دیالوگی) نداشت، اما الان داشت سخنرانی می‌کرد. بعد هم ناگهان رفتار و شکل کلام معلم‌ها را تقلید کرد و ادای تک‌تک همکاران را درآورد.

دانش‌آموزان حاضر در سالن و معلم‌ها و اولیا همگی داشتند می‌خندیدند. بچه‌های نمایش که حساسی عصبانی شده بودند، به سهرابی اعتراض کردند و دنبالش گذاشتند. سهرابی هم همان‌طور که به مسخره‌بازی‌اش ادامه می‌داد، از دستشان فرار می‌کرد. این تعقیب و گریز از روی سن شروع شد، از بین جمعیت و سالن گذشتند و از در خارج شدند. بیشتر کسانی که در سالن بودند، فکر می‌کردند همه این‌ها بخشی از نمایش بوده است. جمعیت چند دقیقه همان‌طور ایستاده، گروه نمایش را تشویق کردند.

چند روز تلاش کردم تا سهرابی را متقاعد کنم که برای نمایش مدرسه به جمع ما بپیوندد، اما او هر بار طاقچه‌بالا گذاشت. سهرابی از آن دانش‌آموزهای سر و زبان‌دار و پرانرژی بود که معمولاً در هر شرایطی توجه اطرافیان را به خودش جلب می‌کرد. یکی از کارهایی که در آن تخصص داشت، تقلید از معلمان و درآوردن ادای آن‌ها بود. با وجود شیطنت‌هایی که داشت و آتش‌سوزاندن‌هایش، بیشتر مدرسه دوستش داشتند.

به هر حال سهرابی قبول نکرد و چاره‌ای نبود. باید بدون او کار را پیش می‌بردیم. نقش‌ها را تقسیم کردیم و تمرین آغاز شد، تا اینکه یکی از بچه‌ها به گوش سهرابی رساند که این تمرین‌های نمایش نمره مثبت دارند. با شنیدن این حرف سر و کله‌ی جناب سهرابی پیدا شد و اصرار زیاد داشت که الا و بلا من باید در این نمایش بازی کنم. هر چه به او توضیح دادم که تمامی نقش‌ها تقسیم شده‌اند، به خرجش نرفت که نرفت!

نمایشنامه را آوردم و گفتم بیا خودت ببین که نقشی باقی نمانده است. با دقت متن را خواند و کمی فکر کرد. بعد با خوشحالی و هیجان گفت من نقش آن نیمکتی را بازی می‌کنم که قرار است روی صحنه باشد. بچه‌ها با تعجب و خنده برگشتند و سهرابی را نگاه کردند، اما او آن قدر حرفش را جدی زده بود که خنده‌هایشان را خوردند. به آرامی به او گفتم، نیمکت که نمی‌شود عزیزم.

کمی فکر کرد و گفت: «پیشنهاد دیگری دارم. بهتر از این نمی‌شود. برای این دیگر نه نیاورید.» گفتم اول پیشنهادات را بگو ببینیم مثل نیمکت نباشد! گفت: «من نقش پیرمردی را بازی می‌کنم که اینجا روی نیمکت نشسته است و حرفی هم نمی‌زنم. در کل نمایش ساکت نگاه می‌کنم و به این جملات پایانی که رسید، بلند می‌شوم و سری از روی تأسف تکان می‌دهم و صحنه را ترک می‌کنم.»

پیش خودم گفتم ما که حریفش نمی‌شویم، حالا که آن قدر ذوق دارد، بگذاریم این نقش اضافه شود و او آن را ایفا کند. تأثیری هم بر نمایش ندارد. برای همین پذیرفتم. در تمرین هم شرکت کرد. نقشش را بازی کرد و همه چیز خوب پیش رفت.

فردای آن روز قرار بود دوباره تمرین کنیم. تازه زنگ



برای شنیدن داستان با صدای نویسنده، رمزینره را پویش کنید.



۲۳ مهرماه	۲۰ مهرماه	۱۶ مهرماه	۱۳ مهرماه	۱۱ مهرماه	۷ مهرماه	۲ مهرماه
<ul style="list-style-type: none"> • شهادت پنجمین شهید محراب، آیت‌الله اشرفی اصفهانی به دست منافقان • روز جهانی نابینایان (عصای سفید) • روز جهانی هنر 	<ul style="list-style-type: none"> • روز بزرگداشت حافظ 	<ul style="list-style-type: none"> • روز جهانی کودک 	<ul style="list-style-type: none"> • هجرت امام خمینی(ره) از عراق به پاریس 	<ul style="list-style-type: none"> • ولادت حضرت رسول اکرم (ص)، روز اخلاق و مهرورزی • ولادت امام جعفر صادق (ع) 	<ul style="list-style-type: none"> • روز بزرگداشت فرماندهان شهید دفاع مقدس (فلاحی، فکوری، نامجو، کلاهدوز و جهان‌آرا) 	<ul style="list-style-type: none"> • شهادت امام حسن عسگری(ع) و آغاز امامت حضرت ولی عصر (عج)

بیابحث کنیم!

مفضل، در مسجدالنبی نشسته بود و به مقام والای پیامبر(ص) فکر می کرد. به اینکه چطور ۲۳ سال تمام سختی‌ها را تحمل کرد تا پیام خداوند را به انسان‌ها برساند. غرق در این فکرها بود که مردی به نام «ابن ابی‌العوجاء» همراه با یکی از دوستانش وارد شد.

دوستش با اشاره به مزار پیامبر(ص) گفت: «او فیلسوفی بود که ادعای بزرگی داشت و برای اثبات ادعای خود معجزاتی آورد که عقل‌ها را سرگشته و حیران کرد... و حالا صدای اذان گوها هر روز نام او و خدایش را تکرار می‌کنند و...»

ابی‌العوجاء گفت: «من درباره‌ی دلیل کامیابی او عقلم به جایی قد نمی‌دهد، اما می‌دانم که این جهان آفریننده‌ای ندارد...»

مفضل که این سخنان را می‌شنید، به سوی آنان رفت و فریاد زد: «آیا پروردگاری را که نعمت‌های بی‌شمار به تو بخشیده انکار می‌کنی؟»

دوست ابی‌العوجاء گفت: «چرا عصبانی می‌شوی؟ اگر اهل منطق و استدلال هستی بیابحث کنیم و ما را قانع کن. اگر اهل بحث نیستی، به دنبال کار خودت برو و مزاحم نشو...»

مفضل با ناراحتی یک‌راست نزد امام صادق(ع) رفت. امام با دیدن حال پریشان او پرسید: «چرا این قدر گرفته و غمگینی؟»

مفضل ماجرای بحث با آن کافران را برای امام بازگو کرد. امام صادق(ع) فرمود: «فردا هنگام سحر نزد من بیا تا حکمت خداوند یکتا را در آفرینش

جهان برایت بیان کنم. طوری که شایستگان از آن عبرت گیرند و انکارکنندگان حیران بمانند...» مفضل از آن پس صبح‌ها نزد امام صادق(ع) حاضر می‌شد و امام از شگفتی‌های خلقت برایش می‌گفت:

«ای مفضل! در هوش حیوانات اندیشه کن و بنگر که خداوند بلندمرتبه چگونه در سرشت آنها هوش و کیاست نهاد... روباه، هنگامی که گرسنگی شدید بر او غالب می‌آید، به پشت می‌خوابد. شکمش را باد می‌کند تا پرنده‌ای مرده‌اش بیندازد. وقتی که بر آن نشست، روباه برمی‌خیزد و آن را می‌خورد... چه کسی این‌ها را به او یاد داد؟»

ای مفضل! در آفرینش پرندگان بنگر. تقدیر چنان شد که تخم گذارند و بچه‌نزایند تا در وقت پرواز سنگین نباشند... چون جوجه بیرون آمد، باد در دل جوجه می‌دمد تا چینه‌دانش گشاده گردد و بتواند غذا را جای دهد. چه کسی تدبیر چنان نموده که او غذا و دانه برچیند و در چینه‌دان ریزد و آن‌گاه برای جوجه‌اش دانه‌ها را برآورد؟ چرا این‌گونه خود را در رنج می‌افکند؟ حال آنکه عقل و اندیشه ندارد و از جوجه‌اش انتظاری که آدمیان از فرزند دارند، مانند: فخر، عزت، یاری و ماندگاری نام ندارد... از آفرینش تخم‌پرنده درس عبرت بگیر. در آن، ماده زردرنگ و آب رقیق و سفید نهاده شده. بخشی برای آنکه جوجه به وجود آید و بخش دیگر برای تغذیه آن است تا آن‌گاه که تخم را بشکافد و بیرون آید. در تدابیر نهفته در این امور بنگر. از آنجا که رشد جوجه درون لایه سخت است و هیچ چیز به درون آن راه ندارد، در درون آن، آن قدر غذا تعبیه شده که جوجه را تا هنگام آمدن بس باشد...»

این صحبت‌های حکمت‌آمیز در نهایت منجر به پدید آمدن کتاب توحید مفضل شد.

منبع: توحید مفضل، به کوشش محمد مهدی رضایی، نشر جمال، ۱۳۹۸

وقتی رسول اکرم (ص)
می‌خواستند آیه ۱۵۳ سوره
مبارکه انعام را برای یاران
توضیح دهند، با دست مبارک
خطی راست روی شن‌ها رسم
کردند و فرمودند: این خط
مستقیم، راه خداست.

پس از آن خطهایی از راست
و چپ بر آن کشیدند و
گفتند: بر سر هر یک از این
راه‌های انحرافی، شیطانی
کمین کرده و مردم را به
سوی آن می‌خواند.

آن‌گاه آیه مبارکه را قرائت
کرد: این راه مستقیم من
است، از آن پیروی کنید!
و از راه‌های پراکنده (و
انحرافی) پیروی نکنید،
که شما را از طریق حق
دور می‌سازد!...

راه مستقیم
راه خدا

منبع: تفسیر مراغی

احمد مصطفی مراغی، مفسر مصری

روز وصل دوستداران یاد باد
یاد باد آن روزگاران یاد باد



یاد و نام حماسه‌سازان دفاع مقدس گرامی باد!